

در صفحات دیگر این شماره:

- احسان طبری مرتد علیه هنرماد کیهیستی رهنمود میدهد صفحه ۲۶
- بازهم تقی‌ش عقاید، بازهم اخراج و... بازهم مبارزه صفحه ۲۱
- آوارگان جنگ: از دیروز تا امروز چه فرقی کرده اند؟ صفحه ۱۶
- رستار چون شود، فریاد میگردد!! صفحه ۲۱
- افشارگری: روحانیون بزرگ مورد تأیید آیت الله خمینی چه کسانی بودند؟ صفحه ۱۸

رهنمود در باره شعارهای تبلیغی در میان آوارگان جنگ

مداها را آواره جنگی بعنوان نتیجه مستقیم این جنگ ارتجاعی مشکلات فراوانی را برای رژیم جمهوری اسلامی بار آورده اند. رژیم در ابتدا کوشش با سهم و ناروا، تهدید و ارعاب، اذیت و کتک زدن آوارگان را محصور به بازگشت به مناطق جنگ زده بنماید. اما موفق

بقیه در صفحه ۲۲

بمباران ۹۲ دهکده توسط رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر اشنویه



گزارشی از جنگ لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در کارخانه مینو

رزمندگان و راه کارگر از حرف تا عمل

چین: رویز نویسندگان کمونیستهارا محاکمه می کنند

گرانی: فقر و فلاکت برای توده ها و درماندگی برای رژیم

گرانی بنزین و اعتصاب رانندگان تاکسی

اسلام سر مقاله

جنگ

ایران و عراق و چشم انداز آن

هفتاد و دو روز از جنگ آشکار و پنهان میان عیار ایران و عراق میگذرد. این جنگ بنا بر ما هیت غیر عادلانه و ارتجاعی است، همانطور که انتظار میرفت جز بدبختی و فلاکت برای کارگران و زحمتکشان دو کشور بسیار نیاورد و از همین رو هر روز که از آغاز جنگ میگذرد از دامن من توهم نوده ها نسبت به رژیمهای حاکم هر دو کشور و روحیه دفاع طلبی و شوونیستی آنها کاسته شده و کمتر به تبلیغات سربازان دروغ پور و بازی و اعوان و انصارش گوش فرا میدهند اما ساله بهیمن جا ختم نمیشود و این تنها توده ها نیستند که این جنگ آنها را دچار مشکل ساخته است. رژیمهای ایران و عراق یعنی همانهایی که در ادامه سیاستهای خود جنگ را با عیث شده اند، نتوانسته و نخواهند توانست گریبان خود را از دست عوارض و نتایج این جنگ خلاص کنند و هرگاه این روند ادامه یابد بدون تردید ناخوش مرگ سیاسی این رژیمها را با خود ببرد و درخواهد آورد. ایران را در نظر بگیریم:

بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ***

جنگ بر بهران اقتصاد و سیاسی ای که رژیم زحمان فردای قیام با آن روبرو بود در ابعاد وسیعتری اش گذاشته و آن را افزایش داده است. تا بودی قسمت اعظم تا سیات نفتی کاهش بسیار وسیع صدور نفت به خارج، کاهش درآمد ارزی، پایین آمدن سطح تولیدات داخلی، عدم امکان تامین کالاهای وارداتی، بیکاری کارگران، گران و کمبود مایحتاج عمومی، افزایش سرسام آور تورم، بنیادهای تسلیماتی رژیم و تا شرمخوردن بر روی تورم و زندگی زحمتکش، آن و آوارگی مشکلات ناشی از آن و ... اینها همه نتایج اولیه و ابتدائی این جنگ در زمینه اقتصادی بوده است. که اگر آن را در کنار ابعاد دینتایج سیاسی این جنگ، یعنی افزایش نارضایتی عمومی مردم، فرو ریختن توهّمات نسبت به رژیم، رشد حرکات اعتراضی و شکل گیری جنبش اعتراضی علیه رژیم، تا شرمخوردن بر بهران پائین در بالا و آوارگی جنگ قدرت در بالا، تا توانی رژیم در تثبیت و ترمیم قدرت سیاسی خود، شکست در جبهه جنگ با عراق و عدم امکان جبران این شکست و عوارض سیاسی آن و ... قرار دهیم، خواهیم دید که رژیم جمهوری اسلامی در متن چه بحران اقتصادی و سیاسی عمیق و وحشتناکی بسر میبرد. و البته این چه چیزی نیست که خود رژیم، بویژه جناح بورژوازی لیبرال آن، آن بی اطلاع باشد. بنی صدر نامه خصوصی خود به آیت الله خمینی در تاریخ نهم بهمان مینویسد:

«هند بار بار به بدتر شدن وضع اقتصاد کشور عرض مطلب کرده ام. خود نیز نمیدانم امروز دولت دیناری ندارد و دارد از بانک مرکزی میگیرد. خرج میکند. با وجود جنگ، تورم چه سیر سرازیر خواهد آورد؟ خدا خود رحم کند ...»

... مردم دارند ندید میگویند، در شهرهای خوزستان اضطراب به نهایت است. در شهرهای دیگر هیچ چیز نیست و صفهای روزگوانانی ترمیشوند. حرفهای بنی صدر بدگمانی گویا هستند و نیاز به تفسیر ندارد. بنی صدر با شانه تیز لیبرالی اش، خطر بحران را که در کمین رژیم جمهوری اسلامی نشسته است، بخوبی احساس می کند و میداند که ادامه جنگ، این بحران را تشدید ترو عمیق تر خواهد کرد تا آنجا که بقول خود او، نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان.

خطر آنچنان جدی است که نه تنها بنی صدر، بلکه جناح بورژوازی حزب جمهوری نیز علیه رژیم تمام هدفها و استفاده های که در این جنگ و براه انداختن آن داشته و هنوز هم دارد علیه رژیم تمام می دشتن میانی که نشان لیبرالها میکنند. همانند لیبرالها غالب است که بنحو "برو-منندای" این جنگ با بیان پذیرد چرا که می داند و بهتر است بگوئیم فهمیده است که اینبار خطر جدی است و مساله بودن و نبودن حاکمیت و قدرت سیاسی و البته کل قدرت سیاسی در میان است و

دیگر نمیتوان همچون گذشته به شعار صدور انقلاب اسلامی و تابیودی حکومت بعث عراق دلخوش بود و هرگونه بلند پروازی را بنمورد میتوانند به قیمت نابودی خود او وکل رژیم تمام شود.

وضع درباره عراق نیز تفاوت کیفی با آنچه در مورد ایران گفتیم ندارد. رژیم عراق که در ابتدا با هدف برهم زدن قرارداد ۱۹۷۵ الحزایر و کسب موضع برتر در دهان خلیج و شط العرب و جلوگیری از فعالیت تبلیغاتی ایران علیه عراق و کمکیای ایران به سازمانهای اسلامی موجود در عراق مثل "الدعوة" و "بیکار اسلامی" حمله را آغاز کرد، در شرایط فعلی در برابر گسترش این جنگ قرار گرفته و تاکنون نیز بهای گزافی را بابت آن پرداخته و این کشور را اگر نه در حد ایران، دچار بحران وسیع اقتصادی و سیاسی نموده است.

از اینرو آنچه که برای رژیمهای غرضگرای ایران و عراق، علیه غمنا می اختلافات سیاسی و ارضی موجود مطرح است، حفظ قدرت سیاسی و جلوگیری از آوارگی بحران و در همین رابطه جنبش توده ای رشد یافته است که تاکنون بودی آنها را هدف گرفته است. بورژوازی هما نظر که در تاریخ نیز بارها اتفاق افتاده حاضر است برای حفظ خود و سرکوب انقلاب در کشور خودی در کنار بورژوازی کشور دیگر که تا آن زمان برای کسب سود بیشتر با او در حال جنگ بود، قرار گیرند و لوسود

بخاطر يك لقمه نان!
رشت :

روزشنبه ۱۲ آبان ماه گروهی از رانندگان شخصی که شکم خا نوا ده خود را از راه مسافر کشی سیر میکنند جهت دریافت کوبین بنزین به استان داری کیلان میروند. اما استاندار رضا نقلائی در پاسخ خواست بحق آنها جنگ ارتجاعی ایران و عراق را جاقی کرده و سر آنها میکوبد که "ما در حال جنگ هستیم و شما نباید به ما اینقدر فشار بیاورید". یکی از رانندگان زحمتکش پاسخ میدهد که "شما روزی سی تومان به زن و بچه های ما بدهید ما همین حالا به جنگ میرویم". استاندار مرتجع رو - به پاسداران سرما به کرده و میگوید "این شخص را بگیرید او آمریکایی است!! پاسداران بلافاصله شروع به تیراندازی هوایی کرده و سپس بر روی راننده ها آتش گشودند. در این حادثه چند نفر مجروح شد که یکی از آنان در بیمارستان جان سپرد.

این منطق رژیمهای ارتجاعی است که پاسخ بیکاران را با گلوله و سرب مذهب دهد. اما این سرکوب ها برای مقابله با آوارگی میازات زحمتکشان نخواهد داشت و رشد گاهی شده ها راه سرخ پیروزی آنان را هموار تر خواهد ساخت با استفاده از اعلامیه کمیته کیلان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آنکه این سازش بقیمت از دست رفتن بخش مهمی از خاک کشور خود باشد. ایران و عراق نیز از این قاعده عمومی مستثنی نبوده و نخواهند بود. و اما موضع امپریالیستها در قبال جنگ و خاتمه آن: بدون آنکه بخوانیم به توضیح مواضع امپریالیستها، اما از آمریکا و شوروی و کشور های اروپائی در قبال جنگ و آغاز آن بپردازیم بطور مختصر با اشاره کنیم که هر دو کشور ایران و عراق برای امپریالیستها و بویژه آمریکا و شوروی چه از نظر اقتصادی (و بویژه نفت) و چه از نظر سیاسی و سوق الجیشی اهمیت تعیین کننده ای دارند و از اینرو در برابر هر گونه تغییر و تحولی که بنحوی موقعیت آنها را در این منطقه حاس تضعیف نماید حساسیت فوق العاده نشان میکنند. اما معنای این بحران و عراق نه تنها موجب کندی صدور نفت به این کشورها، بلکه از آن مهمترین حداثیایی بحران در ایران و عراق آنجا میدهد است که در ادامه خود میتوانند به تضعیف و حتی سقوط رژیمهای این دو کشور بنام مذا این امپریالیستها در این کشورها و در منطقه سازگاری ندارد.

موضع حمایت آمیز آمریکا و آلمان از ایران بویژه پس از تصمیم مجلس به آزادی گروگانها، موضع سوسیال امپریالیسم شوروی و دولت فرانسه در حمایت از هر دو کشور ایران و عراق کوشش سازمان ملل و مسافرت اولاف پالمر به ایران و عراق جهت بررسی پیشنهادات دو کشور و راههایی به صلح و پاسخ در مجموع مساعدی که هر دو کشور نسبت به این مساله ابراز داشته اند، تماماً بیانگر نگرانی امپریالیستها و رژیمهای این دو کشور از ادامه جنگ و مشکلاتی است که در این رابطه برای آنها بوجود خواهد آمد.

نکاتی را که بر شمر دیم این مساله را مسلم میباشد که جنگ میان ایران و عراق بهیچوجه نمیتواند در دراز مدت ادامه یابد و طرفین نه میخواهند و نه توان آن را دارند که این جنگ را در دراز مدت ادامه دهند. اما نکته مهمی که باید در اینجا به آن اشاره شود این است که این مساله بهیچوجه بمعنای آن نیست که رژیمهای ایران و عراق قادرند در فاصله کوتاهی مثلاً چند هفته به این جنگ خاتمه دهند. این امر بهیچوجه امکان پذیر نیست. مثلاً رژیم ایران که ما همواره توده ها را برای جنگ با عراق و سرنگونی "صدام کافر" تشویق و ترغیب کرده و وعده پیروزی و ملاقات در کیلان و بغداد را به آنها داده است و در این راه جان هزاران نفر از هموطنان ما را میهد گذاشته و خاتمه خرابی مدتها هزار نفر از مردم زحمتکش را باعث شده است و هم اکنون نه تنها کوچکترین پیروزی ای بدست نیاورده، بلکه قسمتی از خاک کشور را نیز از دست داده است.

بقیه در صفحه ۱۶

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنگ، بهانه‌ای برای تشدید استثمار کارگران معدن کرمان

جنگ بین ایران عراق، جنگی است غیر-عادلانه و به ضرر کارگران و زحمتکشان دوا کشور که فقط به نفع سرمایه داران است. شروع جنگ "فشار کار"، "افزایش تولید"، "گران"، "اخراج کارگران"، "راهبندبند" داشته و همواره فلات و بدبختی را برای آنها به ارمغان آورده است. قبلاً در معدن هجده کارگر کرمان ۴۶ ساعت در هفته به کار طاقت فرسا مشغول بوده اند و علاوه بر ۴۶ ساعت کار ۴۰ ساعت اضافه کار داشته اند، که هم اکنون بطور متوسط در حدود ۱۰ حقوق کارگران قطع شده است. علاوه بر فشار کار رئیس معادن گفته است که: "برای هفته های آینده ساعت کار افزایش می یابد".

کارگران معادن را "خیرات جنگ بی بهره نموده اند، حقوق آنها کاهش یافته، کمبود و گرانی سوخت و اوراق زندگی را بیشتر بر آنها تنگ میکند و هر چه میگردد، آنها بیشتر به ما هیت جنگ و تبلیغات مسمومانه رژیم پهلوی میبندد و توهم آنها نسبت به رژیم پهلوی بدتر در حال فرو ریختن است.

با تعطیل شدن کارخانه دباغی کلیه کارگران کارخانه بیکار مانده اند

چندی پیش کارخانه دباغی واقع در جاده فدائیان اسلام (شهری) به علت نرسیدن مواد اولیه تعطیل و کارگران آن بیکار میشوند. صاحب این کارخانه فردی است، بنام مهندس خالقیان که قبلاً از طرفداران سرخشت شاه بود و امروز طرفدار حزب جمهوری شده است. خالقیان مدتی پیش به کارگران کارخانه گفته است: من دیگر بوجود شما احتیاج ندارم، پول با خریدن را بگیرید و بروید و هر کسی اعتراضی دارد بروید و هر کاری که دلش میخواهد بکند. کارگران دباغی در سخت ترین شرایط کار میکنند، آنها از هیچ امکانات بهداشتی برخوردار نیستند و خیلی از آنها به دلیل مرطوب بودن محیط کار دچار مسموم شده اند. اکنون در شرایط گرانی و سردی هوا، بیکاری زندگی آنها و خانواده شان را بدبختی تهدید میکند.



جنبش کارگری

گزارشی از: جنگ لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در کارخانه مینو

مزدور مستقیم کارفرما بود. آنها در طی مدتی که بر سر کار بودند تنها هیچ کاری به نفع کارگر-ان انجام ندادند، بلکه برعکس جلوی رشد مبارزات کارگران را گرفته و در نتیجه موجب نا رضایتی کارگران شدند بعد از آن کارگران نیز به علت نداشتن اتحاد موفق به ایجاد تشکیلات خود نگردیدند.

در یک مرحله از انتخابات برای "شورا"، بین هیئت مدیره از طرفی و مزدوران کارفرما و فلاتها از طرف دیگر، اختلاف و درگیری پیش می آید که در واقع انعکاسی بود از اختلاف بین دو جناح هیئت حاکمه (لیبرالها و بنی مداریک - طرف و حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر) در جریان این درگیری هیئت مدیره موفق میشود که سه تن از عناصر رقیب را اخراج کند (علی موسی - زاده رئیس کارگزینی - ضیعی رئیس انقذات و خوشبخت متعدی انبار)، در نتیجه کارگران بطور نسبی آرامش عمل پشتیبانی میکنند، اما از بقیه در صفحه ۱۲

کارخانه مینو به سبب مبارزات با شکوه بعد از قیام و جریان گروگانگیری یک هفته ای "حاج علی خسروا" یکی از بزرگترین سرمایه داران ایران و پیروزی نسبی کارگران در این جریان، شهرت خاصی دارد. ما در شماره های گذشته "پیکار" شمارا در جریان مبارزات کارگر-ان مینو و نتایج و درسیهای آن قرار داده ایم و اینک به بررسی تحولاتی می پردازیم که بخموش بعد از جنگ با عادلانه کنونی در کارخانه رخ داده اند:

بعد از انحلال "دفتر هماهنگی" که بنام تشکیلات رهبری کننده مبارزه کارگران در جریان گروگانگیری بود، به علت نبود یک تشکیلات کارگری قدرت بدست هیئت مدیره موقت که توسط شورا کارگری انتخاب شده بود، افتاد که بعداً دو نفر از طرف وزارت صنایع و معادن بعنوان مدیران دولتی به آنها اضافه شد هیئت مدیره جدید در مجموع متمایل به لیبرالها بود و سیاستی لیبرالی را دنبال میکرد و یکنفر از آنها نیز

کارگران کارخانه ناسیونال اصفهان خواهان جلوگیری از خروج کالا شدند

کارگران را زیاده کردند. کارگران وقتی این جواب را شنیدند، مصمم تر از پیش خواهان ادامه مبارزه شدند و یکی از کارگران پشت میکروفن رفته و گفت: ما تا تحقق خواسته های خود جلوی خروج کالا از کارخانه را نمیگیریم. اما می کارگران با صدای بلند گفته او را تائید کردند.

خواستهای این کارگران بشرح زیر است:

- ۱- اضافه حقوق
- ۲- استفاده از خدمات عمومی کارخانه (مثل تلفن و غیره).
- ۳- بهتر شدن کیفیت غذای و ...

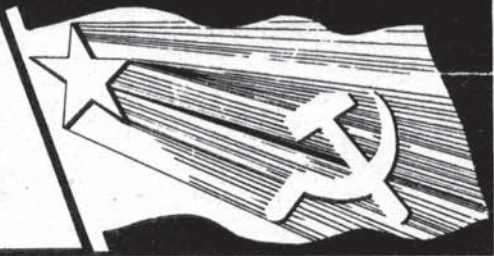
کارگران این کارخانه قبلاً توانسته اند ۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا بگذارند.

چندی پیش کارگران کارخانه ناسیونال واقع در جاده اصفهان، یکی از نمایندگان خود را برای پیگیری درخواستهایشان به تهران فرستاده بودند. بعد از چند روز کارگران پیشنهاد میکنند که آقای هاشمی (نماینده ای که به تهران فرستاده بودند) نتایج اقدامات خود را در حضور کارگران بازگو کند.

آقای هاشمی میگوید: "من برای زیاد کردن حقوق پیش صاحب کارخانه و مقامات دولتی (از جمله آقای اسدی) رفتم، ولی آنها به خواست ما کارگران پاسخ منفی دادند. حتی میگویند: "به علت بیماریان آنها را ناسیونال تهران و سوختن کالاها و خساراتی که به این خاطر به کارخانه وارد آمده نمی توانستند حقوق

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌ای



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۷)

اصل چهارم: بیان حقایق (اتکاء به منافع تاریخی توده‌ها)

اصل اساسی اخبارتاکیدی و رزیدو برای اثبات اصولیت نظری متذکر میشود که:

"طبیعتا ما به هر چیزی که توده‌ها میگویند تسلیم نخواهیم شد. چرا که توده‌ها سیر بعضی اوقات، سبزه‌دار یا مفرودگی و خستگی استثنائی حاصل از سختیها و رنجهای بیش از حد به احساساتی تسلیم میشوند که بهیچوجه بیثرو نیست." (۱)

یک اصل کمونیستی همواره تعیین کننده حرکت کمونیستهاست و آن در نظر گرفتن منافع تاریخی طبقاتی توده‌هاست. اتکاء به منافع تاریخی توده‌ها در امر تبلیغ بصورت بیان حقایق جلوه‌گر میشود این اصل در حقیقت اساسی ترین پرنسپ تبلیغ محسوب میشود. درست است که نباید احساسات توده‌ها را در نظر داشت و نیز باید به اساسی ترین نیازهای توده‌ها پاسخ گفت و همچنین با توده‌ها در آمیخت و از آنها جدا نماند، اما این سه اصل تبلیغ در زیر پرچم اصل چهارم بایستی اجرا میگردد. کمونیستها در تبلیغ نه به عوام فریبی و تشبیه به هر شیوه‌ای برای نفوذ در توده‌ها و یا تاشد پست ترین عواطف عقب مانده - ترین توده‌ها، بلکه به منافع استراتژیک و تاریخی توده‌ها می اندیشند و به اصول جاودانه مارکسیسم-لنینیسم وفا دارند. منافع تاریخی توده‌ها ایجاب میکند که حقایق را به توده‌ها بگوئیم به آنها دروغ نگوئیم و به این گفته جاودانه ما رکن پاینده باشیم که "حقیقت همیشه انقلابی است." اتکاء به منافع توده‌ها بالاتر از هر پرنسپ اصلی است و اگر هر پرنسپ دیگری بجای این اصل اساسی در تضاد افتد، باید از جلوی راه استقرار این اصل کنار رود. لنین در ۱۹۱۷ تأکیدی تألیفی بر این مطلب دارد:

"ما و شما هستیم که تغییر خلق و خوی توده‌ها و وسع‌الو چیز بسیار مهم‌تر و عمیق‌تر از آن، یعنی منافع اساسی توده‌ها را بحساب می آوریم" و ادامه میدهد:

"بلشویکها بطرنا بین منافع توده‌ها و سوق دادنشان به عمل انقلابی، شوینیسم را رد کردند و در این راه تغییر خلق و خوی آنها را نه برای تمکین غیر اصولی در مقابل آن بلکه بمنظور دست یازیدن به مبارزه‌ای اصولی برای کسب کامل از شوینیسم اجتماعی مورد استفاده قرار دادند."

همانگونه که مشاهده میشود، لنین هنگامیکه اصل توجه به روحیات توده‌ها با اصل اتکاء به منافع توده‌ها در تضاد می افتد، بر اصولیت

اسلحه تیزی بدل میشود که دل حقیقت را می شکافد و با هشاری و دلآوری تضادهای موجود در بطن جامعه را عریان میکند و برای زخم‌کشان واقعیات جامعه را بدستی و با صداقت منعکس میکند. تأکید کمونیستها بر این اصل اساسی از دید "اخلاق گرایانه" آنها ناشی نمیشود، بلکه بخاطر اینست که کمونیستها معتقدند تنها ملل جامعه و محوطیقات، امری اجتناب ناپذیر است انقلاب یک حقیقت است و بیروزی پرولتاریا بر بورژوازی نیز انعکاس دقیق واقعیت مبارزه طبقاتی است، بیان این حقایق از آنروست که توده‌ها ست که این حقایق بنا بر اصل ماتریالیسم دیالکتیک جبراً بسود زخم‌کشان عمل میکنند بخاطر همین است که رفیق ما شومعتداست:

"ما باید در دفاع از حقیقت استوار باشیم و حقیقت ایجاب میکند که موضعی صریح اختیار کنیم، ما کمونیستها یونان نماندن نظریات خود را پیوسته شرم آور و شرمده ایم. روزنامه‌های تحت رهبری حزب ما و مجموعه کار تبلیغاتی ما با بد جاخدا را شد. موضع صریح داشته باشند، تیز و پرا باشند و هرگز نبا بد در آنها بمانند." (۲)

● ما کمونیستها معتقدیم "حقیقت، جاندار است". بیان آن هر چند بطور موقتی و تاکتیکی، نتیجه بخش نباشد، بطور استراتژیک در جهت منافع توده‌هاست.

● باید حقیقت را گفت، اما چگونه، کجا و چه موقع و به چه کسانی. آثار شیشها انعطافی را در بیان حقایق نمی پذیرد و رویزونیستها اساساً با بیان حقایق دشمنند.

انحرافات رویزونیستی و آوارشیستی در ارتباط با تبلیغ حقایق

رویزونیستها که با هیچ اصل مارکسیستی نمی توانست خود را منطبق کنند، دیگر بطور کامل با این پرنسپ دشمنی میورزند. آنها به منافع تاریخی بورژوازی منکی هستند نه به منافع توده‌ها و چنین است که حقایق را بسود بورژوازی وارونه میکنند. رژیمهای فدا خلقی را انقلابی جا میزنند، جنگهای ارتجاعی را عادلانه قلمداد میکنند، دوست را دشمن، و دشمن را دوست طبقه کارگر معرفی میکنند. آنها دشمن حقیقتند، چرا که "حقیقت، همیشه انقلابی است." و آنها دشمن انقلابند. آنها پیوسته دروغ را تبلیغ میکنند مثلاً به دروغهای حزب توده در این مورد میتوان استناد کرد که روزی، آیت الله خمینی را مرتجع مینامید و روز دیگر انقلابی، روزی لیبرالها را بورژوازی ملی و انقلابی و دموکرات می نامید و روز دیگر آنها را لیبرال و... هر بار رکدها و مسئله - ای را تبلیغ میکرد از منافع بورژوازی حرکت میکرد و تلون مزاحی رویزونیستها نیز در همین - جاست کمونیستها دروغ نمیگویند، دجا رتاض

بقیه در صفحه ۱۲

بدین ترتیب قوانین دیگر تبلیغ تحت - الشعاع این اصل اساسی قرار میگیرند و این توجه عظیم به این اصل، تبلیغ کمونیستها را از تبلیغات نصابندگان دیگر طبقهات جدا میسازد. بورژوازی و حتی خرده بورژوازی بخاطر پیروزیهای آتی خود منافع آتی توده‌ها را الگومال میکنند. آنها از شیوه‌های شکوف تبلیغاتی برای نفوذ در توده‌ها استفاده میکنند. احساساتشان را به بازی میگیرند و عوام فریبی میکنند و... تا در آنها نفوذ نکنند. ما کمونیستها همواره از شیوه‌های غیر اصولی، جنجال، هیاهو، دروغ، مظلوم‌نمایی و... بخاطر موقعتیت در تبلیغات اجتناب میکنیم، حتی اگر در کوتاه مدت شکستهای را نیز محتمل شوند. تبلیغات کمونیستی، ما کما و لیستی و با براکما نیستی نیست. ما کمونیستها معتقدیم "حقیقت، جاندار است." بیان آن هر چند بطور موقتی و تاکتیکی نتیجه بخش نباشد، بطور استراتژیک در جهت منافع توده‌هاست. بدین ترتیب تبلیغ به

(۱) - نقل قولهای لنین از کتاب علم انقلاب در روانشناسی اجتماعی اثر نیورشت آفرده شده است.

(۲) - ما شومعتداست، جلد ۴، گفتگوی هشتم تحریریه روزنامه چین سری ژینا شو

خلق ها و مسئله ملی



درود...!

د رود برا نقلا بون شهید کاک ماس می کن
بیشمرکه کومه و کاک شوان فرمانده
نظامی یک دسته از بیشمرگان کومه و دیگر
شهدای جنبش مقاومت خلق کرد.

غارت روستای قم قلعه بدست پاسداران

مهاباد ۵۹/۸/۱۹

در این روز یک ستون مرکب از ارتش و پاسداران از محمدا رنقده بمقدما باد حرکت کردند. این ستون در سوراخ خود بغداد در کیری کوتا هی با بیشمرگان دمکرات وارد روستای "قم قلعه" گردید. نیروهای ضد خلق، بمحن ورود، شروع به آتش زدن خانه ها و غلوفه و غلات روستا. شیان و غارت دکانها نمودند. آنها ۱۲ خانه را به آتش کشیده و دکان را غارت کردند. سپس مزدوران رژیم پس از کشتن یکی دو نفر را اهالی روستا ضمن خروج از روستا مورد حمله بیشمرگان دمکرات قرار گرفتند. و در نتیجه این درگیری ۸ نفر از نیروهای ضد خلق شهلاکت رسیدند. همچنین یک بیشمرکه شهیدند که پاسداران بطور وحشیانه چشمان او را از حقه درآوردند.

فانتومهای جمهوری اسلامی اسباب بازی محتوی مواد منفجره بزمین ریختند

مربوان

کریم از روستای "خا و" به قصد بردن اسباب بازی برای فرزندانش یکی از آنها را برداشت که منفجر شد و او را به شدت رساند. پسرجهای نیز با برداشتن یکی دیگر از آن اسباب بازیها به شدت زخمی شد. این جنایت رژیم جمهوری اسلامی، بارها توسط امیرالایسم آمریکا در روستاها متکرار شد ولی خلق قهرمان وینا وارد شوراها نهراسید و اشغالگران را از خاک خود بیرون راند. خلق قهرمان کرد نیز با تحمل سختی ها و ادا به مبارزه همراه خلقهای دیگر ایران، سرکوبگران را به زانو درخواهند آورد. (استقل از خبرنا مه ۸۸ کومله)

رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق برای کشتن رزحمتکشان هردو کشور از هیچ جنایت و وحشیگری رویگردان نیستند. در حالیکه ستون ارتشی عراق در روستای مرزی "کاشی میران" دهات اطراف را به توب می بندد، فانتومهای رژیم جمهوری اسلامی در روز ۵۹/۸/۷ بعد از بمباران شهر بستنجون (کردستان عراق) که باعث کشته و زخمی شدن عده زیادی از مردم بهیضه ع آنجا گردید، هنگام بازگشت در اطراف روستای "خا و" "مقدار زیادی اسباب بازی مانند عروسک، ماشین کوکی، کیف و... در شمع چند صد متری به زمین ریخت. یک نفر سنا ملاح حاجی

غارت و آتش زدن روستاها توسط مزدوران رژیم

نقده ۵۹/۸/۱۰

عده زیادی پاسدار وحاش مستقر در شهر نقده همراه با چندین تاک و خود را از طریق روستای قارنا به روستای "کلوان" حمله کردند. آنها ضمن غارت دکانها و اموال مردم، اهالی زحمتکش را با وحشیگری هرچه شما مترا سرجا قو و چماق و سر نیزه مورد حمله قرار داده و حدود ۲ نفر از آنها را کوزور زخمی نمودند. پاسداران و جاشها بعد از غارت روستای "کلوان" به روستای "با یزاد" (با یزوه) حمله کردند. در این روستا، مزدوران رژیم طی درگیری کوتاهی، یک بیشمرکه را شهید و بیشمرکه دیگری را دستگیر نمودند. پاسداران و جاشها پس از مجروح کردن عده زیادی از اهالی، روستا را به آتش کشیدند و در نتیجه این وحشیگریها، تعداد زیادی از خانه ها مزارع، و غلوفه دامها و جویهای سوختنی یکی در آتش سوخته و نابود شدند. اخبار رسیده حاکی است که تا چند روز پس از حمله، روستای "با یزاد" در آتش می سوخته است. مزدوران رژیم پس از انجام جنایات خود در دور روستای مذکور، به طبرف

بمباران ۹۲ دهکده توسط رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر اشنویه

رژیم جمهوری اسلامی برای خارج کردن شهر اشنویه از دست بیشمرگان جنبش مقاومت خلق کرد، با بسیج بخش اعظم مزدوران خود در منطقه در تدارک حمله ای وسیع به اشنویه بود. اما این توطئه جنا یگاران رژیم در اثر مقاومت قهرمانانه بیشمرگان و اهالی مبارز اشنویه نقش بر آب شد جریان واقع بقرا زیر بود:

ابتدا جاشهای جنا یگاران ملاحسنی مرتجع به روستای "جیرا شیل" حمله کرده و ضمن غارت و آتش زدن روستا به یک پسر ۱۳ ساله و یک دختر ۱۴ ساله تجاوز کردند. بیشمرگان جنبش مقاومت به محض اطلاع از این وحشیگریها به مزدوران رژیم جمهوری اسلامی حمله کرده و تلفاتی بر آنها وارد کردند. حمله بیشمرگان به پاسداران به دست ارتش ضد خلقی داده و فرمانده عملیات نظامی مستقر در "تیه جیرا شیل" سنا سروان "مختار مددرک" معروف به "مدرك خونخوار" فرمان انهدام ۹۲ روستای منطقه اشنویه را صادر کرد. ارتش روزها با هلیکوپتر روستاها را به



حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست

گرامی باد خاطره رفقای شهید



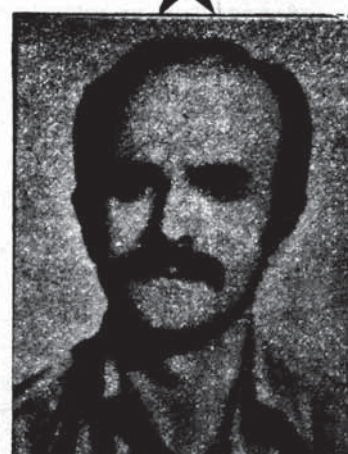
رفیق شهید
حسن سبحان الهی

عضو بخش منشعب ازس م خ ۱
انضباط انقلابی و تشکیلاتی او و حساسیت
در قبال نظرات نادرست و ناسازگار
همزمانش بود .
شهادت در روز شنبه در تاریخ
۵۴/۹/۲۶



رفیق شهید محبوبه افراز

عضو بخش منشعب ازس م خ ۱
علاوه بر فعالیتهای تشکیلاتی در داخل
کشور و بیرون رادربین انقلابیون عمانی به
عنوان پزشک در جبهه جنگ خدمت کرد .
رفیق همچنین در اداره بخش فارسی
رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان
فعالیت داشت .
شهادت در نیمه آذرماه ۵۷



رفیق شهید هاشم وثیق پور
(لطیف)

عضو بخش منشعب ازس م خ افعال در
بخش کارگری . رفیق سهم عمده ای در
انتشار نشریه "قیام کارگر" داشت .

شهادت در ۳۰ آذرماه ۵۴

استخدام مزدور برای کشتار خلق کرد!

دوشنبه ۳ آذر ۱۳۵۹ کیهان

لشکر ۲۸ سنج
سرباز استخدام
می کنند

تهران - خبرگزاری پارس -
لشکر ۲۸ سنج برای تشکیل
کادر سربازی خود گروهی از
داوطلبان خدمت کردیم را که از
سایر جبهه برخوردار بوده
و حداکثر سن آنها ۲۵ سال باشد
برای مدت یکسال استخدام
میکنند . متن اعلامیه ای که از
سوی ستاد مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران در الجزایر منتشر
شده

یافت ترحم زیر میباشد :
بسمه تعالی - لشکر ۲۸ سنج
برای تکمیل کادر سربازی
احتیاج به تعدادی سرباز دارد
کسانی که تمایل به استخدام
بطور قراردادی به مدت یکسال
در لشکر مزبور را دارند میتوانند
همه روزه از ساعت ۱۰ الی ۱۴
غیر از روزهای تعطیل به مرکز
صفر یک کادر واقع در خیابان
پیروزی (فرج آباد سابق)
مراجعه وقت نام کنند .
شرایط استخدام عبارت است
از : حداکثر سن ۲۵ سال ، دارای
بودن برگ خانه خدمت .
دارا بودن سلامت جسمی به
نابینا و بهر بهداری ارتش -
همراه داشتن شناسنامه عکسدار .

اگر برای سرباز خلق کرد کشتار
ا اهالی شهرهای کردستان و روستایان بیدفاع
و برای قتل عامهای نظیر "قارنا" ها و "قلاتان" ها ،
"کاشی مام سید" ها و "ابندرقاش" ها ، ارتش ،
پاسداران ، جاشهای آدمکش و اعزام افراد متنفذی
خدمت ۵۶ به کردستان کافی نیست ، رژیم
جمهوری اسلامی اکنون برای گسترش آدمکشها

روستای "شاواله" راه افتادند . بعلمت نبودن
بیشمرگان در این مسیر (در حقیقت پیشمرگان
حزب دمکرات در این منطقه خیال جنگیدن
نداشتند) ، مزدوران رژیم پراحتی وارد روستای
شاواله گردیدند ، آنها در این روستا نیز مانند
روستاهای قبلی به قتل و غارت روستایان
زحمتکش پرداختند . مزدوران خدخلق ، وحشیانه
بهر مردی را بقتل رسانده و عده زیادی از اهالی
روستار از غمی و نا ارامی برخوردارند . سپس
پاسداران و جاشها ، خانه ها و علوفه دامی
روستایان را به آتش کشیدند .

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از غارت
به روستای یاد شده با خمپاره ۱۲۰ میلی متری
به روستای "دشت قور" شلیک کردند و دولی خمپاره ها
به روستا امانت نکردند . قتل و غارت در روستاهای
کردستان توسط ارتش و پاسداران و جاشها ،
همچنان ادامه دارد .

توضیح :

به علت تراکم مطالب روز ، از آوردن متن
مباحثه با رفقا حسین روحانی و شراب حق شناس
در این شماره معذوریم .

و جنایات خود در کردستان به استخدام "مزدور"
دست زده است ، آنچه که در زیر می بینید اطلاعیه
لشکر ۲۸ سنج برای استخدام "مزدور" میباشد :
زحمتکشان ما می پرسند : برای خلق
زحمتکش کردجه میخواهد که رژیم جمهوری اسلامی
علاوه بر استقرار آئینه دستگای های سرکوبگر خود
در کردستان به استخدام "مزدور" نیز دست زده
است ؟

البته استخدام مزدور برای سرکوب جنبه های
انقلابی خلقها و زحمتکشان امر تازه ای نیست .
امپریالیستها ، بویژه آمریکا و انگلیسها
بارها در کشورهای رودزیا ، کنگو ، عمان ، ژنیر
و... برای کشتار خلقهای این مناطق ، آدمکشان
و جنایتکاران حرفه ای را با دادن پول ، استخدام
کرده و میکنند اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی
برای کشتار خلق کردها ، شیوا امپریالیستها
را بکار گرفته است

کارگران و زحمتکشان !

صدای اعتراض خود را بر علیه این همه
جنایات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان بلند
کنید و ضمن حمایت از خلق کرد ، توطئه های
جنایتکارانه رژیم در کردستان را افشا نمائید .
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۹/۵

گرانی: فقر و فلاکت برای توده ها و درماندگی برای رژیم

بحران عمیق اقتصادی ایران که در مقطعی از رشد خود منجر به سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه گردید، بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی نیز کماکان عمیق تر و گسترده تر گردید. سطح زندگی توده ها و بخصوص کارگران و زحمتکشان با سرعت بی سابقه ای، دائماً تنزل کرده و می کند. این امر در بالا رفتن سرمایه و رفیقت مواد مورد نیاز توده ها از طرفی و ثابت ماندن (و یا حداکثر افزایش ناچیز) دستمزدها، خود را بخوبی نشان می دهد. علاوه بر آن بیکاری نیز چون بیماری همه گیر، گسترش و حشمتاکی یافته است.

بعد از همه جا نبه شدن جنگ ارتجاعی کنونی قحطی و گرانی ناشی از جنگ نیز "قوز بالا قوز" گشته و گلهای زحمتکشان در چنگال هیولای گرانی بیشتر فرشته می شود. بیهوده نیست که بحث راجع به گرانی اجناس، امروزه بحث روز توده ها و موجب اعتراضات گسترده (هر چند هنوز کم دامنه) شده است. این اعتراضات و همه گیری شدن آنها خوجبات وحشت رژیم جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. بطوریکه مسئولان رژیم از ترس تکان مل این ناراضی ها به مبارزات گسترده توده ها و برای جلوگیری از تکرار هر آنچه دو سال قبل بوقوع پیوست. و منجر به سقوط رژیم شاه گردید، به دست و پا افتاده و مذبح خانه به تلاشهای شعی همچون جیره بندی مواد سوختی و قند و شکر (که مقدمه جیره بندی سایر مواد است) پرداخته است. برای آنکه به ابعاد وحشتناک افزایش قیمت ها در سایر کشورهای بپریم، با استفاده از آمار دولتی (۳) (که طبقاً ارقام بسیار پایینتر از واقعیت نشان می دهند)، میزان افزایش قیمت مواد ضروری و مورد نیاز توده ها را نسبت به سال گذشته مورد بررسی قرار می دهیم:

به جدول شماره ۱ رجوع شود
بطور کلی میزان متوسط قیمت ها در مرداد ماه ۵۹ نسبت به مرداد ماه ۵۸ برابر ۲۲/۶٪ افزایش داشته است. در مقابل این افزایش سرکشیجه آور قیمت ها، دستمزدها غالباً ثابت مانده اند و یا افزایش ناچیزی داشته اند. مثلاً افزایش مزد کارگران که حداقل آن ۵۶۷۴ ریال در روز به ۶۲۵ ریال در روز افزایش یافت. حدوداً ۱۳٪ می باشد. در صورتیکه با کسر شدن قسمت های از مزد کارگران مانند سود و بیه (که قیمت قابل ملاحظه ای از مزد کارگران بود) همین ۱۳٪ هم

(۳) - کلیه آمارهای این مقاله از گزارش مرداد ماه ۱۳۵۹ اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ایران است.

جدول شماره ۱

نام محصول	درصد افزایش قیمت از مرداد ۵۸ تا مرداد ۵۹
تخم مرغ	۳۵/۵٪
لبنیات	۲۷/۲٪
نان	۱۲/۵٪
برنج	۴۹/۹٪
آرد و فرآورده های آن	۲۷/۶٪
گوشت قرمز	۶۵/۲٪
مرغ	۱۶٪
ماهی	۵۶/۳٪
روغن حیوانی	۵۷/۸٪
روغن نباتی مایع	۷/۶٪
روغن نباتی جامد	۷٪
دخانیت	۲۹۲/۳٪
پوشاک	۲۵/۲٪
معالج ساختمانی	۲۸/۶٪
اثاثیه خانه	۲۸/۴٪
حمل و نقل و ارتباطات	۳۵/۱٪



عمل اختی می شود. بنا بر این در طی یکسال دستمزدها تغییر چندانی نمی کنند ولی افزایش قیمت ها چنان است که طبق آمار دولتی قدرت خرید مردم (و در واقع درآمد آنها) به میزان ۲۲/۶٪ کم می شود. این میزان افزایش قیمت مربوط به قبل از گسترش جنگ نا عا دلانه کنونی است و حال

جدول شماره ۲

آنکه صف های طولی برای خرید مایحتاج اولیه، نایابی بسیاری از این مایحتاج و جیره بندی برخی از مواد، خود بهترین گواه افزایش فوق العاده و با زهم بیشتر قیمت ها نسبت به مرداد ماه است. یک نمونه آن سه برابر شدن قیمت بنزین است (علاوه بر جیره بندی آن) که خود موجب افزایش قیمت حمل و نقل گردیده و افزایش قیمت سایر کالاها را موجب می شود.

رژیم با کمک دستگاه های تبلیغاتی سعی دارد اینطور وانمود کند که گویا مرفا این جنگ است که قیمت ها را تا بدین حد بالا برده و گرانی می توانست آنها را مهیا کند. در صورتیکه بررسی افزایش قیمت ها بعد از قیام بهمن ماه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، بخوبی نشان می دهد که روند افزایش قیمت مربوط به جنگ نبوده و جنگ فقط آن را تشدید نموده است: باز هم آمار خود رژیم را شاهد می گیریم (هر چند که این آمار تعدیل شده و صرفاً بیابانگر گوشه ای از واقعیت هستند): به جدول شماره ۲ رجوع شود

کلاً مایحتاج عمومی توده ها در مرداد ۵۹ نسبت به سال ۵۷ (سال روی کار آمدن رژیم کنونی)، به میزان ۳۱/۵٪ افزایش قیمت داشته است و درآمد ها کماکان تغییر قابل توجهی نکرده اند.

این افزایش بی رویه، قیمت ها، از طرفی موجب فقر و فلاکت توده ها می گردد و از طرف دیگر بیانگر عجز و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی در برخورد به بحران اقتصادی است که نه تنها نتوانسته است آنرا مهیا ر کرده و یا تخفیف دهد، بلکه عملاً در مقابل آن لنگ انداخته است. چرا که بحران اقتصادی موجود که ناشی از گندیدگی سیستم سرمایه داری وابسته است، چنان عمیق و ریشه دار است که رژیم های فرتوتی چون جمهوری اسلامی را برای مقابله با آن نیست. افزایش فقر و فلاکت، ناراضی توده ها را بیشتر و موج اعتراضی آنان را گسترده تر می نماید. و سر نوشتی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان میا ورده که برای سلفش، رژیم شاه به همراه آورد.

حل بحران کنونی به نفع توده ها و فاشنق آمدن بر مشکلاتی چون گرانی، تنها آن زمان امکان پذیر می گردد که حکومت جمهوری دیکتاتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر بر فرا رود و با معه رابوی سوسیالیسم، تنها راه نجات انسان ها از فقر و ستم و استعمار را همون گردد!

مایحتاج مردم	خوراکیها و دخانیات	پوشاک	اثاثیه خانه	حمل و نقل و ارتباطات	درمان و بهداشت	تحصیل و مطالعه	کالاها و خدمات متفرقه
درصد افزایش قیمت از سال ۵۷ تا مرداد ۵۹	۴۸/۲٪	۳۷/۴٪	۳۸/۲٪	۴۶/۷٪	۱۳/۴٪	۲۵٪	۵۹/۶٪

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمپانی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

گرانی بنزین و اعتصاب رانندگان تاکسی

برگرداند. اما پس از این موافقت رژیم با هیت خود را نشان داده و ۶۴ نفر از رانندگان مبارز تاکسی را بعنوان ضد انقلاب از رادیو معرفی کرده و به آنها بنزین نمیدهد.

همدان رانندگان تاکسی این شهر هم در روز چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ در یکی از پمپ بنزین ها دست به اعتصاب زدند. نمایندگان فرمایشی و مسئولین رژیم به تگای پوفا و دهویا علم کردند مسئله جنگ سعی در تفرقه اندازی میان رانندگان داشتند، ولی با اینهمه تا روز شنبه اعتصاب ادامه پیدا نمود و در این روز با قبول دادستانی مبنی بر دادن بقیه پول تا آخر ماه اعتصاب پایان میگیرد.

مسئله مشترکی که در هر دو اعتصاب تهران و همدان رانندگان تاکسی وجود داشت وجود نمایندگان فرمایشی و سازشکاران و فقدان یک رهبری واقعی و منسجم بوده است.

زنجان روز ۲۱ آبان ماه همزمان با تهران و شهرهای دیگر رانندگان تاکسی زنجان نیز برای اعتراض به گرانی بنزین دست از کار کشیدند. از ۲۲۵ تاکسی زنجان فقط کمتر از ۲۰ تاکسی که رانندگان نشان از فالانهای حزب جمهوری اسلامی هستند کار میکردند که با اعتراض قاطع رانندگان دیگر مواج شدند. رانندگان با وعده مسئولین مبنی بر رسیدگی به خواستهها - نشان از روز بعد ضربه کار میگردند.

مشهد ساعت ۸/۳۰ صبح ۲۱ آبانماه رانندگان تاکسی و مسافرکش مشهد در اعتراض به گرانی بنزین دست از کار کشیدند و در مقابل شرکت تعاونی تاکسیرانان جمع شدند. رئیس شرکت سعی بسیار کرد تا اعتصاب آنها را بشکند، ولی رانندگان قریب توطئه ها را انحرورد و میگفتند: "آره ما نظور که با رسال ۴ ریال ما - به اتفاق پول بنزین را با ما دادند، اما سال هم ۲ تومن را خواهند داد!" و با این ترتیب عدم باور خود را به وعده های ارتجاع نشان میدادند. راننده ها می گفتند اگر دولت نمیخواهد کلک بزند بما در همان پمپ بنزین مخصوص تاکسی ها که همیشه بنزین می گرفتیم، بنزین بدهند و لیتری ۱۰ ریال بگیرند.

در این اعتصاب کلیه رانندگان تاکسی شرکت کرده بودند و با سازمان چند راننده را که مسافر سوار میکردند دستگیر کرده بودند و در نتیجه همکاران نشان برای آزادی آنها جلوی کمیته مرکزی جمع شدند.

تهران - روز چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ پس از اینکه دولت اعلام نمود که رانندگان تاکسی و تاکسی بار با بنزین رالیتری ۳۰ ریال بپردازند. در حدود ۲۵۰ نفر از رانندگان تاکسی در یکی از پمپ بنزینهای خیابان جمهوری جمع شده و دست به اعتصاب زدند. آنها سوراخ تاکسی های دیگر را که در حال حرکت بودند گرفته و آنها را هم دعوت به اعتصاب نمودند و اعلام کردند تا وقتی که بنزین لیتری ۱۰ ریال به آنها داده نشود کار نخواهند کرد. در همین حین نمایندگان سندیکا که از وابستگی به رژیم متنباشد به دادگاه انقلاب مراجع می کنند و برای به سازش کشاندن رانندگان قول دولت مبنی بر پرداخت ما به اتفاق بنزین را تکرار کرده و از آنها می خواهد به اعتصاب پایان دهند. اما نمایندگان قبول نمی نمایند، زیرا، ما هیت نمایندگان سندیکا فرمایشی برای شان روشن بود. این سندیکا یک سندیکا زرد می باشد و با اینکه رانندگان تاکسی هر ساله مبلغی بعنوان حق عضویت پرداخت میکنند، اما تاکنون نه تنها قدمی در جهت منافع رانندگان برنداشته بلکه انجمن اسلامی و اتحادیه آنان با گشاده بازی ها و ولخرجی های خود، پولی را که باید صرف بیمه رانندگان بشود، حیف و میل میکنند. رانندگان تاکسی بدلائل مختلف و از جمله شرایط ویژه صنعتی آنان، فاقد تشکیلات مستقل و منسجم میباشند و آخرین نماینده واقعی آنها بنام "علی پور" در رابطه با اعتراض به طرح ترافیک، از طرف رژیم دستگیر شده است.

در مقابل سازشکاری های نمایندگان، رانندگان سخت ایستادگی نموده و ضربه زد بنزین نبودند. آنها می گفتند: "اینها همه نقشه دولت است اگر میخواهد بقیه پول را به ما پس بدهد پس چرا حالا دارا تریا میگرد؟" این ها وعده سرخرمن است چون تا حالا ما به اتفاق ۸ ماه پیش را سپردا خسته است.

با مقاومت رانندگان روز اول اعتصاب به پایان میرسد. در روز دوم وقتی نمایندگان اتحادیه مقاومت رانندگان را می بینند از درت دیگر وارد میشوند و به رانندگان پیشنهاد میکنند که بنزین رالیتری ۳۰ ریال بزنند و آنها بقیه پول را از بودجه اتحادیه محدود ۴ تا ۳۰۰ هزار تومان میباشند، میپردازند و بعد از دولت میگیرند. اکثر رانندگان حاضر میشوند که با این شرط بنزین بزنند، اما با زهم عده ای مخالفت میکردند و میگفتند این پول هم مال خودمان است، اگر فردا این پول تمام شود به ما و ما شل بدگی و روغن نمیدهند، اما نمایندگان با گرفتن جواب مثبت از رانندگان به دادستانی رفته و با نماینده دادستان به محل اعتصاب بر میگردد و دادستان انقلاب به آنها قول میدهد که ظرف ۱۰ روز بقیه پول بنزین را به اتحادیه

جریان گرانی بنزین و عقب نشینی رژیم در ادامه مبارزه رانندگان تاکسی این واقعیت را با ردیگر بنیوت میرساند که این توده ها هستند که در مبارزه شان خواسته های خود را از حلقوم ارتجاع بیرون میکنند و رژیم ارتجاعی را که میخواست با سوء استفاده از "واقعیت جنگی" بنزین را برای رانندگان تاکسی هم گران نماید در مقابل اعتصاب سرتاسری رانندگان تاکسی وادار به عقب نشینی کردند.

کرج

روز ۸/۲۱ رانندگان تاکسی بخاطر گران شدن قیمت بنزین (لیتری ۳۰ ریال) دست از کار کشیدند و خواستار برگشتن قیمت ها به لیتری ۱۰ ریال شده اند. با آنکه رژیم قول داده است که ما به اتفاق و قیمت را پس از مدتی بپردازد، رانندگان این شرط را نپذیرفته و میگویند این وعده است چون در دوره بعد از قیام همه آنها قول داده بودند که ما به اتفاق و قیمت بنزین که ما هیا نه به ۴۰۰ ریال میرسد به آنها پرداخت گردد.

- هم چنین موتور سواران حمارک کرج هم بعنوان اعتراض به گران شدن بنزین در جلوی فرمانداری اجتماع کرده و دو نماینده را برای مذاکره پیش فرماندار میفرستند. فرماندار فریبکار پیشنها داد بنزین (به قیمت قبل) به دو نماینده را می کند و از آنها می خواهد که بقیه را دست به سر شما بدهد آنها قبول نکردند و جریان را برای بقیه افشا مینمایند.

تصحیح و پوشش

متاسفانه پیکار شماره ۸۲، اغلاط چاپی زیادی دارد ما ضمن پوشش از خوانندگان پیکار اغلاط مهم را تصحیح میکنیم.

۱ - در صفحه ۹ سطر اول مقاله تلاش رژیم برای آزادی گروگانها... سوال شوی نیستی های وقیم فدائی (اکثریت) صحیح است. اشتباه خجول چاپ شده بود.

۲ - در صفحه ۱۲ سطر اول، مقاله ایام به توده های جنگ زده... غم زده شدن والدین و فرزندان وهستی خود صحیح است. اشتباه حتی چاپ شده بود.

۳ - ادامه مقاله جنگ و رادیوهای ضد انقلابی در صفحه ۱۸، ستون سوم، سطر ششم است. اشتباه عنوان آن در اول ستون دوم زده شده است.

۴ - ادامه ملاحظات (ما شاء الله تعالی) در صفحه ۱۸ اول ستون دوم است. عنوان آن اشتباه زده شده است. (البته متاسفانه ادامه ملاحظات در صفحه ۱۴ نیز تکرار شده است.)

۵ - در صفحه ۲۱ ستون دوم، سطر دوم از آخر (با ورق) مقاله ندیدن سوال امیرالیم... با دیدی امیربستی صحیح است. اشتباه امیریا لیستی چاپ شده بود.

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

رزمندگان و راهکارگر: از حرف تا عمل سوسیال شونیستهای خجول در حرف رژیم را ارتجاعی می نامند ولی در عمل خلاف آنرا تبلیغ می کنند

یکدیگر در تضاد قرار میگیرند، چرا که آنان نیز از رویزیونیسم منشا میگیرند و رویزیونیسم چیزی جز بورژوازی در پوشش مارکسیسم نیست. یکی از وظایف ما کمونیستها آشکار کردن شعارهای دروغین اپورتونیستها و نشان دادن دورویی شعارو عمل آنان به توده ها است. لنین در مورد عدم اعتماد به شعارهای اپورتونیستها هشدار میدهد:

یکی آنکه بورژوازی را انقلابی نامید و از مبارزه توده ها بر علیه آن جلوگیری کرد و دیگر آنکه نام بورژوازی را ارتجاع گذاشت، منتها آنقدر صفات نیک و متمدنی برای آن تراشید و آنقدر آن را رنگ آمیزی کرد که مبارزه برای سرنگونی آن هم دستی با امپریالیسم تلفی شود! طبیعی است بورژوازی در صفوف طبقه کارگر بهر دو شکل فوق عمل میکند. احزاب غاش توده و رنجبران و رویزیونیستهای مرتد فدائی (اکثریت) وظیفه اولی را بر عهده دارند و راهکارگر و رزمندگان در قالب دومی به ارتجاع ایران خدمت میکنند. با این وصف که هنوز رزمندگان و راهکارگر از التقاط نظریات انقلابی و ضد انقلابی، رویزیونیسم - نیستی و مارکسیستی کاملاً بدربنا شده و دچار تناقض هستند.

اگر رزمندگان و راهکارگر از تقاطع خود را بسود شناخت واقعی ما هیت ارتجاع بشکنند،

"برای اینکه بتوان به ما هیت مبارزه حزبی پی برد، نباید گفتار را و رد داشت بلکه باید تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود، این بررسی نباید آنقدرها پیرامون آنجیزی باشد که خود احزاب در باره خود میگویند، بلکه باید در اطراف آنجیزی باشد که این احزاب بدان عمل می نمایند و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل میکنند و در امور یکپسای منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی، ملاکین سرمایه داران، دهقانان، کارگران و غیره بمان می آید. چگونه رفتاری نمایند." (لنین، احزاب سیاسی در روسیه، تاکید از خود لنین است.)

آنچه لنین میگوید یک معیار اساسی است. باید به اعمال سازمانهای سیاسی توجه داشت، نه به آنچه که ادعا میکنند. بورژوازی نیز بسیاری سخنان فریبنده دارد، رویزیونیستها هم از انقلاب و سوسیالیسم میزنند و... ولی آنچه که کمونیستها را از نمایندگان سیاسی طبقات غیر پرولتری متمایز میسازد، اینست که تنها در حرف خواهان رها شدن زحمتکشان نیستند، بلکه به آنچه که میگویند، تاپای جان وفادارند. بورژوازی در هر لباسی که باشد (واژه جملیه در هیت رویزیونیستها) با سخنان ظاهری فریبت میخواهد توده ها را بفریبید، بسوی خویش جذب کند و آنها را به بند بکشد و غارت و استثمار و سرکوب نماید. سخنان نشان به آرایش فاشیه پیری میماند که برای پوشیدن ماهیت زشتش، خود را آراسته است. آزادی، استقلال، رفاه و زحمتکشان، سوسیالیسم و... دکانهای برای فریفتن توده ها است. یکی از مهمترین مفاصل تبلیغ و ترویج ما کمونیستها نیز همین خواهد بود که دروغ بودن مواعد بورژوازی را برای توده ها آشکار کنیم و توده ها را از تفرقه اندازان مجز کنیم که در پس همه حرفها، منافع طبقاتی جریانی سیاسی را بشناسند و به آشنائی میزان وفاداری آنها را به اعمالشان، درک کنند. ما باید توده ها را از تفرقه اندازی و آموزش دهیم که به شعارهای بورژوازی (در هر لباسی) اعتنا نکنند و تابعیت طبقات دیگر را از اعمالشان و نه از حرفهایشان دریابند طبقا حرف و عمل اپورتونیستها نیز بسا

● اما پس از قیام دیگر بهیچوجه سخنی هم از مبارزه طبقه امپریالیسم نمی توان بمان آورد. چرا که خرده بورژوازی مرفه سنتی و جناحهای متفاوت بورژوازی متوسط که قدرت را به کف گرفته، به نگهبانان سیستم سرمایه داری وابسته بدل شده اند، دیگر بهیچوجه سخنی از مبارزه با ارتش، سیستم بوروکراسی وابسته (دولت) و سرمایه داری وابسته نبود. اکنون حاکمان در قدرت خود کمره حفظ و حراست آن بسته بودند و بدین ترتیب سخنی هم از استقلال نمی توانست در میان باشد.

میتوانند در صفوف مارکسیسم هم چنان جای داشته باشند، در غیر این صورت در منجلیسی که پیش از این اکثریت فدائیان در غلبه داشتند، خواهان فساد ما اینک تناقض رزمندگان و راهکارگر را در برخوردشان به قدرت سیاسی آشکار می کنیم.

ارتجاع حاکم "مستقل و ضد امپریالیست" است

رزمندگان معتقد است رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است مستقل: "رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختلافات درونی آن سیاستی مستقل از امپریالیسم - البته بیرون از محدوده اقتصاد دواستل تولیدی و جنگی - (فعلا با ترویج رویزیونیستی جدائی سیاست از اقتصاد کارگری نداریم - بیکار چه در داخل و چه در خارج از کشور دنبال می نمود، و در مجموع از نظر سیاسی حکومتی غیر وابسته و مستقل از امپریالیسم را اداره میکرد، که چنین حکومتی با سیاست "نه شرقی، نه غربی" آن برای امپریالیسم و ارتجاع منطقه تحمل ناپذیر بود. و با "این حکومت غیر وابسته که در نتیجه... وضعیت مستقل و غیر وابسته آن برای امپریالیسم تحمل ناپذیر و مطلوب بود" و از همه مهمترین رزمندگان معتقد است: "رژیم جمهوری اسلامی گرچه بدفاع از استقلال سیاسی ایران پرداخته... و نیز

"کاوشی از سیاست خرده بورژوازی ما به نفع فیلسترمنا نه نمونه واری پیروی مینماید و خیال میکند (و این خیال بوج را به توده ها تلقین مینماید)، که گویا با شعار دادن موضوع تغییر میکند، تمام تاریخ دموکراسی بورژوازی این توهم را فاش میسازد: دموکراسیهای بورژوازی برای فریب خلق همواره هرگونه "شماره" را که خواسته باشند، داده اند و همواره هم خواهند داد. ولی مطلب در اینست که ما دفا نه بودن آنان را تحقیق کرد گفتار را کردار ما قبله شود و به عیبسار ت پردازی ایده آلیستی با شایسته تناقضات نکرده، بلکه واقعیت طبقاتی مورد تفرقه قرار گیرد." (لنین، انقلاب پرولتری و

کاوشی مرتد، تاکید از خود لنین است.) ما با همین ملاک مارکسیستی که لنین معین میکند، میخواهیم گفتار رزمندگان و راهکارگر را با کردارشان بر سراسری ترین مسئله مارکسیستی یعنی قدرت سیاسی مورد تحقیق قرار دهیم و ثابت کنیم چگونه رهبری لنین سازمانها، خاک به چشم هواداران نشان میباشند و تحلیلها نشان را که در خدمت بورژوازی است با شعارهای دروغینشان می پوشانند.

رزمندگان و راهکارگر بزرگ پرچمی دروغین

بدوشیوه میتوان به بورژوازی خدمت کرد.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

پهلوی) ما نند سابق کارگزاران امپریالیسم آمریکا نبود. اما این سرمایه داری بعنصوان عملکرد سرمایه جهانی امپریالیستی در کشورهای تحت سلطه وابسته به امپریالیسم جهانی تلقی میشود. استقلال از امپریالیسم تنها به معنای مبارزه با ارتجاع داخلی میتواند باشد. در حالی که سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی تابع ارتجاع داخلی یعنی بنا بر مقتضیات سرمایه - داری وابسته انجام میگردد، دولت یک ارگان طبقه ای است و سیاستهای این دولت و بخصوص اینکه این دولت چه طبقه ای را بخاطر کسب نام طبقات سرکوب میکند، ارتباط لاینفکی با این مسئله دارد که این دولت ارگان است یا رگد م

به مبارزه علیه امپریالیسم بزند و حتمی در مقطعی تا حدودی دارای استقلال سیاسی (البته ناقص و ناپیگیر) نباشد. اما چگونه؟

مبارزات خلق الجزایر تا بیرون راندن امپریالیسم فرانسه در ۱۹۶۲ تحت رهبری خرده - بورژوازی انجام گرفت و الجزایر در سالهای اول انقلاب تا حدودی استقلال نیز داشت اگرچه هم اکنون بورژوازی بوروکرات وابسته به سیستم امپریالیسم جهانی بر الجزایر حکومت میکند) اما چه تفاوتی میان الجزایر آن زمان و رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد؟ مبارزه خلق الجزایر ضد امپریالیستی بود. نه بخاطر دشنام دادن به امپریالیسم و یا قطع روابط دیپلماتیک با

"مبارزه در راه استقلال سیاسی و جلوگیری از بازگشت سلطه سیاسی امپریالیسم، نقش موثری در پیشبرد روند مبارزه طبقه ای ایران داشته و با مبارزه جهانی در جهت نابودی امپریالیسم همسو است" و از آنجا که بدون خدا، امپریالیسم بودن نمی توان از امپریالیسم استقلال داشته رزمندگان با ارتجاع حاکم دعا میکنند که گویا خرده بورژوازی حاکم با سیاستهای راه امپریالیسم بوده است. "ولی سیاستهای خاص خرده بورژوازی از قبیل "اشغال سفارت"، "برخورد به گروگانها"، "املاحات ارضی" و ... در داخل و سیاست پان اسلامیت و حمایت از جنبشهای اسلامی ضد رژیمهای ارتجاعی غرب و مخالفت با حکومتهای سرسپرده و مزدور امپریالیسم در خارج از ایران، سبب شده است تا مبنای منافع سرمایه انحصاری و امپریالیسم بود و دقیقاً همین سیاستهای خرده بورژوازی ... در جهت تدبیر با منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه عمل کرده است." (نقل قولهای فوق از ضمیمه رزمندگان ۳۵، درباره جنگ ۲۰۰۰، آورده شده است. ضمناً همه تا کیدات از ما است) راه کارگر نیز در همین زمینه می گوید:

"حکومت اسلامی یک حکومت وابسته به امپریالیسم بود و نشانده آن نیست، بلکه حکومتی است مستقل. جنگ عراق با حکومت اسلامی بیش از آنکه با حکومت اسلامی باشد، با خلق ما است. زیرا اگر در نتیجه این جنگ و از طریق این جنگ حکومت اسلامی سرنگون شود، ایران استقلال سیاسی خود را از دست خواهد داد" (راه کارگر ۴۳، برای دفاع از میهن، تاکیدات از ما است.)

گرایش نیرومند و تشدید یافته رویزیونیستی رزمندگان و راه کارگر در کجاء آشکارا میشود و التماس و دورویی شعار و عمل آنان در کجاست؟ ما در پیکار رتوریک شمارها، در مورد تئوریزاسیون و رویزیونیستی - رویزیونیستی خرده بورژوازی فدخلی - خدا امپریالیست سخن گفته ایم و اکنون بی آنکه دوباره به این بحث بپردازیم مختصراً میگوئیم که استقلال از دیدگاه کمونیستها دارای چه مفهومی است و رویزیونیستها چگونه استقلالی را تبلیغ میکنند.

مبارزه با امپریالیسم و استقلال از مبارزه با لیسم، امری بوج و بی معنات برخلاف ترهات رویزیونیستی، امپریالیسم در آسمان نیست و با دشنام دادن نیز نمیتوان خدا امپریالیست بود امپریالیسم همواره از طریق ارتجاع داخلی مستقر میشود و بدون مبارزه با ارتجاع داخلی سخنی هم از استقلال و یا مبارزه علیه امپریالیسم نمی توان در درمیان باشد. مبارزه علیه امپریالیسم جزئی از انقلاب پرولتاریا است و جنبه جهانی سوسیالیسم است و اگرچه استقلال واقعی از امپریالیسم تنها و تنها تحت رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است، اما بدان معنا نیست که خرده بورژوازی نیز نمی تواند دست

● اپورتونیستهای چون راه کارگر رزمندگان که نمی توانند واقعیت مسلم سرکوبی رژیم جمهوری اسلامی را نفی کنند. این نکته مهم را از قلم می اندازند که این سرکوب سود کدام طبقات انجام میگردد. آیا سیاست سرکوب انقلاب سیاست امپریالیسم جهانی نیست. آیا درست در زمانی که اساسی ترین سیاست رژیم جمهوری اسلامی بر اساسی ترین سیاست امپریالیسم جهانی منطبق است میتوان سخنی هم از استقلال گفت. آیا زمانیکه بازسازی نهادها و ارگانهای وابسته به امپریالیسم چون سرمایه داری وابسته به ارتش و دولت با تمام قوا از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد، میتوان رژیم جمهوری اسلامی را مستقل نامید؟

طبقات متمشک بسودگدام طبقات استعمارگر است. اپورتونیستهای چون راه کارگر - رزمندگان که نمی توانند واقعیت مسلم سرکوب - گری رژیم جمهوری اسلامی را نفی کنند، این نکته مهم را از قلم می اندازند که این سرکوب سود کدام طبقات انجام میگردد. آیا سیاست سرکوب انقلاب، سیاست امپریالیسم جهانی نیست. آیا درست در زمانی که اساسی ترین سیاست رژیم جمهوری اسلامی بر اساسی ترین سیاست امپریالیسم جهانی منطبق است میتوان سخنی هم از استقلال گفت. آیا زمانیکه بازسازی نهادها و ارگانهای وابسته به امپریالیسم چون سرمایه داری وابسته به ارتش و دولت با تمام قوا از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد، میتوان رژیم جمهوری اسلامی را مستقل نامید؟ اساسی ترین سیاستهای جمهوری اسلامی منطبق بر خواستها، نیازها و اهداف امپریالیسم جهانی است و بدین ترتیب سیاستهای جمهوری اسلامی نیز وابسته به امپریالیسم جهانی است. رژیم شاه با وابسته به یک امپریالیسم بود و یک سفارتخانه سیاستهایش را به او دیکته میکرد، به همین خاطر ما اورا یک زنجیری امپریالیسم می نامیم. اکنون هنوز هیچ سفارتخانه ای سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی، یعنی عراق و سوریه و ... را به آنها دیکته نمی کند. اما سیاستهای این دول، از سوی ارتجاع داخلی دیکته میشود، این سیاستها در جهت حفظ و ترسیم و استحکام سرمایه داری وابسته است و از این جهت سیاسی وابسته به امپریالیسم تلقی میشود. جهان به دو اردوگاه متخاصم امپریالیسم و سوسیالیسم (پرولتاریا ی کشورهای امپریالیستی، بقیه در صفحه ۲۰)

امپریالیسم (که رژیم بعث، عیدی امین و بسیاری دیگر از مرتجعین سالها به قطع موری روابط خود با امپریالیسم پرداخته بودند). بلکه بخاطر مبارزه با پایه های امپریالیسم در الجزایر - بجز مبارزه مستقیم با ارتش اشغالگر امپریالیسم فرانسه، کشور نوین الجزایر، پایه های امپریالیسم، یعنی فئودالیسم را مورد حمله قرار میداد و بدین ترتیب سیاست این کشور نوین با سیاست امپریالیسم فرانسه در تضاد قرار میگرفت. در ایران پیش از سقوط شاه خاش، خرده بورژوازی مرفه سنتی هرچند ناقص و ناپیگیر، رژیم وابسته شاه خاش را هدف قرار میداد. فرمان اعتصاب عمومی او بر خسی نهادها و ارگانهای ارتجاعی را فله میکرد و هر چند قریباً ارتش برادر ما است و ... ارتجاع داخلی بطور کامل مورد هجوم قرار نمیگرفت. اما بهر صورت در مجموع مبارزه ناپیگیر محدود و ناقص ضد امپریالیستی از سوی رهبری خرده - بورژوازی مرفه انجام میگرفت. "اما پس از قیام دیگر بهیچوجه سخنی هم از مبارزه علیه امپریالیسم نمیتوان بهمان آورد. چرا که خرده بورژوازی مرفه سنتی و جناحهای متفاوت بورژوازی متوسط که قدرت را یکفک گرفتند، به نگاهبانان سیستم سرمایه داری وابسته تبدیل شدند. دیگر بهیچوجه سخنی از مبارزه با ارتش، سیستم بوروکراتی وابسته (دولت) و سرمایه داری وابسته نبود. اکنون حاکمان در قدرت خود کمربند حفظ و حراست آن بسته بودند و بدین ترتیب سخن هم از استقلال نمی توانست در میان باشد. رژیم ایران که در زمان شاه خاش بطور کامل تحت سلطه امپریالیسم فاشه آمریکا قرار داشت اینک با ضربه دیدن کارگزارانش (سلطنت

بمناسبت سی و هفتمین سال انقلاب آلبانی

آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم (۲)

ما در شماره گذشته درباره انقلاب آلبانی و دستاوردهای سوسیالیسم در این کشور توضیح دادیم و مطرح نمودیم که چگونه کشوری کوچک اما تحت هدایت ما رکیسم لنینیسم و حزب پرولتاریا علیه رژیم محاصره همه جانبه امپریالیست و سوسیال امپریالیسم میتواند در راه ساختن سوسیالیسم پیروز شده و به پیش رود. در اینجا می گوئیم تا بخش دیگری از دستاوردهای حزب کار آلبانی را توضیح دهیم.

مبارزه علیه نیتوئیسم

همانطور که میدانیم ما رکیسم لنینیسم در مبارزه پیگیر علیه اپورتونیسم و رویونیسم رشد یافته و انسجام پیدا کرد. بدون مبارزه ضد رویونیسمی، پرولتاریای جهانی هرگز نمیتوانست مبارزه برای کسب قدرت سیاسی را به پیش ببرد و به ساختن سوسیالیسم بپردازد. دلبشویسم هرگز نمی توانست در روسیه بقدرت برسد، اگرچنانچه مبارزه سترگ لنین علیه اپورتونیسم انترناسیونال دوم صورت نگرفته بود. مبارزه علیه اپورتونیسم و رویونیسم وظیفه تخطی ناپذیری بود که انجام آن مشخصه اساسی هر حزب کمونیست بشمار می آمد. حزب کار آلبانی جزو پیشروانانی بود که پرچم مبارزه علیه رویونیسم مدرن را در اهتزاز نگاه داشت.

پس از پیروزی یوگسلاوی در مبارزه علیه اشغالگران فاشیست و به قدرت رسیدن آنها، ما نیتوئیسم به سرعت به خیانت و ارتداد در غلتید و در نزدیکی همکاری با امپریالیستهای غرب به حمله علیه شوروی سوسیالیستی و رفیق استالین دست زد. حزب کار آلبانی در مقابل سوسیالیسم رویونیستهای خیانتکار یوگسلاوی به مبارزه قاطعی اقدام نمود، بنحوی که خروشچف مرتد در آوریل ۱۹۵۷ خطاب به رفقا انور خوجه و محمد شیخو گفت: شما در قبال رویونیستهای یوگسلاوی "روش غیر عینی" اتخاذ کرده و "به بزرگ کردن نقاط اختلاف با آنها" برآمده اید و خواهان آن شدتان "بناحق به آنها حمله نشود".

مبارزه علیه خروشچفنیسم

اما حزب کار آلبانی با آنکه به ما رکیسم لنینیسم تنها به مبارزه علیه نیتوئیسم ادا می داد، بلکه مبارزه ضد رویونیسمی خود را علیه خروشچفنیسم گسترش بخشید. رویونیستهای خروشچفی با پرچم دروغین و ننگین "تکامل خلاق" ما رکیسم لنینیسم، "مبارزه علیه دگما تیسم"، "مبارزه علیه کیش شخصیت استالین" و...

تعرض علیه دیکتاتوری پرولتاریا و ما رکیسم لنینیسم پرداختند. رویونیسم خروشچفی جزو حاکمیت طبقاتی بورژوازی شوین در شوروی چیز دیگری نبود و به همین لحاظ مبارزه ای گسترده جهت افشای چهره کربان امپریوری و حیاسی بود. حزب کار آلبانی در کنار حزب کمونیست چین پرچمداران این مبارزه انقلابی بودند. ابتدا رویونیستهای شوروی میگوشتند تا با نرمش حزب کار آلبانی را به راه خود بکشانند. آنان باز پرداخت ۴۲۲ میلیون روبل قدیم که شوروی برادران ما ۱۹۵۵ به آلبانی داده بود مورد "بخشش" قرار دادند. اما هدف آنان "رام کردن" کمونیستهای آلبانی بود. لیکن کمونیستهای آلبانی که به ما رکیسم لنینیسم وفادار بودند مبارزه خود را ادامه دادند. خروشچف در آوریل ۱۹۵۷ خطاب به هیئت نمایندگان آلبانی در مسکو گفت:

"شما آلبانی ها طبیعتاً تندوختن و سکتاریست هستید، ما نمیتوانیم شما به توافق برسیم، بحث را متوقف کنیم." "پرواض است برای رویونیستهای که سازش با امپریالیسم را در دستور قرار داده بودند، با یاری برآرمان کمونیسم عملی "خن و سکتاریستی" بود، اما کمونیستهای آلبانی از این اتهامات نهرا سیدند و به افشاکاری رویونیسم همچنان ادامه دادند، زیرا بد رستی معتقد بودند که "دفاع از با کیزگی ما رکیسم لنینیسم مبارزه بر علیه رویونیسم و تقویت هشاری در زمزه و غاشف اساسی حزب کار آلبانی است".

روییونیستهای شوروی و یوگسلاوی به تعرض پرداختند. آنها از یک سو سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا را به پیش برده و مطرح کردند که یکسری از سردمداران ورثین جمهور آمریکا "انسانهای معقولی هستند" و "ممیانه خواهند ملح و همکاری با اتحاد شوروی اند" و از سوی دیگر آنها حمله علیه حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی را گسترش بخشیدند. در کنگره حزب کارگری رومانی در بوخارست در ژوئن ۱۹۶۰، هیاتهای نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری شرکت نمودند. خروشچف کوشید تا حزب کمونیست چین را به مثابه نیروی اصلی جبهه کمونیستهای پیگیر از اردوگاه احزاب کمونیستی اخراج نماید. او میدانست که پیشرفت خط ضد انقلابی اش و حاکم کردن مشی کنگره بیستم احزاب دیگر در گرو انفراد و طرفدار کمونیستهای پیگیر و از حمله حزب کمونیست چین است. به این

لحاظ حزب کار آلبانی بطور قاطع به دفاع از حزب کمونیست چین پرداخته و به افشای توطئه های خروشچفی دست یازید. خروشچفی ها از سال ۱۹۶۰ به بعد فشارهای همه جانبه خود را علیه آلبانی سوسیالیستی گسترش بخشیدند. آنها ارسال کالا، تجهیزات صنعتی و نظامی به آلبانی را متوقف ساخته و از دادن گندم خودداری کردند تا ما رکیسم لنینیسم را خفه سازند. اما کمونیستهای آلبانی می کوشیدند تا هر چه بیشتر رویونیستها را افشا کرده و احزاب کمونیستی را به مرزبندی علیه خروشچفنیسم بکشانند. در نوامبر ۱۹۶۰ کنفرانس ۸۱ حزب کمونیستی و کارگری در مسکو تشکیل شد. در این کنفرانس هیات نمایندگی آلبانی به رهبری رفیق انور خوجه به ردهای رویونیستی خروشچف پرداخته و مطرح نمود که "روییونیستهای معارضان اشغالگران جنبش کمونیستی و اردوگاه سوسیالیستی، جاکشان وفادار امپریالیسم و دشمنان سر سخت سوسیالیسم و طبقه کارگر چیز دیگری نیستند".

دستاوردهای نوین

بدین ترتیب در عرصه جنبش بین المللی کمونیستی و خط مشی متفادیک خط مشی رویونیستی و دیگری خط مشی کمونیستی پیدا رگشت. مبارزه کمونیستها و از جمله حزب کار آلبانی نقش ارزنده ای در روشن شدن ماهیت خط مشی رویونیستی ایفا نمود، این مبارزه ما رکیسم لنینیسم را زنده نگاه داشت و داغ ننگی بریشانی رویونیستهای خروشچفی کوید. هنگامی که رویونیسم خروشچفی در شوروی به حاکمیت رسید، بورژوازی و ارتعاج بین المللی پایان سوسیالیسم و پایان جنبش کمونیستی را اعلام کردند، اما ما رکیسم لنینیسم و احزاب کمونیستی از جمله حزب کار آلبانی در برابر دشمنانک ترین توفان فدا انقلابی بورژوازی جهانی و رویونیسم ایستادگی کردند. رویونیسم خروشچفی - برژنفی غربی مهلکی بر پیگیر جنبش جهانی کمونیستی وارد آورد، به نحوی که یک سلسله از کشورهای سوسیالیستی به اردوگاه سرما به پیوسته، یک سلسله از احزاب و سازمانها به مراد رویونیسم و اپورتونیسم در غلتیده و انحلال طلبان پرچم سفید تسلیم را بلند کردند، اما همچنان که لنین پس از انشعاب انترناسیونال دوم، جنبش جهانی پرولتاریا را به پیش راند، پس از خیانت رویونیستهای خروشچفی، کمونیستهای کثیر و از جمله حزب کار آلبانی پرچم پرچم کمونیسم را در اهتزاز نگاه داشتند و پرولتاریا و خلقهای جهان را به گسرد خود متحد ساختند.

در تداوم این مبارزه بود که کمونیستهای آلبانی به همراه حزب کمونیست چین علیه سوسیالیسم امپریالیسم شوروی مبارزه درخشان را به پیش بردند. اگرچه این مبارزه از عمق همه جانبه ای برخوردار نبود، اما جهره مبارکی

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

نمی‌شوند، چرا که حقیقت را تبلیغ می‌کنند و حقیقت همیشه یکی است. اما رویزیونیست‌ها حقیقت را تبلیغ نمی‌کنند و چنین است که هر روز بیک رنگ و لباس درمی‌آیند. رویزیونیست‌ها به سوسیالیسم، به انقلاب و به منافع توده‌ها خیانت می‌کنند و منافع بورژوازی و ضدیت با انقلاب را مدنظر دارند. آن‌ها نیروهای کدورت‌لیفات، دست‌به‌دروغ‌گویی، عوام‌فریبی، مصلحت‌جویی و... می‌زنند و با عدم بیان حقایق به منافع توده‌ها پشت می‌کنند، آن‌ها بخاطر موقعیت‌های تاکتیکی، استراتژی را گدال می‌کنند. رویزیونیست‌ها همواره به بهانه‌های شرايط مشخص انعطاف تاکتیکی و... از بیان حقایق اجتناب می‌ورزند.

آنا رشیست‌ها خود را سینه‌چاک این اصل قلمداد می‌کنند و در نظر گرفتن روحیات و نیازهای توده‌ها و جدا کردن خویشتن از توده‌ها را بخاطر پایبندی به اصول و منافع در از دست توده‌ها توجیه می‌کنند، آن‌ها نیز نمی‌توانند حقیقت را تبلیغ کنند، آن‌ها آنچنان خشک مغزند که در نمی‌یابند بیان حقایق، خود منطبق بر قانع‌نمندی - های خاص است و میان اصل اخیر (بیان حقایق) و اصل پیشین (توجه به روحیات و نیازهای توده‌ها و در آن می‌خنند با توده‌ها) را باطل می‌داند. لکتیکی وجود دارد، درست است که این اصل برترین پرنسیپ است، اما با توجه به اصل دیگر، کیفیات و چگونگی خاصی می‌یابد. **باید حقیقت را گفت**، اما چگونه، کجا و چه موقع و به چه کسانی. آن رشیست‌ها انعطاف را در بیان حقایق نمی‌پذیرند و رویزیونیست‌ها اساساً با بیان حقایق دشمنند.

آن رشیست‌ها که خود را عاشق بیان حقایق جا می‌زنند، نمی‌دانند نمی‌توانند، بدرستی آن را بیان کنند. آن‌ها در بیان حقایق یک چیز را از قلم می‌اندازند و آن شرايط مشخص است و بدین ترتیب بیان حقایق از سر - نا رشیست‌ها با بصورت مضحکه درمی‌آید و با بصورت تراجدی، بدین ترتیب آن‌ها نمی‌گویند، دیگر حقیقت نیست! چرا که حقیقت در ارتباط با شرايط مشخص معنا پیدا می‌کند، حقیقت خشک و جامد نیست، آن‌ها می‌گویند در تبلیغ حقیقت، فرمول‌های خشکی ابداع کنند که از واقعیت جدا افتاده دارد. مثلاً حقیقت سرگونی ارتجاع در مناسب‌ترین شرايط نیز به لحاظ الحیل از سوی رویزیونیست - ها تبلیغ نمی‌گردد و در عوض آن رشیست‌ها در هر شرايط بدون توجه به انطباق این شعار با شرايط مشخص، آن را تکرار می‌کنند و با تبلیغ این شعار در شرايط نامناسب آن را به ضد خود بدل می‌کنند. در حقیقت هر دو به تبلیغ حقیقت دست نمی‌زنند، یکی آن را می‌پوشاند و دیگری آن را منطبق با شرايط مشخص در نظر نمی‌گیرد و هر دو به منافع تاریخی توده‌ها پشت می‌کنند.



لیستی ارائه دهند و خط فاصل روشنی میان مشی کمونیستی و مارکسیست لنینیست‌ها و مشی رویزیونیستی و رویزیونیست‌ها درجین نکنند. برخورد: انحرافی رفقای آلبانی به رویدادهای چین نه تنها کمونیست‌های جهان را به یکدیگر نزدیک ننمود، بلکه موجب پراکندگی بیشتر آنان نیز شد.

رفقای آلبانی اگر چه بدرستی با مقوله - های رویزیونیستی مانند "دنیای سوم"، "کشور - های غیر متعهد" و "در حال رشد" مرزبندی نمودند، اما خود در برخورد به برخی از کشورهای تحت سلطه به انحراف راستروانه گرفتار شدند. حمایت گزینی آلبانی از رژیم رتاجی ایران و "فدا مپریالیست" دانستن جمهوری اسلامی و هیات حاکمه ایران بیان مشخص این انحراف راستروانه و غیر پرولتری می‌باشد. روشن است که ما مخالف مناسبات دیپلماتیک بین یک کشور سوسیالیستی با دیگر کشورهای جهان نیستیم و از این زاویه نیست که آلبانی را مورد انتقاد قرار می‌دهیم. انتقاد به حزب کار آلبانی در آنجا - ست که ما هیت طبقه‌ای رژیم ایران را تحریف نموده، آن را "فدا مپریالیستی" و "انمودا خسته" و بدین ترتیب پشتیبانی از مبارزه انقلابی خلق‌های ایران علیه رژیم حاکم را مورد تفتی قرار داده است.

انتقاد دیگری رفقای آلبانی به مناسباتی بر می‌گردد که حزب کار را برخی از جریانی‌های اپورتونیستی برقرار نموده است. ما در عین حال که از حمایت حزب کار از یکسری احزاب و سازمان - های کمونیستی در عرصه بین‌المللی پشتیبانی می‌نماییم، اما حمایت حزب کار از برخی گروه‌ها و جریانات را با اپورتونیستی را عمیقاً - انحرافی ارزیابی می‌نماییم. آن‌ترنا سیونا - لیسم پرولتری یعنی پشتیبانی همه جانبه تبلیغاتی، سیاسی و مادی از احزاب کمونیستی جهان، اما زمانی که این پشتیبانی بقای اپورتونیسم را تضمین نماید، جزیره به رمان پرولتاریا چیز دیگری نمی‌باشد.

مبارزه علیه این انحرافات و وظیفه تمام کمونیست‌های جهان و از جمله کمونیست‌های آلبانی می‌باشد، زیرا اگر این انحرافات و ریشه‌های ایدئولوژیک آن مبارزه رفیقانه‌ای صورت نگیرد، انحراف تعمیق یافته و درمان بیماری را مشکل خواهد ساخت. اما در برابر کمونیست‌های جهان فقط مبارزه علیه انحرافات حزب کار قرار ندارد، مهم‌تر از آن وظیفه آن‌ترنا سیونا - لیستی همه مارکسیست - لنینیست‌های جهان است که به حمایت از آلبانی سوسیالیستی و حزب کار پیگیرانه ادامه دهند. امروز آلبانی با نگاه انقلاب سوسیالیسم است، آلبانی میهن - پرولتاریای جهان است و دستاوردهای درخشان آن، دستاوردهای جنبش بین‌المللی کمونیستی است، به این لحاظ پشتیبانی از آلبانی - سوسیالیستی وظیفه تخطی‌ناپذیر کمونیست‌های سراسر جهان است.

از دشمنان انقلاب و آزادی را به خلق‌های جهان نشان داد. بر اساس چنین مبارزه‌ای بود که تزارکسیستی سوسیالیسم پریالیسم شوروی تدوین گشته و مارکسیسم لنینیسم از عمق بیشتری برخوردار گردید. مرزبندی علیه رویزیونیسم خروشی و سوسیالیسم پریالیسم شوروی به مثابه معیارهای اساسی جنبش کمونیستی بین‌المللی از جمله دستاوردهای بود که حزب کار آلبانی سهم بسزایی در آن داشت.

مبارزه علیه رویزیونیسم سه جهانی

مبارزه پرولتاریا در راه استقرار سوسیالیسم و کمونیسم امر ساده‌ای نیست. پیشرفت این مبارزه سترگ مستلزم پیگیری سخت و عزمی پولادین است. بر اساس قانون مبارزه طبقه‌ای شکست و پیروزی جزوقاً موسس این مبارزه تاریخی است. اگر چه به حکم تریالیسم تاریخی استقرار را محتمل می‌دانیم کمونیستی امری حتمی بشمار می‌آید، لیکن در راه پیروزی نهایی دشواریها و مشقات بسیار و بسیار است. بورژوازی با دیدرگوشودخواهد شد، اما او با تمام قوا به جان کندن خود ادامه خواهد داد و به طور همه جانبه می‌کوشد تا از پیرون و درون جنبش کمونیستی به آلمان پرولتاریا ضربه بزند. در دوران اخیر پس از ضربه‌های خروشی و رویزیونیسم به جنبش‌های ریشه‌دیگری بود که بر یک جنبش وارد آمد و رویزیونیست‌های خاشاک چینی به سردمداری تنگ سیا شوپینگ و هوا کو فنگ در حزب و دولت چین قدرت را تصرف کرده و در عرصه بین‌المللی بر اساس تزارجایی "سه جهان" سیاستی را پارتی‌ها را در پیش گرفتند. می‌بایست به مقابله فعال پرداخت. حزب کار آلبانی جزو پیشروان و لاتی بود که علیه رویزیونیسم به جهان و تزارو رویزیونیستی "سه - جهان" فعالانه به مبارزه پرداخت. اگر مبارزه علیه این ترفدا انقلابی جزو دستاوردهای حزب کار آلبانی می‌باشد، اما حزب کار به سبب انحرافات خود، نتوانست مبارزه علیه رویزیونیسم چینی را به پرچم وحدت کمونیست‌های جهان تبدیل نماید.

انحرافات حزب کار آلبانی

رفقای آلبانی اگر چه به مرزبندی فطری علیه رویزیونیسم خاشاک چینی و تزار "سه جهان" دست زدند، اما متأسفانه نتوانستند تحلیلی درست از رویدادهای طبقه‌ای در چین ارائه دهند. انحراف راستروانه حزب کار آلبانی منجر به آن شد تا حاکمیت سوسیالیسم و دستاوردهای سوسیالیستی چین را در زمان رفیق ما شونفسی کرده و مرز میان خاشاک چینی و سوسیالیسم را هوار - تنگ و کمونیست‌های ما را در فتنه‌های مخدوش نمایند. رفقای آلبانی به دلیل انحراف خود نتوانستند از رفیق ما شوو حزب کمونیست و دستاوردها و انحرافات آن‌ها تحلیل‌های تاریخی

کارگران تولید ارواژ پرداخت پول برای جنگ ارتجاعی کنونی خودداری کردند!

چندی پیش در کارخانه تولید ارواژ اعلامی به تا بلوا علانات زده می‌شود که در آن از کارگران می‌خواهند، هر کس حاضر است، تا آخر سال ۵۹ هر ماه یک روز از حقوق خود را به "جنگ زدگان" بدهد اسم خود را بنویسد. این کار مورد مخالفت اکثر کارگران قرار می‌گیرد و حاضرین انجام این کار نمی‌شوند. کارگران همگی می‌گفتند که "هزینه و خرج این جنگ را ما باید بدهیم"، "حتی که به نفع سرمایه‌داران است"، "در ضمن قتل یک روز از حقوق را کم کرده‌اند، بدون اینکه ما بدانیم". آن را به چه مصرفی رسانده‌اند.

قطع ناهار در کارخانه‌ها، تحمیل فشار جنگ بردوش کارگران

چندی پیش در کارخانه‌ها دنا نیور (جاده کرج) که‌ها روم‌صیانه ۱۰ الی ۲۰ ریال فروخته می‌شد قرار شده که قطع شود و بجای نهار سب زمینی داده شود. این امر نیز در کارخانه‌های دیگر از جمله کارخانه تولید پلاستی از چند هفته پیش به اجراء آمده است. رژیم فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ را بیش از همه به کارگران و زحمت‌کشان وارد می‌کند و آن‌ها می‌خواهند که تولید را افزایش دهند و در همان زمان از حقوق و خوراک و پوشاکشان می‌زنند. مخارج جنگ ارتجاعی کنونی را تا می‌ن کنند. کارگران باید علیه جنگ ارتجاعی کنونی و فشارهای ناشی از آن که سرآنان تحمیل می‌شود مبارزه کنند.

اضافه کاری کارگران تراکتور سازی تبریز

چندی پیش وزارت کار طی بخشنامه‌ای اضافه کاری را برای کارگران قدغن کرده است. ولی هیات مدیره کارخانه تراکتور سازی تبریز کارگران را (بدون اضافه دستمزد) به کار بیشتر وادار می‌کند. بطوریکه روزهای پنجشنبه و جمعه و روزهای تعطیل کارگران باید کار کنند. و هر کارگری نسبت به این موضوع اعتراض نماید تهدید به اخراج می‌شود. این موضوع کارگران را بشدت نگران کرده است.

اخراج ۳۰ کارگر در کارخانه سیمان سپاهان اصفهان

داشت شرکت سیمان سپاهان در این جلسه خود - داری کنند، ولی حدود ۴۰۰ نفر از کارگران در آملی تشار جمع شده و به سخنان افشار گران - کارگران اخراجی گوش دادند. (فرا راست که ۱۸۴ نفر دیگر را در فرصت بعدی اخراج کنند) مدیر عامل در این جلسه از طرف کارکنان و کارگران به پرسوال کشیده می‌شود و چون اوضاع را وخیم می‌بیند با پیش کشیدن اینکه با بد در جلسه "ایمنی کارخانه" شرکت کنند تا لسن رانرک می‌کوبد، که این عمل مورد اعتراض قرار می‌گیرد. ظهر همین روز کارگران اطلاع پیدا می‌کنند که دو نفر از کمیته کارگری، نماینده متاندار و یک نفر از سبانه‌ها داران زرین شهر مشغول نوشتن حکم اخراج بودند. کارگران اخراجی برای بازگشت سرکار به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

چندی پیش ۳۰ نفر از کارگران کارخانه سیمان سپاهان اصفهان، اخراج می‌شوند. این عمل بوسیله کمیته کارگری و مدیر عامل صورت می‌گیرد. این کارگران را بحکم کمکاری اخراج می‌کنند. وقتی کارگران (۳۰ نفر اخراجی) از این امر با خبر می‌شوند، به دور یکدیگر جمع شده و سیاست کمیته کارگری و دیگر عناصروا بسته را برای کارگران افشاء می‌کنند. مدیر عامل کارخانه از این کار وحشت زده می‌شود و ۲ نفر از کمیته پاکسازی نیز که در آن حوالی بودند بپایه قرار می‌گذارند. روز بعد همان ۳۰ نفر به دفتر مدیر عامل هجوم برده و خواهان بازگشت بکار می‌شوند. با لایحه قرار می‌شود که در آملی تشار سیمان کارخانه جلسه‌ای با شرکت مدیر عامل برگزار شود تا به کار آنها رسیدگی شود. مدیر عامل سعی

در مقابل توطئه اخراج کارگران متحداً مبارزه کنیم!



تبعید و اخراج در کمربل شهریار و مبارزه کارگران

انجمن اسلامی را مورد بازخواست قرار می‌دهند و می‌گویند: "ای اسلام به ما بگوشت شما را چه کسی انتخاب کرده است؟" حال است بدانیم که "اللهیاری" رئیس انجمن اسلامی در گذشته هنگامی که کارگران بر علیه رژیم جنایتکارانه مبارزه می‌کردند، می‌گفت: "شما نمیتوانید با رژیم پهلوی درگیر شوید!" و حالا "انقلابی دوازده تنده است" اللهیاری زمانیکه متوجه خشم و نفرت کارگران می‌شود سعی می‌کند تا با شوه همسگی این نوکران سرمایه‌داران، به تفرقه افکنی در بین کارگران بپردازد. اما با هوشیاری کارگران تشرش به سنگ می‌خورد. مدیر عامل و انجمن اسلامی که گویا فرار بود ۵۴ نفر را اخراج کنند، در مقابل اتحاد کارگران تسلیم می‌شوند. کارگران به مبارزه خود برای بازگرداندن کارگران اخراجی ادامه می‌دهند.

حدود دو ماه قبل از زمانیکه کارگران کمربل شهریار متوجه تبعید و اخراج می‌شوند که هر ماه از حقوقشان برای اتحاد شرکت تعاونی کسیر می‌شود. هوزخیری از آن نسبت و نفاقای کارگران برای تنها رسانیده گرفته می‌شود تا مدیر عامل شرکت (علیخانی) تعداد در سوسپای آن‌ها را به شرکت وارد دهد. دست به کم کاری زدند. اما مدیر عامل و انجمن اسلامی، بجای رسیدگی به خواست - های سرح کارگران، تسهیل‌ها را برقرار می‌دارند و به جیره کشی و اخراج ۴ نفر از افراد مبارز بود که روز ۵۹/۷/۳۰ حکم آن را به درودیوار شرکت چسباندند. این عمل با اعتراض و خشم کارگران مواجه گردید. آن‌ها به تشکیل مجمع عمومی می‌پردازند و ولی علیخانی که از اتحاد و همسگی کارگران به وحشت افتاده بود، در این جلسه شرکت نمی‌کند. کارگران رئیس و اعضای

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

رویزونیستهای فدائی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی برمیخیزند! (۳)

مروری بر مبارزات کارگران چیت ری و موضعگیری فدائیان (اکثریت)

است که همیشه متکی بر گروهی از سرمایه داران و استثمارگران هستند. آنها از آنجا شبکه نه به توده ها ایمان دارند و نه مدافع منافع توده ها هستند، در میان سرمایه داران بدبختی سرمایه داران "خوب" هستند تا نوکری آنان را بکنند. در صورتیکه کمونیستها همواره آنجسه برایشان اهمیت دارد منافع طبقه کارگر و سایر توده ها است. کمونیستها، دفاع از منافع طبقه کارگر و خلق را وظیفه خود میدانند، نه مانند رویزونیستها، دفاع از منافع گروهی از استثمارگران! بنا بر این در کارخانه چیت ری ما مبنای حرکت خود را نه دفاع از "شورا" قلابی و نه حمایت منافع کارگران قرار دادیم که در شرایط فوق، لازم است خارج کردن کارگران از سرگروانی بین دنیروی ارتجاعی و هدایت آنها به مسیر درست مبارزات نشان، با ایجا دشواری واقعی بود. اما رویزونیستهای "اکثریت" به دفاع از استثمارگران "بنیاد"، در مقابل استثمارگران "کورس" پرداختند. آنها ما را "ثنا ریشیت" خوانده و میگویند که بین استثمارگران "بنیاد" و "کورسها" فرقی نمیگذارد و خود تحت پوشش حمله به منافع "کورسها" و اینکه آنها سرمایه داران وابسته و حامیان رژیم شاه بوده اند، در واقع حمایت خود را از استثمارگران "بنیاد" توجیه میکنند. در صورتیکه اولاً، تا زمانیکه اکثر کارگران نسبت به شورای قلابی توهما شدند،

در شرایط گذشته به بررسی روند مبارزات کارگران چیت ری در بعد از قیام، پرداختیم و دیدیم که چگونه دنیروی ارتجاعی، یکی "شورا" و در آن شخصی بنام سواتی متکی بر توهم کارگران، و دیگری "بنیاد مستضعفین" متکی بر قدرت دولتی، برای کسب قدرت در کارخانه، به رقابت با یکدیگر پرداختند و در این میان چیزی که اصلاً برایشان مطرح نبود، خواسته ها و منافع کارگران بود. به همین دلیل کارخانه آنجا رسید که توده کارگران بین این دنیروی ارتجاعی سرگردان مانده و نمی دانستند چگونه باید برای مطالباتشان مبارزه کنند. بنا بر این تا کنیک صحیح کمونیستها و نیروهای انقلابی در این شرایط اهمیت بسیاری داشت و ما تا کنیک صحیح چه بود؟

بگانه شعار و اصولی تحت شرایط مذکور، شعار: "نه شورای قلابی، نه بنیاد دولتی، یک شورای واقعی" بود که از جانب رفقای ما طرح و تبلیغ میگردد. این شعار علاوه بر آنکه به افشای هر دو نیروی ضد کارگری کارخانه می پرداخت، راه اصولی ادامه مبارزه کارگران و در واقع شق سوم را مطرح میکرد، که همانا ایجاد تشکیلات مستقل و واقعی کارگران (شورای واقعی) بود. ما برخلاف رویزونیستهای "اکثریت"، استثمارگران را به بدو "خوب" تقسیم نمی کنیم، تا آنکه از استثمارگر "خوب" در مقابل استثمارگر بد، دفاع کنیم! این شیوه رویزونیستها و تمامی خائنین به طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ گزارشی...

آنجا شبکه اخراج این سه مزدور کارفرما همرا با افشای آنها و آراشه مدرک و سند نبود، بخشی از کارگران تحت تاثیر مزدوران کارفرما قرار گرفته و خواهان بازگشت این سه تن بودند. هیئت مدیره با اخراج چندین از ساواکی های شناخته شده توانست موقتا قضیه را فیلد دهد. اما عمل هیئت مدیره (قبلاً این هیئت مدیره ما هیئت ضد کارگری خود را با رهبران داده بود) که فقط بیانگر رقابت دو دسته ضد کارگری بود، موجب بیرون توهم در میان کارگران مبارز و مترقی گردید که در نتیجه مدتی از هیئت مدیره حمایت کردند و این امر خود موجب به تعویق افتادن انتخابات شورا و کم شدن نفوذ کارگران مبارز در میان سایر کارگران گردید.

از طرف دیگر افراد اخراجی با متوسل شدن به حزب جمهوری اسلامی، تدارک حمله به هیئت مدیره را میدیدند. با آغاز شدت یابی جنگ ایران و عراق، ذهن کارگران از مبارزات صنفی - سیاسی شان دورگشته و توهمان نسبت به رژیم افزایش یافت. هیئت مدیره اگرچه با جمع آوری کمک و داری و برای جبهه سعی کرد از این فرصت پیش آمده حداکثر استفاده را در جهت تسخیر خود بکند، ولی دیری نپایید که خود طعمه جنگ شد! هفته اول آبان مشخص شد که از طرف وزارت صنایع ملی ظاهر بدون هیچ دلیلی، هیئت مدیره جدیدی برای کارخانه تعیین میشود. بعداً معلوم میشود که عناصرا خراجی بکمک حزب و احتمالاً شجونی نماینده کرج در مجلس و آیت الله موسوی اردبیلی که با خسرو شاهی روابط خوبی دارد، موفق به انجام اینکار میشوند. البته انتخاب "نعمت زاده" (ما حب کارخانه ایتیموس) بعنوان وزیر صنایع و معادن، که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است، در پیشبرد این امر و کلاً قدرتیایی عناصرا وابسته به حزب در کارخانه تاجات، موثر بوده است.

کارگران هر چند از هیئت مدیره قبلی دل خوشی نداشتند ولی از آنکه میدیدند آشکارا دست آورد مبارزاتی آنها یعنی حق انتخاب سه نفر از هیئت مدیره را از آنها میگیرند، خشمگین بودند. هیئت مدیره قبلی با ردیگر ما هیئت لیبرالی خود را نشان داد و بدون هیچ گونه اعتراضی بزدلی و ترس خود را نشان داد و رفت.

هیئت مدیره جدید برای تثبیت موقعیت خود روزیکشنبه ۱۱ آبان یک مجمع عمومی تشکیل داد. البته قیلا مجمعی از کلیه سرپرستان تشکیل داده و آنها را دلگرم کرده و حامیان را جلب نموده بود.

در مجمع عمومی "تراب مفیدی" بعنوان رئیس و سخنگوی هیئت مدیره جدید پشت تریبون رفته و از همان ابتدا ما هیئت ضد کارگری خود را با انتقاد از دیدار آمدن کارگران، نشان داد. او گفت: این تاخیرها اگر موقع نماز جماعت که میخواهیم برگزار کنیم تکرار شوند، به تولید

خدماتی را بعد از قیام برای رژیم جمهوری اسلامی انجام داده اند... سرانجام بدون آنکه شخص دیگری بتواند صحبت کند، مفیدی جلسه را تمام کرده و کارگران را به سرکار بازگرداند. بعداً معلوم شد که سه نفر اخراجی هم به سرکار بازگشته اند.

روی کار آمدن هیئت مدیره جدید که وابسته به کارفرما و اردو دسته حزب جمهوری اسلامی هستند و به منظور سرکوب هر چه بیشتر کارگران آمده اند، چند درس مهم برای کارگران کارخانه منو دارد: نخست آنکه کارگران همواره باید به نیروی خود متکی باشند و تشکیلات واقعی خود را ایجاد نمایند دوم اینکه بنا بد فریب لیبرالهایی چون هیئت مدیره قبلی را بخورند. آنها نیز ما هیئت ضد کارگر و حامی سرمایه داران هستند، و با آخره با یک کارگران بکوشند تا آگاهی و اتحاد خود را هر چه بیشتر و مستحکمتر با زندانیان و زندانیان و حملات سرمایه داران و مزدوران نشان را خنثی کنند

کلی مدتها وارد میشود! و بعد از خواندن چند آیه و مدتی کلی بافی در باره جنگ و... گفت که میخواهد به سواالات احتمالی کارگران پاسخ گوید و سپس با اشاره به بنا یعنی که گویا در کارخانه بحث شده اند مبنی بر اینکه آنها میخواهند خسرو شاهی را برگردانند، یکلی گویی راجع به مالکیت در اسلام پرداخت و با اشاره معلوم شد که این "شایعات" درست هستند یا نه! در مورد "شورا" هم نظرداد که گویا فقط مباحثات مشورتی با توده ها و اینکه در کارخانه دخالت کند. او اشاره کرد به اینکه شورای کارمندان "خوراک" چون در کارخانه دخالت میکرد و غیراً فونی (!؟) بود منحل گردیده است، "مفیدی" بر ضرورت تشکیل انجمن اسلامی تاکید نموده و وعده با لایردن سطح "آگاهی" مکتبی کارگران "را میداد. آنگاه شروع به تهدید کارگران نمود و گفت که هرگونه توطئه ای (در واقع هر مبارزه ای را بشدت سرکوب خواهد کرد. سپس به معرفی سابقه خود و همکارانش پرداخت که چند سال در خارج بوده اند و چو

رفقای ما "شورا" را خطر عمده تشخیص داده و آنرا بیشتر افشا میکردند، تا آنجا که گفتیم مسئله مهم اینست که آنگاه ما به توده ها با شدو از منافع آنها دفاع کنیم نه اینکه ما تند فداشیا ن اکثریت "متکی بر سرمایه داران و مدافع منافع آنها با شیم، برای طبقه کارگر فدا و تنه می کنند که بوسیله "گورسها" استثمار میشود با بوسیله "بنیاد" همایونست که بعد از به اصطلاح "ملی" شدن کارخانه و آمدن "بنیاد" با زهمما نندسا بقی کارگران استثمار میشوند و حتی اگر شدت استثمارشان بیشتر نشده باشد، کمتر هم نشده است اینک رژیم جمهوری اسلامی برای غریب توده ها و موجه جلوه دادن خود، تصاحب موسسات و کارخانجات را "ملی" کردن جا میزند، در اصل مسئله هیچگونه تغییری نداشته است، با دیدن مالکیت کارخانه در دست چه طبقه ای است اینک شکل این مالکیت چگونه باشد اهمیت ندارد، بنابرین "ملی" کردن کارخانه (یعنی دولتی کردن آن) توسط دولت سرمایه داری، ما هیت استثمار کارگران را نمی پویند و به همین دلیل "مما دره و ملی کردن" کارخانه توسط "بنیاد" به هیچوجه جنبه انقلابی نداشته و ندارد.

اما رویزونیستهای "اکثریت" ادعا میکنند: "این اقدام" (مما دره و ملی کردن) از آنجا که منطبق بر منافع و تمایلات توده کارگران کارخانه بود (؟) با استقبال آنان مواجه شد. (کار سراسری شماره ۸ صفحه ۶) و با زمی - نویسنده: "مما دره و ملی کردن کارخانه و اعلام انحلال شورا توسط "بنیاد مستضعفین" بود که مبارزات پیگیرانه کارگران جهت در حفظ و تثبیت این دستاورد انقلابی (خلع ید از سرمایه دار در کارخانه) از مهمترین تجارب مبارزاتی در جنبش کارگری ایران محسوب میشود. (همانجا) رویزونیستهای "اکثریت" که واقعتا بر خلاف منافشان (که همان منافع سرمایه داران و رژیم است) حکم میراند، تصمیم به انکار واقعت و تحریف آن میگیرند:

اولا - گفتیم که عمل "مما دره و ملی کردن" کارخانه فقط در جهت عوامفریبی و کسب مالکیت کارخانه توسط "بنیاد" بوده و هیچگونه تغییری در استثمار کارگران نداشته و آنها کاما کسان و خشیانه استثمار میشوند، بنابرین روشن است که این عمل نه "منطبق بر منافع" کارگران بوده و نه منطبق بر "تمایلات" آنها. ثانیا - بعد از دستگیری "مما واتی" و انتساب ما واک به او، "بنیاد" برای یکدوره به سرکوب طرفداران "شورا" پرداخت، تا جایی که آنها را با یوس واکت کرد، بعد از این زمان "بنیاد" با انکار و روشهایی که هدفش نفوذ در میان کارگران بود، توانست بتدریج پا به کسب کند، البته در این شرایط، کارگران که طی یکدوره مبارزه تجربیات بسیاری کسب کرده بودند، بسیار محتاطانه با "بنیاد" برخورد میکردند، بخشی از کارگران که تحت تاثیر

ها بهیوی مهندس ترجمان (رئیس بنیاد) قرار گرفته بودند، مدتی دجا را این توهم شدند که ننگداین آقای ترجمان که آنقدر با کورسها مخالف است، طرفدار کارگر باشد. اما خیلی زود دریا فتند که این یکی هم در استثمار کارگران دست کمی از یکی ندارد و بقول معروف، "نگ زرد برادر" شغال است!" کارگران در مبارزات بعدیشان بخوبی این واقعت را نشان دادند (و ما به آنها اشاره خواهیم کرد) اما رویزونیستهای "اکثریت" مدعی "استقبال" کارگران از امر "مما دره و ملی کردن" میشوند، آنها به اینهم اکتفا نکرده و کلا مبارزات کارگران را در جهت "حفظ و تثبیت این دستاورد انقلابی" (!) وانمود کرده و "ملی" کردن کارخانه توسط "بنیاد" را "خلع ید از سرمایه دار" "مینا مد!" اینگونه تحریفها فقط از عهده رویزونیستهای برمی آید. آنها برای دفاع از منافع سرمایه داران (و در اینجا دفاع از "بنیاد" و رژیم) و موجه جلوه دادن خیانت خود به کارگران، به آنچنان شیوه های شبا نه و دغلکاری را متوسل میشوند که روز را شب و شب را روز جلوه میدهند، اگر آقایی "اکثریتی" در کارخانه با کارگران صحبت میکردند، به خوبی میفهمیدند که کارگران تا چه حد از "بنیاد" و رئیسش در کارخانه مهندس ترجمان، متنفرند، لابد بخاطر آنکه وقت تلف نشود و تولید کار هاش پیدا نکنند، آقاییان رویزونیست، فرصت پیدا نکرده اند با کارگران صحبت کنند؟! و لوسی لا اقل میتوانستند در سرویسهای کارخانه هنگام گفتگو با کارگران واقعت را دریا بند، اما مسئله این نیست که "اکثریتی" ها خواسته ها و گفته های کارگران را نمی دانند، بلکه مسئله اینست که منافع طبقاتی این "آقاییان" ایجاب میکند که از منافع سرمایه داران (بنیاد) و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، دفاع نما یند رویزونیستهای "اکثریت" که "بنیاد" را "مترقی و مما دره" کارخانه توسط آنرا "اقدام انقلابی" جلوه میدهند، با بدبرای کارگران روشن کنند که "بنیاد" چه نوع "مناسباتی" را در کارخانه پاسداری میکند؟ و چه نوع "مالکیتی" بر کارخانه اعمال میشود؟ آیا بجز مالکیت سرمایه داران و مناسبات سرمایه داری در کارخانه وجود دارد؟ از این گذشته آیا "بنیاد" حتی قدمی هم در جهت کاهش استثمار کارگران برداشته است؟ (که تازه برداشتن چنین گامهایی هم جز انجام پاره ای اصلاحات نخواهد بود تا چه رسد به "اقدام انقلابی"!) روشن است که غیر! ضد



کارگری بودن "بنیاد" و پاسداری آن از مناسبات سرمایه داری چنان واضح است که حتی کارگران نا آگاه که ما هیت امرکا ملا برایشان روشن نیست، از روی اقدامات ضد کارگری فراوانی که در این مدت توسط "بنیاد" انجام گرفته، بهی به ما هیت ضد کارگری و سرمایه دارانه آن برده اند. برای نمونه به چند مورد از این اقدامات که موجب خشم و نفرت توده کارگران گردیده اشاره میکنیم:

۱- برای انداختن دعوا و جابجایی و جابجایی قبل از عید، بمنظور لطف و سود و بیزه

۲- انتشار اعلامیه ها و بیخشنامه های ضد کارگری که در آنها کارگران را جهت استثمار بیشتر، تحت فشار قرار داده اند (از جمله مقررات انضباطی شدید در مورد غیبت، خراج شدن از سالن برای نه روشا میا گرفتن اجازه برای رفتن به شرکت تعاونی یا مرخصی که میبایست موجب رضایت سرکارگر، سرپرست و رئیس سالن را فرا هم نمود و ...)

۳- برگرداندن افراد دانشی چون "خرابی" و خان محمدی که قبلا با مبارزه کارگران اخراج شده بودند ۴- جلوگیری از تعطیل کارخانه حتی در اوقات تعطیلات رسمی، بعنوان نمونه: یکی از اختارات مهندس ترجمان اینست که در روز ۱۷ شهریور که ۹۹٪ کارخانجات تعطیل بودند، کارخانه چیت ری همچنان کار میکرد، با در روزهای ماه رمضان که ساعت کار همه کارخانجات نیم ساعت کم شده بود و حتی بعضی جا ها دپوروز در هفته تعطیل میکردند، کارخانه به روال سابق کار میکرد، همچنین در ایام جنگ که ساعات کار شبا نه کارخانه ها کم شده بود، کارگران این کارخانه مطابق معمول کار میکردند، و زمانی که کارگران دست به اعتصاب زده و ساعت ۶ بعد از ظهر کارخانه را تعطیل کرده و به خانه ها یشان رفته بودند، ترجمان به اخراج عده ای از آنها پرداخت که به علت مقاومت کارگران مجبور به برگرداندن آنها به سرکار گردید.

آری، اقدامات ضد کارگری "بنیاد" که ناشی از ما هیت ضد کارگری آنست، بقدری زیاد است که حتی توده کارگران را به به مخالفت با آن سوق داده است و این علی رغم تمام تبلیغات و عوامفریبی هایی است که "بنیاد" بکمک رژیم پهلوی انداخته و در این امر (یعنی تطهیر بنیاد) رویزونیستهای "اکثریت" نیز سنگ تمام گذاشته اند.

رویزونیستها که حرفه شان خیانت به خلق و جابجایی بورژوازی است، برای پیشبرد مقاصدشان به چنان شیوه های تحریف آمیز و قبیحانه ای متوسل میشوند که بقول آموزگار کبیر طبقه کارگر، رفیق لنین:

"در دفاع از منافع سرمایه داران از خود بورژوازی هم بهتر عمل میکنند!" و با یادافه کرد که به علت پیوند تنگاتنگی که بین رویزونیستها و بورژوازی وجود دارد، سر و شوش واحدی هم در انتظار هر دو است و آنها افکنده شدن آنها توسط زحمتکشان به زباله دانی تاریخ! ■

آوارگان جنگ: از دیروز تا امروز چه فرقی کرده‌اند؟

جنگی ارتجاعی در گرفت و سرمایه‌داران عراقی و ایرانی جهنمی برافروختند و توده‌های زحمتکش را با صد حیل و ترفند و وعده بهشت، همچون هیزم به درون آن کوره جنایتکارانه ریختند و جسه خسارت‌های هنگفت که بی‌آرامی ده‌ها هزار تن از توده‌ها بقیمت آوارگی جان خود را خریدند و راهی شهرها و بیابانهای دیگر شدند.

سران رژیم جمهوری اسلامی که گوش فلک را مزورانه با فریادهای حمایت از مستضعفین کمر کرده بودند، زحمتکشان آواره و مصیبت‌زده را، "فدا انقلاب" خواندند و فتوا دادند، که کسی بیا آنها معا میله نکند، به آنها شکن ندهد، به آنها تن توهمین کردند و سرگرفت زدن را بیت‌الله دستگیر شرا زبیر برتا اما مجمع تهران و با لایحه آیت - الله خمینی موضعشان همین بود.

اما کمونیستهای راستین بیگانه نبودند. آنها ما هیت ارتجاعی جنگ را افشا کردند، برده - های توهم را دریدند و از موضع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، جنگ افروزان و هدفهای ضد - خلقی آنان را افشا کردند و "مح جنايتكاران را در حین ارتكاب جرم" گرفتند. سازمان مادر این موضع فعالترین نیرو بود. رفقای مادر خوزستان در حمایت از جنگ زندگان، و رفقای مادر شیراز و لرستان فعالانه حمایت از آوارگان بیاختستند رژیم عدلای از رفقای مادر خوزستان تیسر - باران کردند و فارس به زندان انداخت و شکنجه کرد و حالا بر ضد رفقای ما سازمان ماحظ و نشان میکشد، دندان قروچه می‌رود. ما را "آمریکائی (!)" میخوانند و فردی بنام دکتر خراچی می‌فرمانده سپاه پاسداران فارس است بنحو مضحکی از تنقیه آوارگان "سخن میگوید و برای رفقای اسیر

(هواداران سازمان در شیراز)، دادگاه انقلاب زمان جنگ را تدارک می‌بیند (کلیه آن ۴ آذرماه) برآستی چرا چنین میکنند؟

مشت‌این آقا با نوسرگردگان نشان پیش توده‌ها با زنده رفقای کمونیست ما توانسته‌اند اولین ضربه افشاگران را بر این رابطه آنها بزنند و با افشای "دستغیب" و امثال او رژیم جمهوری اسلامی دشمنان خلق را رسوا کرده‌اند. رفقای ما با آوارگان جوش خورده‌اند، چرا که خود را از آنها میدانند و آوارگان هم فرزندان انقلابی خود را خوب میشناسند.

هم‌اکنون در نتیجه مبارزات مردم ما هیت ارتجاعی جنگ و نقش آگاه‌ها که کمونیستهای راستین، بویژه رفقای ما، رژیم "غلطی" که کرده بود آگاهی یافته می‌کوشد خباثت‌های عریان خود را مخفی بنماید. امروز دیگر همه حضرات تکرار میکنند که: "آزاد سبب دیدگان و آوارگان بخوبی باید حمایت شود". در اینجا دو نکته وجود دارد: اولاً سیاست جدید رژیم جزع و اغوا مفریسی چیز دیگری نیست. ما هیت رژیم عوض نشده این رژیم همان رژیم است که توده‌های جنگ زده را ضد - انقلابی خواند. این رژیم بنا به ما هیت خودنشان دیروز برای آوارگان کار می‌کرد و نه امروز می‌تواند کاری انجام دهد. برآستی آوارگان از دیروز تا امروز چه فرقی کرده‌اند که دیروز باید "محازات" میشدند، ولی امروز با بدآز آنها حمایت کرد؟ دیگر اینکه از نظر آقا با ن رهبران رژیم جمهوری اسلامی، جنایت را اگر "درجا" افشا کردی "آمریکائی" هستی و اگر پس از هزاران مرگ - و میر و نابودی و خانه‌خوابی به "غلط کردم" افتادی، آنوقت میشوی "مکتبی" "دوآتشه" زهی بشیر می!

★ ★ ★

آوارگان در مبارزه

نظارات جنگ زندگان در تهران

"کمک به آوارگان همش دروغه - گرسنگی، بی - مکتبی اینست شعار جنگ زده" و ...

راهپیمائی این توده‌های جنگ زده - با پشتیبانی و استقبال مردم مغا زده‌داران طول مسیر مواجه بود یکی از دکانداران با اشاره به اتومبیل بزرگ و آمریکائی پاسداران گفت: "چطور برای اینها بنزین فراوان است؟" آوارگان جنگ بهنگام گذشتن از کنار "چادر امداد" میدان حسن آباد با مشت‌های گره‌کرده به سوی چادر و با فریادهای رسا، نفرت و بیستزاری خود را از جنگ ارتجاعی و خانمان برانداز کنونی نشان دادند.

ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر سه شنبه ۲۴ آبان‌ماه جمعی از آوارگان جنگ زده که افراد من هم در میان آنان دیده میشد پس از عدم رسیدگی مسئولین وزارت کشور به خواسته‌های آنها دست به یک راهپیمائی زدن و از طریق خیابان حافظ بسوی شمال حرکت کردند. اغلب آنان جنگ - زندگان خوزستانی بودند و دوسوی تظاهر کنندگان اتومبیل‌های پاسداران حرکت میکردند و با بلند - گوازی آنها میخواستند که پراکنده بشوند و لای - نهره‌های گوشخراش این مزدوران سرمایه‌در - فریادهای خشم توده‌های آواره جنگ ارتجاعی کنونی، کم میشد. آنها با قدرت زیبا شعار میدادند که:

سرمقاله ...

بقیه از صفحه ۲
چگونه میتوانیم مذاکره خود با عراق را برای توده‌ها توجیه سازد؟ بهمین ترتیب رژیم عراق که جنگ را با باخاطر برهم زدن قرارداد ۱۹۷۵ و کسب موضع فوستر در دهانه خلیج و شط العرب آغا ز نموده و هم‌اکنون نه تنها بر این نقاب بلکه به منطلق استراتژیک دیگری نیز دست یافته است، چگونه میتواند، بدون آنکه ظرف مقابل را وادار به پذیرش خواسته‌های خود نماید، جنگ و عوارض مصیبت با آن را برای مردم عراق توجیه نماید.

اما در تفاطمیان خواسته‌های طرفین و حیات سیاسی هر دو رژیم که در صورت ادامه دراز - مدت جنگ ورشاندن رضائی توده‌ها به مخاطره جدی خواهد افتاد آنها کوشش دارند که بهر ترتیب که شده و با عقب نشینی طرفین از هدفها و مواضعی که در ابتدای جنگ از آن دم می‌زدند، تن به - مذاکره داده و حیات سیاسی رژیم خود را حفظ نمایند. امیراللیست‌ها نیز چنین هدفی را دنبال میکنند و منافعی آنها را بجا می‌کنند که از گسترش و ادامه جنگ ایران و عراق و سقوط رژیمهای هر دو کشور جلوگیری و آنان را به - مذاکره "شرافتمندانه" فراخوانند. اما کارگران، زحمتکش و خلقهای هر دو کشور ایران و عراق، که تحت ستم و استعمار این رژیمها و امپریالیست‌ها بستمیرند و در خلال جنگ تمامی فشار و محاسبات آن را بر دوش خود حمل کرده‌اند، فارغ از آنچه که امپریالیست‌ها و رژیمهای حاکم بر دو کشور ایران و عراق برای آنها تدارک دیده‌اند، به مبارزه خود علیه این رژیمها و امپریالیست‌ها ادامه میدهند. برای بسیاری از توده‌ها از هم‌اکنون روشن است و در آینده با زهم روشن تر میشود که بورژوازی این کشورها، از آنجا که در مقابل انقلاب توده‌ها قرار میگیرند، بنا بر سر برای حفظ خود علی‌رغم تمامی اختلافاتی که با یکدیگر دارند، تن به مصالحه و سازش داده و قاطعانه سرکوب توده‌ها را در پیش میگیرند.

این روند احتساب ناپذیر است و آنجا که به ایران سر می‌گردد هم‌اکنون بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه و مشکلات و محاسبات ناشی از جنگ که بر شدت این بحران افزوده است، زمینه را برای رشد هر چه بیشتر نا رضائی‌ها و فرو ریختن توهم توده‌ها فراهم ساخته و جنبش وسیع اعتراضی توده‌ها را که هم‌اکنون تا حد طلایه‌های آن هستیم دنبال خواهد ساخت. در عراق نیز کم و بیش وضع از همین قرار است. در این میان، وظیفه کمونیست‌هاست که با فعالیت و کار وسیع آگاه‌ها را به خود با دامن زدن به حرکت اعتراضی توده‌ها و هدایت، ارتقاء و تشکل مبارزات آنها نقش خود را در رشد و گسترش جنبش توده‌ای و سر - انجام نا بودی رژیمهای حاکم بر هر دو کشور ایران و عراقی تحت رهبری پرولتاریا با افشا - نموده و پرچم شکوهمند جمهوری دمکراتیک خلق را در هر دو کشور به اهتزاز در آورند.



رویزونیستهای چینی و سیاستهای جدید آنان

ما در یکار ۷۹ در مقاله "در چین رویزونیستی چه میگذرد؟" نوشتیم:

"البته براساس تغییرات و تحولات در جهان سرمایه داری و با دیدن سبب ترویج نوین در عرصه بین المللی این احتمال وجود دارد که چین در پی یک بلوک بندی جدید برآید و از جمله برای تامین منافع خود در کنایه روسیا ل امیریا لیم نیز قرار گیرد. به بیان دیگر تفاد چین با شوروی از مقوله تفادیک کشور سوسیالیستی با شوروی بطور قطع پایان پذیرفته و تفاد دکنونی ماهیتی بورژواشی دارد. براین اساس رابطه چین بمنابر یک کشور بورژواشی با دیگر کشور - های سرمایه داری در چارچوب جهان امیریا لیمستی تغییر پذیر است."

تغییرات و تحولات چین در جهت تاشیدگفته ما سیر نمود. اخیرا دبیرکل رویزونیستهای چینی با "کاریلو" دبیرکل رویزونیستهای اسپانیا در یک ملاقات نمود. این دیدار، اگرچه یکبار دیگر بیان نزدیکی روزافزون رویزونیستهای به جهانی با رویزونیستهای خروشی ا اروپایی بود، اما در عین حال مبین یک رخداد جدید نیز بود. دبیرکل رویزونیستهای مرتد چینی در حضور "کاریلو" خیا شکار مطرح نمود که جنگ جهانی سوم اجتناب پذیر است. (نقل به معنی).

هما نظور که میدانیم رویزونیستهای به جهانی براساس ترویزونیستی به جهان، جنگ جهانی سوم را امری حتمی و اجتناب ناپذیر دانسته و از اقرب الوقوع ارزیابی مینمایند آنها بویژه سوسال امیریا لیم شوروی را نیروی اصلی جنگ افروزشمار می آورند. اما در گفتار اخیر دبیرکل رویزونیستهای چینی بطور ضمنی تحلیل فوق را زیر علامت سؤال میکشاند. هما نظور که قبلا بدستی مطرح ساختیم حاکمیت رویزونیستها در چین تفاد چین با شوروی ماهیتی بورژواشی یافته و بنا بر این امکان سازش و نزدیکی های بیشتر بین چین و شوروی وجود دارد. بورژوازی چین براساس نیازهای طبقاتی خود و تحولات بین المللی در پی سازش

با بورژوازی شوروی میباشد. این رویدادها یکبار دیگر نشان میدهد که رویزونیستهای به جهانی برپایه ماهیت بورژواشی خود هرگز نمیتوانند علیه سوسال امیریا لیم شوروی مبارزه نمایند. اما نکته جالبتر اینست که بدنبال تغییرات جدید در سیاست، بکن، به جهانی های نوگرمش و فاد انقلابی و لینی در حال زمینه سازی میباشد تا با سازد دیگری به رخنه درآید.

چین: رویزونیستهای کمونیستها رابه محاکمه کشیده اند

در گذشته کمونیستهای چینی بدلیل انحرافات خود با رویزونیستها و پورتونیستهای چینی به مماشات رفتار کردند. اگرچه در گذشته مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک در خاخی علیه رویزونیستهای ما نندتنگ سیا شوپینگ خاخی صورت گرفت، اما این مبارزه تا نهایت یعنی طرد و اخراج کامل رویزونیستها از صفوف حزبسی انجاء نگرفت. لیکن اگر کمونیستهای پیگیری لازم را در مبارزه علیه نمایندگان بورژوازی به خرج ندادند، اما رویزونیستهای خیا شکار پس از تصرف قدرت در چین، در قبال کمونیستها به جنا پتکارانه ترین اقدامات دست زدند. آنها نه تنها کمونیستها را از حزب اخراج کرده و مورد وقیح ترین تهمت ها قرار دادند، بلکه تا آنجا پیش رفتند که در دادگاه فاد انقلابی خود کمونیست - ها را به محاکمه کشیدند. آری امروز در چین رویزونیستها این نمایندگان فاد و مرتجع بورژوازی مارکسیست را بهرحم مبارزه علیه رویزونیستها به محاکمه کشیده اند. از جمله کسانی که محاکمه میشوند "جیانگ جینگ" (همسر رفیق ماو)، "وان هون وان"، "وان بان" و "چان جونگ جیا شو" میباشد. اینان در گذشته از رهبران برجسته جناح انقلابی حزب کمونیست چین بوده و در انقلاب فرهنگی و مبارزه علیه رویزونیستهای مرتد از جمله "تنگ" و "هو" نقش فعالی بازی نمودند. این رهبران اگرچه دارای برخی انحرافات چپ روانه بودند، اما ندرستی مبارزه قاطعی را علیه دارودسته "تنگ" - "هو" به پیش بردند. منجمله در ۱۹۷۴، زمانی که رویزونیستها از جمله "تنگ" در حزب پله - های صعود را طی کردند، اینان از جمله کسانی بودند که در افتادن و سقوط "تنگ" نقش ایفا کردند و او را به مثابه یک عنصر فاد انقلابی و نماینده بورژوازی در درون حزب مورد تصفیه قرار دادند و امروز اینان بنجم "توطئه برای جلوگیری از روی کار آمدن تنگ در سال ۱۹۷۴" محاکمه شده و به ساء تیرباران گردند. اگرچه مبارزه علیه رویزونیستها، این خاشین به طبقة کارگر نیست و بلکه افتخار بزرگی برای کمونیستها بحساب می آید، اما این محاکمات فاد انقلابی درس بزرگی به کمونیستهای جهان می دهد و آن اینکه در مبارزه علیه رویزونیستها و

اپورتونیستها آشتی ناپذیر باشد. بدو، تحقیق آلمان پرولتاریا بدون مبارزه ای فاد و آشتی - ناپذیر علیه رویزونیسم ممکن نخواهد بود. بورژوا - رویزونیستهای ما نندتنگ و "تنگ" نمایندگان حاکمیت رطبقة ای هستند که در جناح و سرکوب توده ها و کمونیستهای سرحم است. کمونیستهای بدبیا موزند که در مبارزه علیه بورژوا - رویزونیستهای سرحم باشند. این قانون مبارزه طبقاتی است.

فلسطین اشغالی: دانشجویان می رزمند

جیش توده ای علمه صهیونیستهای اشغالگر افزایش چمگیری یافته و توده ها ممما نشدند برابرتوطه های دشمن و عمال خیا شکار آن مقاومت میکنند. اصحاب دانشجویان دانشگاه عربی بیرزیت واقع در ساحل غربی ویرافراشتن بهرحم فلسطین سرفرازان دانشگاه وگرا مبداء شست هفته فلسطین و بدنبال آن به گلوله بستن دانشجویان توسط نیروهای اسرائیلی حمایت وسیع از نظرات محصلین و دانشجویان را در شهرهای دیگر نیز بدنبال داشته است. از دو هفته پیش این نظرات مدعیان فلسطینی و فاد امریکائی ادا شده و سربخورد های خونی بین دانشجویان و پلیس فاشیستی صهیونیستها بوجود آمده که منجر به زخمی شدن تعداد زیادی از دانشجویان و دستگیری عده قابل توجهی از آنان شده است. دانشجویان فلسطینی علیرغم کلیه تشبثات صهیونیستهای آلمان از دایه خا خود را فراموش نکرده و تا آزادی کامل فلسطین مبارزه خواهند کرد. آنان بر دیوارهای دانشگاه نوشتند: "فلسطین تاخرمی جنگد" و "فلسطین، سرزمین ما" و در خیابانها برای آزادی فلسطین فریاد زدند. فریاد اینان، فریاد تادمی خلق فلسطین است.

یک خبر: دو هفته پیش انقلابیون فلسطینی یکی از افراد خا را که طرفدار طرح خودگردانی فلسطینی ها در ساحل غربی رود اردن بود و با دشمن همکاری میکرد ادا انقلابی کردند. خلق فلسطین مبین خود را هرگز به دشمنان خود نخواهد فروخت.

حمایت امپریالیسم از کودتاچیان ترکیه

رژیم کودتاچی ترکیه در حالی که همچنان به سرکوب کارگران، کمونیستها و سایر مبارزین ادا می دهد، از طرف کلیه امپریالیستها مورد حمایت قرار گرفته است. چندی پیش امپریالیسم آمریکا قرار داد جدیدی با دولت ترکیه منعقد

روحانیون بزرگ مورد تأیید آیت الله خمینی چه کسانی بودند؟

قرار گرفته اند می افتند. سیدی از خاندان هاشمیان بنام میرفتمیل را بعنوان پادشاه تحت حمایت انگلیس در عراق بر سر کار میاورند و سید محمد صدر را که از چهره های معروف شیعیان عراق بوده به نخست وزیری می نشانند و سوارش ارتجاع محلی با امیرالایسم انگلستان، قیام داده ای و ضد امیرالایستی مردم عراق را نسای تمام می گذارد.

طی این قیام، در حالیکه زحمتکشان عراق، این سرزمین را تبدیل به جهنمی علیه اشغال - گران انگلیسی کرده بودند، میرزا محمدتقی شیرازی، طی نامه ای به سفیر ایالات متحده آمریکا در تهران از او دادخواهی میکنند و از دست انگلیس ها پیش او شکایت میبرد به سند توجه کنید:

"طهران، جناب مستطاب سفیر ایالات متحده آمریکا مدت رافته (که مهربانی او پاینده باد)

پس از احترامات فاشقه و شایسته:
لازم میداند در شرایط حاضر مطالب زیر را به شما بنویسم:

نظریه اینکه دولت محترم آمریکا (که عدالت پروریش پاینده باد) ندای حقوق بشر و آزادی ملل را بلند کرده است، از طریق شما که نماینده امین آن دولت محترم هستید و بیخاطر تکمیل و تحکیم حقوق اسلامی که در تشکیل یک دولت عربی باید منظور گردد (۱) لازم است به دولت محترم خود (که عدالتش پاینده باد) مراجعه فرمائید.

بر شما پوشیده نیست که هر ملتی اگر در معاصر نیروهای نظامی با دشمنی تواند از آزادی بیان برخوردار باشد، هر چند همه از آزادی عقیده دم میزنند ولی به این شایعه نمی توان دلخوش بود و بسیاری از مردم می ترسند که آزادانه مکتوبات قلبی خود را فاش سازند. نمودها می هم وجود دارد که این ترس را بوضوح نشان میدهد. بنابراین - این مردم عراق از دولت محترم آمریکا تقاضا دارند آنها را در این امر مهم پشتیبانی نموده و حقوق آنان را استیفا نمایند. (۲)

امضا: محمدتقی شیرازی (۳)



- (۱) - اشاره است به مقدمات تشکیل پادشاهی دست نشانده انگلیس در عراق.
- (۲) - تأکیدات در این اسناد دهه جا از ماست.
- (۳) - اصل اسناد در "موزه انقلاب ۱۹۲۰ عراق" در موزه ملی بغداد موجود است (بنقل از مجله آفاق عربیه آوریل ۷۹)

آیت الله خمینی در سخنرانی خطاب به بازاریان قم که در روزنامه های اول آذرماه ۵۹ منتشر شده از یکی از شخصیت های بزرگ روحانی بنام میرزا محمدتقی شیرازی، بعنوان کسی که "جلوی انگلیس ها" را در عراق گرفت، یاد کرد. ما در پی تحقیق برآمدیم که این شخصیت کیست و چه مواضعی از لحاظ سیاسی داشته است. در یک پی جویی سریع معلوم شد که میرزا محمدتقی شیرازی مجتهد بزرگ نجف در حدود ۶۰ سال پیش بوده. مرجعیت او همزمان با جنگ اول جهانی بود. او از همپاشیدگی امپراطوری عثمانی و اشغال عراق توسط انگلیس ها و سپس شورش تسویه ای ۱۹۲۰ عراق، بوده است.

اسنادی هست که در شریه روابط جنس بین این مجتهد بزرگ و رژیم ارتجاعی ایران در اواخر دوره قاجاریه و با کسانی مانند شوق الدوله خاکن که عاقد قرارداد دنگین ۱۹۱۹ بود. دو سده هم هست مربوط به برخورد آیت الله میرزا - محمدتقی شیرازی با امیرالایستهای انگلیسی و آمریکا می.

او که بزرگترین مجتهد نجف در آن سالها بود و در جریان شورش تسویه ای ۱۹۲۰ عراق سوار بر این موج شد بعنوان "رهبر انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق" لقب گرفت، در تلگرافی به "سرپرستی کاکس" نماینده مکارا امیرالایسم انگلستان و فرمانروای عراق در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۳۳۶ هجری قمری (۱۹۱۸ میلادی) چنین می نویسد:

"از شهر مقدس سا مرا که هزاران درود بر اهل آن شهر باد.
به جناب مستطاب فرمانروای سیاسی کل عراق، سرپرستی کاکس، که شان و عزت او بلند باد نامه گرامی شما مورخه ۳ رمضان در ۲۴ آن ماه دریاقت شد. اینکه پس از شنیدن خبر وفات آقا میرزا محسن مجتهد... شدیداً اندوهگین و متأسف شده ایم، نشانهای است اراحات انسانانی شما و مقام بلند پاییه جبرت عالی در حفظ حقوق انسانی که وجود این دولت کبیر (بریتانیا) و نیز مقامات فرماندهان و بلکه احاد افراد انگلیسی با آن سرشته شده اند. امیدوارم طعنه ما برای این است که مقدمات اسلامی را حفظ نمائید و حائشان پس را گرامی بدارید و بدین ترتیب نهایت کوشش را بکار برید تا در تاریخ نام نیک از شما بیادگارماند که این بهترین خدمت به دولت عظمای بریتانیا است. روزگار عزت شما پاینده باد.

مورخه ۲۷ رمضان ۱۳۳۶ ه. ق.
انگلیس ها بدنبال قیام سراسری مردم عراق بغیر کربلا و رهبرانی که در رأس جنبش

کرد، طبق این قرارداد بانک مرکزی ترکیه یک قرارداد دوساله برای دریافت یک و نیم میلیون دلار با پنج موسسه مالی آمریکایی امضا نمود پس از این قرارداد، امیرالایستهای ایتالیا بی یک و نیم میلیون دلار به ترکیه داده اند. بر اساس این و نیم ترکیه مجبور است بمیزان مبلغ این و نیم، از ایتالیا کالا وارد کند و با اخراج اخبار قرارداد جدیدی بین ترکیه و آلمان غربی منعقد گردید. این قرارداد عبارت از یک نظامی ۳۰۰ میلیون دلار آلمان به ترکیه میباشد و برپایه این قرارداد رژیم نظامی ترکیه طی سه سال، تانکهای "لشویارد" و ۲۵۰۰ دستگاه مویشک ضد تانک دریافت کرده و به علاوه تانکهای "ام ۴۷" و "ام ۴۸" رتیش مزدور خود را مدرنیزه خواهد کرد.

آخرین خبر اینکه، حیرانیک قرارداد ۱۰۰۰ میلیون دلار میان ترکیه و امیرالایسم آمریکا به امضا رسید، این قرارداد یک قرارداد نظامی بوده و قرار است مبلغ این و نیم مدرنیزه توسعه امور نظامی ترکیه استفاده شود. در مقابل، امیرالایسم آمریکا اجازه پیدا میکند تا تمام پایگاههای خود در خاک ترکیه استفاده نماید.

اخبار کوتاه جهانی

■ - امیرالایسم آمریکا ۲ هواپیمای جاسوسی آواکس به مصر تحویل داد. بدین ترتیب - جنایتکاران یانکی با رژیم سرسپرده سادات را مسلح نمودند تا در منطقه موقعیت خود را در قبال انقلاب توده ها و رقابت شوروی تحکیم نمایند.

■ - هزاران کشاورز هندی در شمال شرقی بمبئی دست به تظاهرات خونین زدند. مورد اعتراض کشاورزان تورم شدید و پایین بودن سطح قیمت - های تعیین شده در مورد مواد کشاورزی از طرف دولت ارتجاعی حاکم بوده است. پلیس رژیم مرتجع ایندرا گاندی به سرکوب وحشیانه دست زده، ۹۰ هزار کشاورز زحمتکش را دستگیر کرده صدها نفر را زخمی نموده و حداقل ۳ نفر را از کشاورزان را به شهادت رساند.

■ - هزار هشتصد تن از کارگران شرکت هواپیماسازی لاکهید در کالیفرنیا دست به اعتصاب زدند کارگران که توسط انحصارات استثمار میشوند خواست افزایش حقوق خود بودند.

■ - امسال از شوری ۲۰ هزار یهودی صهیونیست به اسرائیل مهاجرت کردند. امیرالایسم آمریکا به اسرائیل اسلحه میدهد و سوسیال امیرالایسم شوروی متخصصین و مهندسين دولت اشغالگر را تامین مینماید.





يك نمونه خوب از كار تبليغی يك رفیق

گزارش زیر از رفیق "ش" دانش آموزان در سازمان در لالی، نمونه ای مناسب از کار تبلیغی بموقع و بجا در میان توده ها است. رفیق با درک روحیات توده ها با سخاوتی به مسئله اساسی آنها دست میزند و تحلیل سازمان در مورد جنگ را به بیان آورده و میبرد. رفیق در درآمیختن تبلیغ فدجنگ با توده ها موفق است و توانسته است فلاکت جنگهای غیرعادلانه را برای توده ها توضیح دهد. ضمن آنکه شجاعت و فداکاری توده ها در جنگهای عادلانه را مورد تأیید قرار میدهد. رفیق موفق میشود، نشان دهد که سرمایه داران از این جنگ سود میبرند و توده ها به گوشت دم توب بدل میشوند. از این گذشته این نمونه نشان میدهد که توده ها چگونه آماده پذیرش تبلیغات کمونیستی سازمان در محکوم کردن جنگ هستند. پیروزی و موفقیت رفیق مبلغ "ش" و همه پیکارگران آزادی طبقه کارگران در اینجا موطا شاف انقلابیست آن روز و مندم!

اینک متن گزارش:

جنگ ایران و عراق و برخورد توده های جنگ زده به آن

مواقع پیکار در مورد جنگ خواست توده ها با خلاف خواست توده ها است.

مسئله جنگ از دیدگاه "پرولتری" یعنی چه؟! حال ببینیم خود توده های زحمتکش در مورد سوالات مطرح شده چه جوابی میدهند...

در پی یک وظیفه تشکیلاتی قصد رفتن به "مسجد سلیمان" را داشتیم. ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه ۵۹/۷/۲۲ بود، یعنی درست هنگامیکه فوج زحمتکشان از شهرهای جنگی مانند سنندج، اهواز و غیره مشهور و ذمول و... به جاهای نسبتاً امنی روانه میشدند یعنی بوسه از جاکنده شد و به قدم مسجد سلیمان برآه افتادیم. قیافه های تمام مسافران زرد و خالی کسل داشتند و با قول یکی از خود آن زحمتکشان که در ماشین بود و میگفت: "حال که نداشتیم، حال که بدستش کردند" برآستی که او از جنگ "تا عادلانه" تنفر داشت و اگر او آتما جنگی عادلانه بود، نه تنها او از آن تنفر نداشته، بلکه عادل و جان در جنگ عادلانه ای که به نفع شان تمام شود شرکت می جستند وقتی که دیدیم واقعاً جودرون ماشین و روحیه مسافران طوری میباید شد که تبلیغ مواضع سازمان و مخصوصاً روشن کردن مسئله جنگ امکان پذیر است، اعلامیه ای که در جیبم بود، در -

آوردم و شروع کردم از همان اولش بخواندن: "میهن مال کیست؟! یکی از مسافران دیگر فرصت خواندن بقیه اعلامیه را ندا دوز و گفت: "خوب معلوم که میهن مال کیست؟ میهن مال اونائی به که خرشون میره" واقعاً گراست می - گفت، میهنی که سرمایه داران کارگران را به بدترین شیوه ها استثمار میکنند، میهنی که فقر درش پیدا میکنند، هیچوقت نمی تونه میهن زحمتکشان با شه میهن مال زاغه نشینها نیست، میهن مال دهقانی که از ما تا ما پیل بر سر دوش میباید، نیست این میهن مال کسی است که منافعی را، شروتن را تصاحب میکند، میهن مال آن سرمایه داری است که در بهترین مبلها لم داده و دیوانه و ابرای حفظ منافعی را دمی - کشد: "بزوبد، بکشید، و پمیرید تا میهن! درامان باشد". آن میهن آنجا کدماست؟! (میهن آنجا کیف پول آنهاست)

در اینجا است که با یک تجربه عینی و واقعاً غنی پی میبریم که مواضع پیکار در مورد جنگ، به تمام معنای نگرخواسته های زحمتکشان است که سرمایه داران از لوصفت آنها را بی ارزش به حساب می آورند...

مسئله جنگ از دیدگاه

پرولتری یعنی چه؟

شروع به خواندن بقیه اعلامیه کردم: "جنگ ایران و عراق جنگی است که جز فلاکت و بدبختی، برای توده های زحمتکش و کشور چیزی بیار نمی آورد. مسافری از ته ماشین آهی کشید و گفت: "والله به خدا راست میگه، تنها ما بدبخت - ما هستیم که آواره شدیم، باور کنید جنگ بالا - شیهما سرمایه پاشینی هاست" برآستی که چه گفته قشنگ و چه حقیقت روشنی است. سرمایه داران با آن میگه و فانتومهای امپریالیستی شان بر سر منافع خلق جنگ راه انداخته اند راستی مگر همین رژیم جمهوری اسلامی نبود که کارگران را بجرم کمونیست و انقلابی اخراج میکرد (و میکند). مگر همین جمهوری اسلامی نبود که خلق عرب را سرکوب کرد (و میکند) و مگر... پس بطور شده که می خواهد از منافع آنان دفاع نماید. زهی خیال باطل، توده ها خود تصمیم خواهند گرفت! از جنگ ایران و عراق چه نفعی عاید زحمتکشان دو کشور میشود؟! "

همه سکوت کرده و منتظر شنیدن بقیه اعلامیه بودند، اما برآستی مگر در درون آن ورق چه بود؟! جز خواسته های توده های زحمتکش؟! منم شروع به خواندن کردم.

"در جنگ دولت ایران و عراق زحمتکشان به گوشت دم توب سرمایه داران میدل میشوند" من کمی مکث کردم تا ببینم در مورد این گفته نظر آنها چیست؟ مسافری دست فرصت را مناسب دید و گفت: "ای دست هونا که اینو، نوشتن درد نکند (رو به مسافران کرده و ادا میبدهد): والله ما شدم! آلت دست به مشت سرمایه - از زبون نفهم، هی ما شیم که با بد صد -

ببینیم، خلاصه هرچی هست ما فقیرا با بد جور شو بکشیم..."

آری، این یک حقیقت محض و روشن است که زحمتکشان نمی خواهند گوشت دم توب سرمایه داران شوند و خود آنها آگاهانه در یک جنگ نا عادلانه حریف، فلاکت و مصیبت چیزی عاید شان نخواهد شد و این هم همان موضعی است که پیکار آنها ذکر شده اینجا است که از خوشحالی بر سر خود میباید که واقعاً تحلیل مارکسیست - لنینیستی تراز "پیکار" و همگام با خواست توده ها از هیچ سازمانی تا بحال درج نشده. اینک می خواهیم تمام قواغیرا دژم "درویدر آرمان مقدس زحمتکشان" "درویدر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگران"

تا شیر گذاری:

مسافران مینی بوس وقتی که به آخر رسیدن ایستگاه رسیدیم می خواستم پیاده شوم با گرمی دستم را فشردند و حتی یک جوانی هم که در میان آنها بود، وقتی دستم را فشرد گفت: "موفق باشی... آری موفقیت من و رفقای من هم - موفقیت آنهاست."

"زند - با دپیکار توده ها" رفقا! با تمام نیروی خود به میان توده ها برویم و ما هیت این جنگ ارتجاعی را برای آنان روشن سازیم.

گزارشی از "ش" دانش آموزان سازمان
— لالی —

رفیق مسئول دانشجویی ش

از توجه کمونیستی شان به امر هنر و نقاشی که ادبیات، م. ل. و انقلابی در عرصه مبارزه طبقاتی دارد، بسیار به ما هم معتقدیم که وظایف سنگینی در این زمینه به عهده جنبش کمونیستی عموماً و سازمان بالاخره قرار دارد اما در رابطه با مسئله "مفحه هنر و ممت - هنر پرولتری" باید به اطلاع آن برسانیم که این مفحه کاملاً تعطیل شده است اما دو مسئله اصلی در کار آن وقفه ایجاد کرده است:

۱ - در برخورد به فعالیت هنری همچون دیگر عرصه ها در گذشته انحرافات وجود داشته است، بهاء ندادن به کار بر نامه ریزی شده، نقشه مند و همیشه کم توجهی به وظایف تفکیک شده تبلیغی و ترویجی در این زمینه، و عدم یک سازماندهی کمونیستی و برخورد پراگماتیستی به فعالیت عملی و... در عمل موجب شده بود که این مفحه وظایفی را که بر عهده دارد بدرستی پاسخ گوید. به همین جهت سازمان هم اکنون مشغول یک تجدیدنظر اساسی در این زمینه است که البته چنین امری بهیچوجه به معنی تعطیل مفحه نام - برده نبوده است.

۲ - با توجه به مبارزه با دلیقاتی و مسائل گوناگونی که ضرورت پاسخگویی به آن در کارگان سیاسی - تبلیغی در دستور قرار میگیرد، سبب

"استخلاص سیاسی از بندهای امپریالیستی و تشکیل حکومت مستقل ملی" (صفحه ۹۲).

این کشورها را جزئی از اردوگاه انقلاب جهانی قرار میدهد. پس لازم است رزمندگان و راهکارگر استقلال رژیم جمهوری اسلامی را از امپریالیسم در اساسی ترین سیاستهایش بماندگان دهند و پس از آن نیز دست از انبساط بردارند و به رژیم "مستقل" جمهوری اسلامی لفظ ارتجاعی را اطلاق نکنند! ولی اگر نه، سیاست رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز حفظ و حراست سرمایه داری وابسته (این پایگاه داخلی امپریالیسم) نیست. بدین ترتیب نیز "استقلال سیاسی" رزمندگان و راهکارگر یک رژیم وابسته، امپریالیسم جهانی، رژیمی که فقط و فقط در جهت حفظ سرمایه داری وابسته به سرکوب و کشتار توده‌ها می‌پردازد، رژیمی مستقل و جدا امپریالیست اطلاق میکند. شاید راهکارگر رزمندگان بگویند ما که گفتیم این رژیم سرکوب میکند، پاسخ ما اینست که لیبرال‌ها سیاست حقوق بشر کارتر، سوسیالیست‌های اروپائی این مزدوران امپریالیسم نیز از سرکوب رژیم‌های دست‌نشانده سخن میگویند. سخن گفتن از سرکوب تا زمانی که مشخص نشود این سرکوب توسط کدام طبقات و به چه خاطر انجام میگیرد، نشانه موضع کمونیستی یک سازمان نیست.

باید به توده‌ها گفت که دولت آرگان سرکوب طبقه‌ای است و سرکوب توده‌ها در جهت منافع طبقات مشخص است و در شرایط کنونی ایران، این سرکوب توده، تنها و تنها در جهت منافع امپریالیسم جهانی و طبقه سرمایه دار ایران قرار دارد. رزمندگان و راهکارگر باید بگویند اگر سیاستهای جمهوری اسلامی مستقل نیست و وابسته به امپریالیسم جهانی است، چرا رژیمی ایده‌آل برای امپریالیسم محسوب نمیگردد؟ پاسخ روشن است، چه بسیار حکومت‌هایی که نه تنها وابسته به امپریالیسم جهانی بلکه حتی یک زنجیری امپریالیسم مشخص محسوب میشوند. اما برای امپریالیسم حکومت ایده‌آل نبوده و بی‌اعتنا تا توانیهای مشخصان، امپریالیسم دست به تعویض میزند. کودتای اخیر ترکیه بر علیه دولت وابسته سلیمان دمیرل، کشتن پارک چوک‌های یک زنجیری آمریکا در کره توسط خود امپریالیسم و کودتاهای متعدد کارگرگران امپریالیسم بر علیه توکران خودی در آمریکای لاتین شواهد این مدعا است.

برای اینکه بیشتر نشان دهیم اطلاق ارتجاع حاکم به رژیم جمهوری اسلامی از سوی رزمندگان و راهکارگر بصورت پرچمی دروغین برای پوشاندن تزلیزلاتشان به ارتجاع حاکم است به برخوردشان در مورد پذیرش یا عدم پذیرش سرنگونی ارتجاع حاکم در روند مبارزه طبقه‌ای اشاره میکنیم. ادا مه دارد.

رفقای دانشکده ۳۳

پرسیده بودید که چرا ما در رابطه با جنگ تنها با رزمندگان برخورد کرده ایم، ملاک ما در این باره چیست؟
اولا اگر رفقا، بیکار و رتوریک را خواننده باشند، متوجه خواهند شد که ما تقریباً با مواضع کلیه نیروهای جنبش برخورد نموده ایم. ما تنها آنچه باعث شده است که ما به رفقای رزمندگان برخورد بیشتری نمائیم، از آنست که این رفقا جزو نیروهای بنیستایی جنبش کمونیستی بودند که اینچنین به سرعت سقوط کرده اند و ما می‌المثال در برخورد به راهکارگر رزمندگان طبقاً به رزمندگان بهای بسیار بیشتری میدهم و می‌گوئیم تا لاقلاً بخش اعظم آن به عطف کمونیست‌های پیگیر به پیوندند.

رفیق س-ب

در مورد نظراتی که طبق مدارکی بدست آورده بودی و روش آنرا برای ما نوشتی، هرچه سریعتر آنرا برای هشیت تحریریه ارسال کن

■ نامه‌های زیادی بدستمان رسیده است که ما ضمن تشکر از کلیه رفقا و دوستان، بدلیل محدودیت جا، تنها به ذکر اسم نویندگان نامه بسنده میکنیم.

رفقا محمد از مشهرم، ج- محمد- رسول- شاهین - پ- م، د، د، از آمل - فهمیده از کمیته معلمین - م، دانش آموزان تهران - فرزانه از قزوین - ج - خ، از ارومیه - به از تبریز - رفقای مرند - ش - م، از کرمانشاه - پرو - ن، سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار غرب تهران - مسئول سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار - گزج - ط - ف، ع - رس از دزفول - م، ع - ط از اصفهان - ت، دانش آموزان - از بروجرد - الف از اصفهان - ی - ف از اسلامشهر

بقیه از صفحه ۱۰

رزمندگان...

حلقه‌ای تحت سلطه و کشور سوسیالیستی تقسیم میشود. هر دولتی که بر علیه امپریالیسم (و بیکار هست، ارتجاع داخلی) مبارزه بکند، به اردوگاه جهانی سوسیالیسم تعلق دارد. ما به ترهات روبرو نیستی سه‌جانبه، یعنی "استقلال" جهان سوم اعتقاد نداریم. راهکارگر رزمندگان باید به این سوال پاسخ بگویند که اگر تقسیم جهان را به دو اردوگاه جهانی انقلاب و ضد انقلاب یا سوسیالیسم و امپریالیسم واردانند، جایگاه جمهوری اسلامی در کجاست اگر جمهوری اسلامی مستقل از امپریالیسم است و اقداماتش سدی در جهت منافع امپریالیسم، پس جزو اردوگاه انقلاب است و اگر کشوری است ارتجاعی بنا بر این به اردوگاه امپریالیسم و ضد انقلاب جهانی تعلق دارد و همچنان که استالین در مسایل لنینیسم معتقد است:

میتواند در باره‌ای مواقع انتشار مطالب این صفحه همچون دیگر مطالب به تعویق بیاورد طبیعی است که عدم توجه به این امر و قائل شدن تقدیم برای انتشار مطالب ضروری تر خود برخورد درستی نخواهد بود.

در آخر، امیدواریم کار همه جا نه در زمینه هنر نقش آگاهانه‌ای در پاسخ به وظایف کمونیستی در این عرصه به عهده گیریم و همچنان از اتانادات و بیستینادات و مشارکت فعالانه رفقا بهره‌مند شویم.

موفق باشید!

رفیق طراح

طرح‌هایی که تحت نام: "روزیونیسم" حافظ منافع بورژوازی در جنبش کارگری "آنترونا سونالیم پرولناریائی ارتوع روسی" و... فرستاده بودید رسید. لازم دیدیم چند نکته را با شما در میان بگذاریم. دیدگاه سوسیالیست حمایت هنری تا آن قابل تحسین است، ولی رفیق اگر در خود علاقه‌ای در رابطه با طراحی می‌باید بدون شعار، بسیار جدی تر به کار بپردازید. یک هنرمند ما را کم نیست - اگر چه باید در درجه اول به مضمون آگاهانه و کمونیستی آثارش توجه کند و این خصوصیت همه کمونیست‌هاست، ولی آنچه که کار او را از فعالیت‌های دیگر متمایز می‌کند، همان توانایی او برای انتقال آگاهی سوسیالیستی به توده‌ها به زبان هنر است به همین جهت برای آفرینش آثار بی‌بافت و بی‌معنی و بی‌توان، ضروری است که هنرمند کمونیست به آموزش جدی در زمینه فعالیت خاص خود، توجهی جدی مبذول دارد و ما امیدواریم با کار متشکل در این زمینه به شما کمک کنیم که بتوانید هر چه بهتر افکار و احساسات انقلابی‌تان را در قالب طرح ارائه دهید. اما بیش از همه این شما هستید که باید بطور منظم و بسیار مداوم سعی کنید طراحی را بطور علمی بیاموزید و با کار فراوان، آثاری که به روی بیننده تاثیر تکان دهنده برجای بگذارید آفرینید دست شما را بکرمی می‌فشاریم

رفیق م-خرم آباد

مضمون اشعارتان نشان دهنده، آگاهی طبقه‌ای، کینه و نفرت فراوان شما از بنیادگری و ستیمی است که در سیستم سرمایه داری وابسته بر توده‌های زحمتکش می‌رود. همچنین در اشعارتان بخصوص شعر "درفش شهیدان" قطعاً وجود دارد که بسیار نگر و خجسته‌اش عریان‌شماست، لیکن باید بتوانید احساسات پر شور و توان را به بهترین صورت بیان کنید. اگر به عنوان عرصه‌ای از فعالیت انقلابی، شعرا را انتخاب کرده‌اید باید فراوان اشعار انقلابی بخوانید، بگوئید فنون شعرا را بیاموزید و به کار خستگی ناپذیر در این زمینه بپردازید. از غما می‌خواهیم تا اشعار تازه‌تان را برای ما بفرستید.

پیروز باشید!

بازهم تفتیش عقاید بازهم اخراج و... بازهم مبارزه

اخراج و مبارزه فارغ التحصیلان دانش -
سراهای مقدساتی و معلمین انقلابی :
خراسان - رژیم جمهوری اسلامی با وحشت
از آگاه شدن دانش آموزان، دروازه‌های شهریه‌ور
دست به اخراج ۷۵۰ نفر از معلمین مبارز میزند
معلمین اخراج شده و ایل مهر در آواره آموزش
و پرورش خراسان با خواست بازگشتن بزرگوار
دست به تحصن میزنند.

معلمین متحصن، پس از شنیدن جواب سر -
بالا از طرف معاون آموزش و پرورش خراسان،
نمایندگان از میان خود انتخاب کرده و به
"اداره گزینش و ارشاد" تهران میفرستند و
آنها پس از مذاکره با موسوی گرمارودی، رضا
اصفهان‌ئی و موسوی خراسانی (نمایندگان مشهد
در مجلس) دست خالی برمیگردند. با ردیگر رژیم
استیصال خود را در پاسخ دادن به خواسته‌های
دموکراتیک مردم نشان داد.

نمایندگان به علت داشتن مواضع سازش -
کارانه و توهمتان لیبرالی، وعده رژیم در مورد
تجدیدنظر در پاکسازی "اخراجی‌ها" را قبول
کرده و حتی برای حضور نماینده بنی صدر در
هشیت تجدیدنظر "پاکسازی" طومار جمع می-
کنند. در همین رابطه "بخش معلمین هوادار سازمان
بیکار در مشهد" اعلامیه‌ای منتشر نموده و در آن
ماهیت "کل رژیم" موضع ارتجاعی هردو جناح
رژیم را در سرکوب جنبش‌های دموکراتیک (از جمله
جنبش معلمین) افشای می‌نماید.

پس از به‌سازش کشیدن تحصن از طرف
نمایندگان، رژیم دست به تقسیم معلمان اخراجی
زده و استخدام مجدد آنها را منوط به جواب دادن
به پرسشنامه‌ای که در حقیقت تفتیش عقاید
اخراجیان بوده، میکند. ما در زیر نمونه‌هایی
از این پرسشنامه سبک ساواک را می‌آوریم:
- علت اصلی مخالفت برخی گروه‌های سیاسی
با جمهوری اسلامی چیست؟
- نظراتان را چه به‌کومهله، بیکار، فدائیان،
حزب دموکرات و... چیست؟
- طرفدار کدام گروه هستید؟
- رجوع به بختیا چه فرقی دارد؟
...

ساری - ۱۴۸ نفر از معلمین ساری که
بدلیل عضو نبودن در انجمن اسلامی اخراج شده
بودند در تاریخ ۵۹/۷/۸ نمایندگان برای
مذاکره به تهران میفرستند و آنها قول می‌دهند

رسا تر چون شود، فریاد می‌گردد!!

کنند، چه معنی دارد؟ "بکنفر جواب داد: "ایمن
معنی را دارد که نان خوردن برای "مستضعفین"
حرام است!" خنده مردم، مردچاق را بیشتر
عصبانی میکرد. دستفروشی که کشتان کشتان بطرف
ماشین برده میشد با خواهش میگفت "والا کار
نیست"، بخدا دیگر اینطرفها پیدا نمیشه...
دستفروشی از بالای تاکسی بار داد زد: "چسرا
اینطوری به اینها التماس میکنی" و یکی از
پاشین جواش را داد که: "تو هم زیاده شاع نبودی
که بدون اعتراض سوار شدی!" این حرف باعث
بلند شدن اعتراض دستفروش ها شد ولی چماق
سرکوب این بار قوی تر بود، مردچاق به راننده
گفت "برو"، راننده جواب داد: "برادر! عقب
ماشین کم نده به زمین بخوره، یک سرما به دار
هم بیا و برید جلوس بشنید که میزان شود!" من
گفتم: "نه داداش! آنوقت جلوما شین میخوای!"
... "حتی هزار نفر اینها با یک سرما به دار رسابر
نیستند" مردم با هلهله تا شید میگردند. "سرور
خیلو که از خشم سرخ شده بود تر میزد و گفت: "شما
دارید از انقلاب سوا ستفاده میکنید!" شاگرد
مکانیک جواب داد که: "پس چرا مثل شما چماق
نشده ایم!" تاکسی بار راه افتاد ولی مردم
هنوز بحث میکردند. مداهای آرام مردم آهنگ
خوشی داشت، بیاد قبل از قیام افتادم:
زمزمه، ناله، فریاد، همه، سرود، سرودی
به ریاضی فریادهای خشم مردمیکه به تخیل
با غشاه می رفتند!!

★ ★ ★

تهران - اول باز را ریاسته بودم، بپیرمردی
با دوزخیل پراستان و نمکدان... در
دستهایش وحشت زده به اینور آنور میدوید. مثل
شکار که از دست شکارچی دررفته باشد. سرور
میان سال دیگری تا تعدادی جوراب و پیراهن...
در پشت چند تا سبد پنهان شده بود. پیر جوانی
بساط خود را که مداد و دفتر بود در زیر ما شینسی
پنهان میکرد. مردم دور تا گسی باری که چند
دستفروش سوارش بودند حلقه زده بودند. یک مرد
عینکی چاق دستفروشی را بطرف ماشین هل می-
داد و به دوپاسان حاضر در آنجا میگفت "بندازید
تو"، داشتند دستفروش ها را میگردشند. "مرد
زحمتکشی با نیشخند زهر آگینی میگفت: "دارند
سرما به دارها را میگیرند!" شاگرد مکانیکی
جواب داد: "نه! دارند مزاحمت برادران سرفایه
- دارا میگیرند"، "آخه این بیکارها جلو
جره و مفا زه تاجر محترم را به منظره میکنند!"
مردم با خنده از این صحبت ها استقبال میکردند
مردک چاق دستفروشی را کشتان کشتان بطرف
ماشین میبرد. دست فروش زحمتکش با طعنه
گفت: "برادر! میخوای مرا سرکار ببری؟" این
محنه ها مردم را به حرف درآورد:

"پس چرا از این سرما به دارهای باز را نمی-
گیرند که خون ما را نوشیده میکنند" مدائی پاسخ
داد: "کفرنگو! آنها خمس و ذکوة خوبی
میدهند!!"، رهگذری میگفت: "آخه، با اینها
هم زن و بچه دارند، جدا نکنند؟، دزدی که نمی -

هشیتی از طرف رئیس جمهوری برای بررسی به
آن شهر برود که وعده‌ای تو خالی بیشتر نبوده و
بیکار دیگر ساواکاری نمایندگان لیبرال،
مبارزه معلمین را به انحراف میکشاند.

خمین - مسئولین دولتی ۱۶ تن از معلمین
مبارز را به جرم آگاهی دادن به دانش آموزان
در اوایل مهر ماه اخراج میکنند. قابل توجه است
که رژیم با پرونده سازی ساواک ما بانه‌ای در
پرونده یکی از معلمین مبارز اعلامیه‌ای از بیکار
راضیه نمود و او را به فعالیت کمونیستی و
آگاه‌گرانه "متهم" نمود.

اسدآباد - در تاریخ ۵۹/۸/۸ معلمین
اخراجی اسدآباد در سیدادگاه با مطلع انقلاب
فرهنگی رژیم ارتجاعی محاکمه شدند. جرم آنها
یکی "تشوین پرچم آمریکا" و دیگر فعالیت
آگاه‌گرانه در میان دانش آموزان بوده است!
باز هم بگویند رژیم ضد امپریالیست است! ■

بقیه از صفحه ۲۷
میکند و خنثی است یا پسر، زیست یا...؟ ایننگان یاد!
در روزنامه میزان مورخه ۶ آذر آمده بود
که بعضی از آقایان لیبرالها "میزانی" برای
با مطلق "حفظ و حراست اینگونه موجودات معصوم
و مظلوم از آسیب‌های جنگی" پیش وزیر بهداشت و
مکتبی جمهوری اسلامی میروند و افسار مشورت
با "کمیسیون مخصوص ایدئولوژیکی وزارتخانه"
وحشت خود را از اینکه حتی یکی از کودکان به
دست نیروهای انقلابی کمونیستی سفتند نشان
میدهند و سرانجام اجازه نمی‌دهد که حتی کودک به
این مراجعین تحویل گردد!

اگر توده‌های زحمتکش و کودکان نشان بپذیرند
در نظر و برای مکتبی بهتر از این است که
احتمالا نسیم انقلاب کمونیسم بر آنها بوزد
سرما به داران و مرتجعین حق دارند اینچنین
از انقلاب و کمونیسم بترسند. ■

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق!

نقشه از صفحه ۱ رهنمود...

به اینکار رشتند و آوارگان حاضر نگشتند "گوشت دم شوب" این رژیم بشوند و فربا دا عتراضی خویش را بر علیه ارتجاع و جنگ بلند نمودند، تا حدی که رژیم محصور به عقب نشینی و با مصلح "حمایت" از آوارگان جنگی شد، اما جنبش زحمتکشان آواره خوزستانی با آوجگیری خود، رژیم را بیش از پیش و ناگزیر در روی آنها قرار میدهد اما وظیفه کمونیستها در این میان چیست؟ کمونیستها می بایست با حمایت از ایس جنبش توده ای و با بسیج و سازماندهی آن، در جهت گسترش انقلاب بکوشند، به تاسیل جنبش آوارگان زحمتکش بسیار بالا است و فرفروغلاکتشان، حتی ممکن است آنها را به حرکت های شورشی بکشاند. از اینرو هادیت و ارتقاء این جنبش امری بسیار مهم و ضروری است. در اینجا میگوئیم شعارهای تبلیغی برای آوارگان را که حول آن باید مبارزات آنان را سازمان داد، بطور مختصر بازگو کنیم:

۱ - شورا های واقعی، میان آوارگان، ایجاد باید کرد!

سازماندهی و هدایت مبارزات زحمتکشان آواره جنگ، تنها میتواند با یک تشکیلات واقعی و مترقی که از میان خودشان ایجاد شده باشد، امکان پذیر گردد. باید در تبلیغات بر روی این شعار تکیه نمود و ضرورت تشکیل آن را برای آوارگان جنگ زده توضیح داد. باید توضیح داد که آوارگان نمی توانند خواست های خویش را از این رژیم بدست آورند مگر با مبارزه، و نمی توانند این مبارزه را با موفقیت انجام دهند مگر با تشکیلات، تشکیلاتی که بتواند وظایف گوناگون مربوط به مسئله آوارگان را انجام دهد. تشکیلاتی که بتواند آوارگان را سازمان دهد، روحیه انقلابی را در آنان گسترش داده و علل آوارگی و سیاست رژیم نسبت به آن را توضیح دهد. تشکیلاتی که بتواند رابطه بین آوارگان متفرق بوجود آورد و از این طریق مبارزه آوارگان هر منطقه را به منطقه دیگر متصل نموده و با تشکیل "شوراهای سراسری آوارگان جنگ"، قدرت و اتحاد و همبستگی خود را افزایش دهد. از اینرو تبلیغ ضرورت ایجاد شوراهای آوارگان و تلاش برای ایجاد آن یکی از وظایف بسیار مهم و فوری است.

۲ - مسکن برای آوارگان، تامین باید کرد!

آوارگان جنگی خانه و زندگی خود را از دست داده اند و عموماً در جا درها و در شرایط بسیار سخت زندگی میکنند. با فرار رسیدن فصل زمستان، زندگی در این جا درها برای تب سخت تر شده و ناراحتی در میان آوارگان را گسترش خواهد

داد. تبلیغ شعار ما دره اماکن خالی و بی استفاده، اماکن لوکس مانند هتلها، اماکن سرمایه داران و... به منظور تامین مسکن مناسب برای آوارگان، یکی از شعارهای مهم تبلیغی است. برای داشتن مسکن مناسب باید آوارگان را دعوت به برپایی اعتراضات گوناگون از قبیل تحصن، نظاهرات و... نمود. این مبارزه صرفاً از طریق مبارزه انقلابی اماکن نامبرده نبوده، بلکه با ایجاد دشار برای ارگانهای دولتی نیز میتواند صورت گیرد. لذا تبلیغ شعار همبستگی نمودن مسکن مناسب برای آوارگان، یکی دیگر از مهمترین شعارهای تبلیغی ای است که رفقا باید در میان آوارگان تبلیغ کرده و برای سه اجرا در آوردن آن، بکوشند.

۳ - هزینه زندگی، تا موقع بیکاری، برای آوارگان، پرداخت باید کرد!

آوارگان جنگی نه تنها خانه و کاشانه خود را از دست داده اند، بلکه کار و شغل خویش و نتایج آن را نیز از دست داده اند. به همین علت، آنها قادر به تامین مخارج خویش نیستند و برای گذران زندگی از کمترین امکانات رفاهی برخوردارند. رژیم نیز در بسیاری از مواقع کمکهای جنسی مردم برای آوارگان را، به اینان میفروشد. برای پرداخت هزینه زندگی از طرف رژیم به آوارگان، باید تشکیلات وسیع برپا انداخت. این حق آوارگان است که در این زمینه تا مین گردند و تنها زمانی که رژیم برای آنان شغل و کار تامین کند، آوارگان خود هزینه زندگی خود را می پردازند. بنا بر این برای تامین کار برای آوارگان و پرداخت هزینه زندگی در موقع بیکاری، بشدت باید تبلیغ نمود و جنبش اعتراضی آوارگان را با زهم گسترده تر ساخت و رژیم را به استیصال بیشتری کشاند.

۴ - کمکهای ارسالی، برای آوارگان، بصورت مستقیم، ارسال باید کرد!

باید ضمن توضیح ماهیت جنگ، علل آواره شدن جنگ زدگان و ضرورت همبستگی مردم مناطق که آوارگان بدانجا کوچ کرده اند، از بهره برداری ارتجاع جهت جلب حمایت توده ها حتی المقدور جلوگیری کرد و مبارزات آوارگان را بصورت مستقل به پیش برد.

بنا بر این در عین حال که باید رژیم را از طریق افشاکاری مجبور نمود تا کمکهای ارسالی برای آوارگان بدون کم و کاست بدست آوارگان برسد، باید با تشویق توده های زحمتکش برای کمک بدعج زده گان، ستادی برپا نمود تا کمکها بصورت مستقیم بدست آوارگان برسد و رژیم

با فروش کمکهای جنسی به آوارگان، نتواند از این نمدم کلاه برای خود بردارد. از اینرو شورا های آوارگان میتواند با ایجاد کمیته های نماینده گي در شهرهای مختلف، این کمکها را مستقیماً جمع آوری نماید. همچنین میتواند با باز کردن شماره حساب بانکی، کمکهای مردم را از این طریق تحویل بگیرد.

۵ - اختناق و غفلان، میان آوارگان، افشا باید کرد!

تمرکز آوارگان در شرایط مکانی بسیار سخت و پرمشقت و معضلات گوناگون آنان، سبب شده که آوارگان بدرستی ناراحتی و اعتراض خود را علیه رژیم حاکم ابراز نمایند. رژیمی که مسئول تمام بدبختیها و فلاکت های توده ها است. توده های آواره آنچنان از این رژیم و این جنگ ضد مردمی بستوه آمده اند که جرقه های میتوانند خشم آنان را به انفجار بکشاند. رژیم برای اینکه از حرکت در آمدن آوارگان و از فعالیت نیروهای کمونیستی و انقلابی جلوگیری نماید، عموماً میل خود را به میان آوارگان فرستاده است. این عوامل سعی دارند با ارباب، سرکوب دستگیری، مدای توده ها را خفه کرده و نیروهای را سرکوب کنند. به این لحاظ وظیفه نیروهای آگاه است که در این مورد هوشیاری لازم را بخرج داده و با سازماندهی هر چه منضبط تر فعالیت خود، توطئه های ارتجاع را خنثی نماید و در عین حال به اعتراضات توده ها علیه غفلان پلیسی دامن بزنند.

۶ - ستاد تبلیغاتی، میان آوارگان، ایجاد باید کرد!

شورای آوارگان باید با بدبختیهای ستاد تبلیغاتی در میان سا بر توده ها و همچنین در میان خود آوارگان، به افشای ماهیت جنگ و اعمال رژیم در مقابل آوارگان جنگی بپردازد و علل این آوارگی و ضرورت همبستگی میان آنان و سایر توده ها را توضیح دهد. در این شورا کمونیستها می بایست هر چه بیشتر در جهت افشای رژیم و مجموعه جنایات او فعالیت کرده و توده های آواره را با روحیه ای مبارزه جو یا نه و انقلابی پرورش داده تا بدین طریق بتوان هر چه بیشتر دامنه این جنبش را گسترده نمود. کمونیستها باید با بردن آگاهیه انقلابی میان آوارگان، مبارزات آنان را در زمینه های فوق بسوی یک مبارزه انقلابی جهت داده و این مبارزه را با مبارزات زحمتکشان علیه گران تبلیغ کرده و بالاخره به کوشی برای گسترش انقلاب تبدیل سازند.

★ ★ ★

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بقیه از صفحه ۲۸ تخصص ۳۰۰

حزب جمهوری بخاطر تعلیل به یک جناح بورژواشی غالب و خرده بورژوازی مرعیه ستی، علیرغم تمام تلاشی که در یکا رگیری متخصصین برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته دارد، اما نتایج آن هاداین سکا رگیری، موجب تضعیف او در حاکمیت شود، و غربیاد میرسدنخصم بسیار چیز خوبی است، منتها اول مکتب بعدنخصم، و با بقول هادی غفاری (این ایمان) "است که حاکم است برنخصم" (کیهان ۳۰ شنبه ۴ آذر) و چون حزب خود را مظهر ایمان میدانند حکومت را بر سر مستمعین شوربزه میکنند و میخواهد از لیسرا لیا از تخصص امیرالیا لیستی استفاده کند، اما خودش در حکومت بماند، و او وظیفه جدل مذاخه است. با لیسرا برودش بگریزده امیرالیا، میخواهد سیستم سرمایه داری وابسته بازسازی شود، بدون آنکه قدرت او در حاکمیت ضربه ببیند و البته قدرت بیشتری را نیز با بدیه کف آورد، حزب می-خواهد "مکتبیها" "نگهبان منافع امیرالیا لیسر" باشند "مختصین" چرا که سودا بین "نگهبانی" را میخواهند بخود اختصاص دهند.

ثانیاً- لیسرا لیا و تخصص شان!

لیسرا لیا نیز در بی سخنان نشان در دفاع از "تخصص"، "علم" و "کوشش برای کسب هر چه بیشتر قدرت نهفته است."

۱- لیسرا لیا در بازسازی سرمایه داری وابسته، "مختص" تراز "حزبها" هستند، سیاستها و سرنوشتها نشان در این زمینه مختصانه تر است تکنوکراتها و متخصصین نیز در پشت سر لیسرا لیا هستند، بدین ترتیب دعوا بر سر تخصص، برای این است که لیسرا لیا، قدرت بیشتری را در حکومت به کف آوردند. آنها همواره به بی دانتی و حماقت - های جناح رقیب اشاره میکنند، انقلاب اسلامی برای مسخره کردن جناح رقیب، اعلامیه "بیدارگاه انقلاب" خرم آباد را چاپ میکنند که سرونشاش معلوم نیست و پرا ز غلط افلاکی و انشائی است و بیسواد دی جناح رقیب را معیاری برای حقانیت بخشیدن به خود میکند، آنها نقطه ضعف جناح رقیب را که "نداشتم" است را بر رخ می - کشند و میخواهند بگویند، این ما لیسرا لیاها هستیم که با بد حکومت کنیم، شما بلد نیستید بخوبی سیستم را بازسازی کنید و کارها را خراب میکنید لیسرا لیا حمله جناح مقابل به تخصص را در خط آمریکا میدانند، یعنی صدور کارنامه مرثییس جمهوری مینویسد:

"آنهاش که علم ندارند و از ارزش علم خیر ندارند و چون علم ندارند علم و تخصص را تخطئه میکنند، کسانی هستند که آگاهانه با نا آگاهان در خط سلطه قدرتها حاکم بر این جهانند، چرا که ما حاکم تخصص و علم را که سرمایه بزرگ موجودیت کشور ما و پیشرفت کشورند با ابعاد اجتماعی خطرناک می - گریزانند." (انقلاب اسلامی ۴ آذر)، لیسرا لیا میگویند چون تنها ما میتوانیم

کشور را بخوبی اداره کنیم، چون علم و تخصص داریم، هر کس با "مختصین" حمله کند، آمریکائی است، و "حزب" هم میگوید طرفداران تخصص آمریکائی هستند، (ما کمونیستها میگوئیم - دعوا لازم نیست هر دو، شما علیرغم اختلاف در شیوه ها، در حفظ منافع امیرالیا لیسر هستید!) جان کلام لیسرا لیا این است، حکومت را بدما واگذارید، ما میدانیم چگونه انقلاب را سرکوب کنیم و چگونه سیستم را بخوبی بازسازی بمانیم.

۲ - دعوی تخصص یک بعد دیگر نیست ز دارد، لیسرا لیا معنیدند که متخصص امور سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و نظامی هستند و روحانیت طرفدار حزب مختص امور دینی، پس بهتراست هر کس کار خود را انجام دهد، سردی میگوید:

"الام دنیقا به تخصص اعتقاد دارد، وقتی هم میگوئیم تخصص صرفا در مسائل فنی نیست بلکه به این معناست که اگر من متخصص علوم اسلامی نیستم حتی اظهار نظر بجا بسد دا شد یا نه...، اما نظری که شما میدانید در زمینه مسائل اسلامی دقیقا گریخواهید حکم شرعی را در یک مورد بداند یا بدیهه مختصی که علمای اسلامی هستند، رجوع نکنیم." (کیهان ۴ آذر).

بدین ترتیب لیسرا لیا که می بینند بخش اعظم روحانیت، طرفدار جناح بورژواشی حزب جمهوری اسلامی است، میگویند و اربا به حیره های حوزه علمیه برگردانند، تا مشغول تخریبشان باشد و کارهای دیگر را به بر دیها و قطب زاده ها و بی-مدرها... بسپارند، (ما کمونیستها البته خواهم گفت، هر دوستان به کار را زحمتکشان به پیش!)

۳- دعوی تخصص با مکتب یک جنبه دیگر نیز دارد و آن این است که با روحان بخشدن به تخصص لیسرا لیا میتوانند، روابط حسنه تری با "ما در مختصین از نظر لیسرا لیا" یعنی امیرالیا - لیسر برقرار کنند، لیسرا لیا با تعاریف "امیرالیا لیسر بندی"، وابستگی را از تنگنای تعریف میکنند که بتوان بهترین روابط را با امیرالیا لیسر برای امکان "مدور تخصص ها" یعنی سرمایه گذارهای امیرالیا لیستی برقرار سازند منصور فرهنگ یکی از شوربزه سالها "انقلاب اسلامی" می نویسد:

"باید وابستگی یک کشور را با نیاز سه دنیای خارج یکسان تلقی نمود، در جهان معاصر هیچ کشوری نیست که به خارج از مرزهاش محتاج نباشد... وابستگی ارتباطی به سرمایه گذاری یک کشور در کشور دیگر ندارد... بنا بر این میتوان گفت که "وابستگی" در اصل یک رابطه قدرتی است." (انقلاب اسلامی - ۴ آذر)

بدین ترتیب دم خوس تخصص عربان میشود وابستگی ربطی به سرمایه گذارهای امیرالیا - لیستی و نیاز کشورهای تحت سلطه به امیرالیا لیسر (که از طریق استعمار سرمایه داری وابسته الزامی شده است) ندارد، وابستگی یک رابطه

قدرتی است، بدین ترتیب امیرالیا لیسر سیاسی است نه اجتماعی، پس چون بهترین تخصص ها در کشورهای امیرالیا لیستی است، پس باید بهترین روابط میان امیرالیا لیسر و متخصص های ایرانی یعنی لیسرا لیا وجود داشته باشد، اما فاسد است که چون حکومت ایران وابسته نیست! هیچ اسکالنی ندارد که میدانم ردها توان امیرالیا لیسر در ایران سرمایه گذاری کند! شما دشمنان سرمایه داری وابسته ایران به امیرالیا لیسر محتاج باشید، وابسته و وابستگی نیست! دعوی تخصص امیرالیا لیسر را فرا میگیریم و از روی سرمایه داران ایران را که بازسازی کامل سرمایه داری وابسته است بر می آوریم.

این است واقعیت تریا درنده با تخصص لیسرا لیا! آنها در بی شمارهای علم و تخصص می-خواهند روابط خود را با امیرالیا لیسر توجیه کنند چرا که چنین کوششی البته بقول آقای فرهنگ "وابستگی" نمی آورد، حال اگر سرمایه گذار ی امیرالیا لیستی در ایران وابستگی نیست، پس چیست؟ لیسرا لیا به پای نیسان می سوارند!

کمونیستها و

"مکتب حزب و تخصص لیسرا لیا"

کمونیستها معتقدند این واژه ها کوششی برای یونان دادن جدالهای میان دو جناح ارتجاعی حکومت است، هر دو خواهان سرکوب انقلابند (با شیوه های مختلف، آزادخواهی نمائی دروغین لیسرا لیا که برخی نیروها چون مجاهدین را نیز فریفته است، نمیتوانند جدا بتهایشان را در کردستان، ترکمن صحرا و سایر ایران بیوانند). هر دو خواهان بازسازی کامل سرمایه داری وابسته اند، (نمایشهای دروغین صدامیرالیا لیستی حزبها، نمیتوانند دفاع همه جانشان را از سرمایه داری وابسته و حراست منافع امیرالیا لیسر بیوانند، دعوی دو طرفه قتل بر سر شیوه های مختلف این بازسازی است، نه منظور که نیروهای با یکدیگر جنبش کمونیستی چون رزندگان و راه گارگری بدارند و در نتیجه سوی روبرو نیستیهای فداشی (اکثریت) کشیده میشوند، بدین ترتیب ما نه خواهان حکومت "مکتبی ها" هستیم و نه حکومت "مختص ها" زیرا در هر دو حالت امیرالیا لیسر به غارت و استثمار زحمتکشان ما می برد و زحمتکشان ما را گشتار و سرکوب میکند، ما خواهان حکومت زحمتکشان هستیم ما میخواهیم سرمایه داری را و همینطور باید آرآن را به نیروی نهاده در هم بکوبیم و این راه گرازمردم پسنان نمی کنیم یا بدیه نهاده با گوشیم که چه حکومتی بسوزد زحمتکشان است، اما در آن حکومت زحمتکشان، ما چه اعتقادی داریم، چه اصلی حاکم است، "مکتب" یا "تخصص"؟

در این زمینه باید بگوئیم که برای ما کمونیستها "مکتب" مطرح است و در درجه اول هم مطرح است، اما کدام "مکتب"؟ اگر "مکتب" حزب جمهوری عقب گرا و در جهت منافع استثمارگران است، باید شولوزی ما کمونیسم

بقیه در صفحه ۲۴

بقیه از صفحه ۲۳ تخصص

است. ما به ما رکیسم لنینیسم اعتقاد داریم و این ایدئولوژی مترقی ترین و انقلابی ترین ایدئولوژی عصر است. تنها این ایدئولوژی است که برای کارگران و خلفای آزادی واقعی بدست میآورد. تنها این ایدئولوژی است که دشمن سرخست و آشتی ناپذیر استعمارگران و مستکبران است. این ایدئولوژی، ایدئولوژی طبقه کارگر است و راهنمای مبارزه طبقاتی تا استقرار جامعه کمونیستی میباشد. علاوه بر این معتقدیم آن اصلی که پیش برنده و تکامل بخش تاریخ است، مبارزه طبقاتی است. رونیونیستها معتقدند که اصل تکامل نیروهای مولده یعنی تا کیدیکجا نبه بر اقتصاد، اصل اساسی حکومت زحمتکشان است. گرچه کمونیستها به ثلاثی فوق العاده و عظیم یک اقتصاد منسجم متکی به توده ها ایجاد میکنند و با خودکفائی جامعه را متکی به بازوان نیرومند کارگران و زحمتکشان با ر میآورند. اما همواره این پیشرفت اقتصادی و انقلاب فنی و تولیدی تحت الشعاع منافع تاریخی کارگران و زحمتکشان قرار دارد. اصل مهمترین بودی طبقات مستکرو سرمایه دار است. حکومت زحمتکشان هرگز حکومت متخصصین و تکنو - کراتهای بورژوا نخواهد بود. حکومت زحمتکشان در عین تاکید بر برتری عظیم تکنیک، تخصص و فن سرمایه داری جدید را قایل به سیردن حکومت به متخصصین بورژوا که حتی لیاقت ما رکیسم را نیز بخود پوشانده اند، احیا نخواهد کرد. این همان جنابیتی است که در چین، شوروی و همه کشورهای رونیونیستی و سوسیال امپریالیستی که در آن سرمایه داری احیا گردیده است انجام گرفته است. همواره در حکومت زحمتکشان، کارگران در قالب حزب کمونیست حکومت خواهند کرد و طبقات را بطور کامل تا بردا زند، آنها تخصص را بسود خویش بکار خواهند گرفت. آنها علم و دانش بشری را در جهت اهداف کارگران مورد استفاده قرار خواهند داد و بر چند قرن حکومت سرمایه داری خط بطلان خواهند کشید که همواره از علم، تکنیک و تخصص برای سرکوب و استعمار زحمتکشان بسود جسته است. کمونیستها به حاکمیت طبقات معتقدند و در حکومت کارگران همه چیز را در خدمت منافع تاریخی - طبقاتی آنان قرار خواهند داد و نه مانند بورژوازی رسوای کنونی که مدعیوای قدرتش یعنی حاکمیت طبقاتی اش را عوام فریبانه در پی الفاظ مکتب یا تخصص بیوشتاند.

آبادان - یک آواره جنگ ۱۰۰۰ ریال
اردبیل - ب - ت ۵۰۰۰
سرخورد - مرصه خانه دار ۵۰۰۰
سند عباس - رفیق م - غ - ۱۱ ۲۵۰۰ ریال
همراه با ما هم میماند است رسید.
شیراز - رفقای دانش آموز ۱۳۰۰۰ ریال
شهری - الف . ک (دانش آموز) ۵۰۰
کازرون - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰
مشهد - ه - د - د ۱۰۰
ورامین - رفیق کشاورز - الف ۱۰۰۰
نظرآباد - رفقای هوادار ۲۰۰۰۰
یزد - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰۰
کرج - مادر رط ۲۰۰
بدون کد ۵۰۰

رفیق مادر ۱۰۰۰۰ ریال و لباسها دریافت شد.
رفیق موشی ۲۷۰۰۰۰ ریال کمک مالیات رسید.
رفقای هسته کارگری بنگ ۲۰۰۰۰ ریال همراه با ما هم رفیقان در دریافت شد به امید پیروزی و آزادی طبقه کارگر.
رفیق ع - ۵ اطلاعات بیشتری را برای ما بنویس.
تبریز:

ر - کارمند ۳۰۰۰ ریال
مادر پیرا کبر ۳۰۰۰
الف کارگر تراکتور سازی ۳۰۰۰ ریال
کارگر لوله کش ۱۰۰۰
ر - ص (با طریساز) ۲۹۰۰
ر - ج (با طریساز) ۹۰۰۰
" ۱۶۰۰۰
ر - الف صفاکار ماشین ۸۰۰
راننده تاکسی بار ۱۲۷۰۰
رفقای دانش آموز ۱۳۰۰۰
" ۳۶۰۰
ر - ناهید (دانش آموز) ۵۰۰۰

اراک:
ج - الف ۷۰۰ ریال
ر - ع - م ۱۱۰۰
رفیق مادر ۱۵۰۰
رفیق ع مادر ۱۵۰۰
رفیق معلم ۵۰۰۰
رفقای کارگر ۳۰۰۰
م - دانش آموز ۱۰۰۰۰
ناهد ۵۰۰۰
تامی ۲۱۰۰

بوشهر:
پ - ج ۵۰۰ ریال
ش - م ۵۰۰۰
را - م ۱۰۰۰۰
ع - م (کارگر) ۵۰۰
ل - ب ۵۰۰۰
رفقای بوشهر هدیه تان رسید

سقز:
رفیق و کارگر ۱۰۰۰ ریال
هوادران جنبش مقاومت ۲۵۰۰ ریال
رفیق مادر جمال برای پیشمرگان سازمان ۵۰۰۰ ریال
میان دو آب:
ع - د ۱۵۰۰ ریال
د - برفکار ۱۰۰۰
دور رفیق کارگر ختمان ۳۰۰ ریال
رفیق طبیب هدیه بسیار ارزنده ات رسید.

زنجان:
ت - ق ۱۲۷۷۰ ریال
ع - کارمند ۱۰۰۰
رفقای دانش آموز ۵۰۰۰
رفیق ش - خانه دار اسکله طلای شما رسید.

اصفهان:
رفیق مادر ۵۰۰ ریال
رفیق هوادار ۳۴۵۰۰
" ۳۵۰۰

آغا جاری:
رفیق کارگر ۱۰۰۰ ریال
رفیق دانش آموز ۱۰۰۰

رامهرمز:
پ ۲۱۲۰۰
رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ ریال

فیروزآباد:
الف - ب ۵۰۰ ریال
رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ ریال

شهرکرد:
بیژن ۲۰۰۰ ریال
رفیق برای کومه ۱۰۰۰۰

کمکهای مالی رفقای خارج کشور به دلار
خ ۱۷۷۰ - کو ۲۰۵۵ - م ۶۸۰۰ - SU - ۱۲۹۰
رفقای هوادار در سمینار واشنگتن ۲۶۲۳ دلار شما رسید.

رفیق هوادار در کلاهما ۱۲۲ دلار کمک مالیات رسید
رفیق م - ۲۳۰۰، مبلغ ۱۴۰۰۰۰ ریال کمک مالیی برای کومه دریافت شد. مبلغ مذکور به رفقای کومه تحویل داده خواهد شد.

کمکهای مالی دریافت شده

تهران:	۷۷۰۰	ش	۲۹۰۰	ع	۴۵۰۰
آ	۷۰۰۰	ج	۷۶۰۰	م	۱۲۰۶۰
الف	۷۰۰۰	ط	۱۴۷۹۰	ه	۳۰۰۰
ب	۴۵۰۰	ف	۸۰۰۰	س	۵۶۰۰
پ	۴۵۰۰	م	۱۳۷۷۰	م	۵۶۰۰
پ	۳۵۰۰	ز	۱۵۰۰۰	م	۵۵۰۰
پ	۵۳۰۰	س	۶۰۰۰	آغا جاری:	
ج	۱۰۱۰۰	ن	۹۰۰۰	ب	۹۴۰۰
ح	۱۰۱۰۰	ص	۶۹۰۰	س - ع	۱۳۰۰۰
ج	۱۰۵۰۰	ص	۷۵۰۰	ع	۶۷۰۰
س	۵۸۰۰	اردبیل:	۷۰۰۰	ج	۳۲۰۰۰
س	۸۳۰۰	ف	۷۳۰۰	ج	۱۶۱۰۰
س	۲۰۰۰	ق	۷۱۰۰	بوشهر:	
س	۱۳۰۰	م	۷۸۰۰	ع	۲۸۲۰
ع	۶۰۰۰	م	۷۹۰۰	ع	۶۰۰۰
غ	۵۳۴۷۰	ن	۳۳۰۰۰	ک	۸۵۰۰
ف	۱۷۰۰	ی	۷۵۰۰	م	۶۹۲۰
ی	۱۲۵۰	م	۲۳۰۰۰	م	۲۰۰۰
۱۵۱۱۰۰	۲۲۳۰	م (دانش آموز)	۱۱۵۰	ج - ا	۶۹۰۰
ق	۱۱۹۹۰	م	۷۳۹۰	ش	۴۳۰۰
م	۷۳۹۰	ب	۱۶۵۰۰	پ	۶۰۰۰
ن	۱۲۲۰۰	پ	۱۳۹۹۰	شیراز:	
ن	۶۹۰۰	ز	۱۱۵۲۰	زنجان	
ن	۶۹۰۰	ع	۶۶۵۰	الف م.	۶۳۰۰
ن	۱۲۸۰۰	ن	۱۳۹۰۰	کارگر لوله کش	
تبریز:	۶۹۰۰	ا - ی	۱۸۴۲۰	آبادان:	
الف	۷۹۰۰	ب	۱۴۰۰۰	ب	۱۴۰۰۰
ب	۷۹۰۰	س	۱۰۸۰۰۰	پ - ن	۱۲۳۰۰
ب	۷۰۰۰	ز	۶۲۰۰	سقز:	
ب	۷۲۰۰	الف	۶۱۰۰	ش	۲۷۰۰
ب	۷۲۰۰	س	۷۹۰۰	د	۱۱۰۰۰
ج	۸۱۰۰	د	۱۱۰۰۰		

تهران:
الف - الف ۱۱۸۰۰
ش و مادر ۶۵۰۰
ف - م ۱۰۴۰۰
ک - ب ۴۰۰۰
ه - ه ۵۰۰۰ ریال
ن - ن ۷۰۰۰۰
و - م ۳۰۰۰
س - ف ۲۰۰۰
ب - ن ۱۵۰۰
ب - آرام ۵۰۰ دلار
علی کارگر کشاف ۲۰۰۰ ریال
فرامرز کارگر ۱۰۰۰
دانش آموز جنوب ۵۰۰
محللات شرق ۱۴۰۰۰
محللات شرق ۱۴۰۰۰
کارگر دارو ساز ۵۰۰
رفیق رخی ۲۰۰۰
کمینه تهران ۱۵۰۰۰۰
هابده و فرشته برای پیشمرگان ۱۲۰۰۰ ریال
رفقا الف - ۵۰ و ن - ۱۷، ۲۲۰۰۰ ریال
رفیق ف - ۱۲۰ هدیه ات رسید
رفقای د - د غرب هدیه تان رسید

www.peykar.org



هنرمقاومت هنرپرولتری

با دآورد: "از این نمونه های خشن که یک جانی
ویک دردشیر و یک بورژوازی خوب تبدیل
میشود در ادبیات بورژوازی فراوان است
بورژوازی و زرنگی دزد و حیلگری جانی را مثل
نا فلاقی کا راگاه، با شوق و ذوق میستاید، امروزه
رمانهای پلیسی هنوز بهترین غذای روحی
مردم سیرا رویاست. این ادبیات را خود را در
نف کارگران نیمه گرسنه نیز باز کرده و... پس
ادبیات تمایلی نسبت به افرا در زل زرنگی

وجود می آورد" ادبیات از نظر گورکی
اینست تفاوت ۱۸۰ درجه نظرات مارکسیستی
و رویزیونیستی در زمینه هنر، هنری که حـسـب
توده خا ش و بعد رویزیونیستها مبلغ آشنده هنری
که آقای طبری آنرا آموزش میدهد، هنری است
که هیچ نشانی از آموزشهای لنینی در آن یافت
نمیشود، لنین خود مینویسد:

"هنر بطور خاص با بدرو حیه نبرد طبقاتی،
با تلاشهای پرولتاریا برای دستیابی به موفقیت
آمیزه هدفهای دیکتا توریش درهم آمیخته شود"
(در راه فرهنگ پرولتری)
و احسان طبری رویزیونیست میگوید لازم
نیست به خودنا ن درد سربده با روحیه فاسد
بورژوازی و مطابق همین روحیه برای کارگران
داستان بنویسد، داستانهای نظیر رمانهای
پلیسی شرلوک هلمز!

آری، آنان به موازین مارکسیستی -
لنینیستی به عنوان تعصبات و دگمهای خشک
مینگرند و به اساسی ترین اصول هنر انقلابی
پشت پا میزنند. هنری که میباید برای برای
انتقال آگاهی و حقایق و جزئی حدانندی از
میارزه طبقاتی توده های رحمتکن با شد و در راه
هدفهای دیکتا توریشان به آنان یاری رساند
اما احسان طبری به زبان دیگری حرف میزند.
اونه تنها خوا ستا را انتقال آگاهی ها و حقایق
مارکسیستی به توده های بی آگاهانه نیست و نمی-
تواند با تبدیلک برعکس، بطور عریان میگوید:
"دشواری کار اینجاست که داستان نویسی در
حقیقت نوعی دروغگویی است ولی باید سعی
کرد به جهت یک "دروغ زیبا را تحویل داد."
آقای طبری بعنوان نا هدرای اشیا ت
حرفش شعری ارتجاعی مثال میزند که:

"در شعر میبخ و در فن او
چون اکذب اوست احسان او"

ملاحظه میکنید که تفکر ارتجاعی به عریان ترین
شکل، خود را به نمایش میگذارد. سالهاست که
رثا لیم سوسا لیمستی در واقعیات زندگی جاری
میگرد و در راه های فردای روشن راه روی خواننده
میگشاید. سالهاست که رثا لیم سوسا لیمستی در
برابر هنر نیست و منحن بورژوازی ایستاده و
فریاد حقیقت خواهی طبقه کارگر را سر داده است
و اکنون ببینید که این رویزیونیستهای خا ش

به این ترتیب طبری رویزیونیست رمان
انقلابی را با رمان پلیسی و جنایی در یک ردیف
قرار میدهد و نشان میدهد که رویزیونیستها در
عرصه هنر دارای نظراتی هستند که تنها با منحن-
ترین نوع هنر بورژوازی، هنر تجارستی هنسری
که به آخرین درجه فساد سقوط کرده است همخوانی
دارد.

او خود منظورش را بدون ابهام تشریح میکند
در مورد داستانهای عشقی مینویسد: تمام ما پس
داستانها شرح این است که مردی است، زنی است
عاشق هم میشوند و آخرش به ازدواج منجر میشود
با نمیشود و در باره رمانهای پلیسی هم توضیح
میدهد: "کمان و بیل، نویسنده ای که سر شرلوک
- هلمز را نوشت یکی از بنیان گذاران این
سبک است"

آری کارگران سوسال امیرالیم به
داستان نویسان جوان توصیه میکنند که هر نوع
داستانی میتوان نوشت حتی داستانهای از
نوع پست ترین تفاله های هنر امیرالیمستی.
دشمنی این نظرات رویزیونیستی با دیدگاههای
مارکسیستی در هنر و فنی آشکار تر میشود که آنرا
با نظرگاههای صاحب نظران مارکسیست - لنینیست
در زمینه هنر مقایسه کنیم، به عنوان مثال گورکی
ناگفته میگفت: "چنان که ضرورت انقلاب، ادراک
نموده است و ادبیات وظیفه دارد که به قیام کنندگان
کمک نماید." صفحه ۱۶۷ - ادبیات از نظر گورکی.

آری هنر پرولتاریا، هنر مارکسیستی، به
نویسندگان خود توصیه میکند که هنرنا را به
خدمت انقلاب درآورند و هنر رویزیونیستی، هنر
بورژوازی به نویسندگان جوان رهنمود میدهد
که مطابق روحیه فردیشان اگر مایل بودند
داستانهایی در مورد جانان، پلیس رومانهای
مبتذل عشقی بنویسند، و بدینگونه میراث شیدر
منحن ترین و بیشرمانه ترین آثار رهبری
بورژوازی میرسد. به زعم اینان یک داستان نویس
جوان میتواند (البته اگر مطابق روحیه اش
باشد!) او را به همچون "پان فلمینگ" خالسبق
جیمز باند "کمان و بیل" خالق شرلوک هلمز کار-
گزاران مزدور را میراث لیستنا، و طبقه نقد بیس
و منزه کردن پلیس کشورهای امیرالیمستی و
سرما به داری را به عهده گیرند. اما اگر میخواهد
با نظر نویسندگان کمونیست نسبت به این نوع
آثار آشنا شود خوب است حرفهای گورکی را به

"احسان طبری" مرنده علیه هنر مارکسیستی رهنمود می دهد

رویزیونیستهای "توده ای" همچون تمام
رویزیونیستها، بدون پرده پوشی، هنر فساد
مارکسیستی را تبلیغ و ترویج میکنند، صفات
نشریاتشان از منحن ترین و پست ترین آشکار
"هنری" پر شده است و حامی هنر مبتذل و دروغین
- اند... و اکنون آقای احسان طبری، بورژوا
- رویزیونیستی که مویش را در راه خدمت سبزه
سوسال امیرالیم و بورژوازی خودی سفید
کرده است، یک قدم در نظریه پردازی های وقیحانه
بورژوازی به پیش برداشته و طی مصاحبه ای در
یکی از نشریات حزب توده (۱) ضمن صحبت در
باره داستان نویسی رهنمودهایی به قلم نویسان
جوان عرصه کرده است رهنمودهایی که از نظر فساد
و انحطاط کم نظیر است و میتوان آن نمونه عریان
ارگندیدگی معیارهای بورژوا - رویزیونیستها
در عرصه هنر بشمار آورد.

احسان طبری در این مصاحبه گفته است:
"یکی از توصیه هایی که میشود کرد این است که
نوع قصه ای را که در جهت روحیه خودنا ن هست
انتخاب کنید... "روحیه خودنا ن"، "خودنا ن"
و... در واقع رهنمودهای این رویزیونیست پیر
نکرار جویده های گندیده نویسندگان و منتقدین
و رشکته هنر امیرالیمستی است. اهمیت گفته -
های طبری در اینست که نشان میدهد هیچ تفاوتی
بین رویزیونیستهای هنرمند و هنرمنسدا ن
بورژوازی وجود ندارد، وجه مشترک همه اینان
ناگفته بر جنبه فردی آفرینش هنری است، و هنر
مارکسیستی از ابتدای پیدایش خود را ناچار
دیده است که در سبزی آشتی نا پذیر با هنر فرد-
گرای بورژوازی سر بر سر قرار خوا ستا رهنسری
است که روحیات فرد هنرمند در آن به بیگانگی
با آرمانهای جمعی پرولتاریا برسد

احسان طبری با ابتدالی شگفت آوری موزن
میدهد: ممکن است مثلا فرض کنید دلنا ن بخواد
رمانهای تاریخی یا پلیسی یا جنایی بنویسد
یا اجتماعی انقلابی بنویسد یا رمانی عشقی
بنویسد"

(۱) - مجله جوانان حزب، توده شماره های ۲۰۱

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ملاحظات کوتاه

شکجه‌های مشروع و مکتبی!

همه چیز مشروع و مکتبی شنیده بودیم الا شکجه مشروع و مکتبی، که اینهمه بلطف مصالحه مطبوعاتی آقای کجوشی ریش‌زندان اوین بر ما روشن شد. کجوشی که چیزی است شبیه همان "استوار"ی دوره گذشته، ناگزیر بود برای روشن کردن "ملت مسلمان و قهرمان و متمهد" دربار زندان‌های جمهوری اسلامی توضیحاتی بدهد. اما علت "ناگزیری" این نبود که کارگران و کمونیست‌ها را (دختر یا پسر) شلاق می‌زنند، و بحریم‌بخش چندا علامه جندی‌بار "محنته‌های اعدام" بنمایش درمی‌آورند و یا در یک "بیدادگاه" در بسته‌نیم‌عده یا چند دقیقه‌ای افرادی انقلابی و کمونیست را به همین حرم‌زندان‌های ۱۵-۱۰ ساله یا اعدام محکوم می‌کنند، بلکه علت خیلی "مهمتر" از اینها بوده! آنها دستگیری قتل - زاده را با بد برای لیرالها، این همکاسه‌های حزب جمهوری اسلامی توضیح میدادند. با بدیهه انتقادات "مزورانه" سنی صدر که راجع به انواع زندان صحبت کرده بود پاسخ میدادند! آقای کجوشی در توجیه کاری و در راستای قضیه شکجه (که البته بصورت جدالیه و شرعی اجرا میشود) که شرح تعداد شلاقها را هم معلوم میکند (شان داد که نیروهای فدا خلقی در هر لباس و پوششی که باشند ما هیتان یکی است فقط زبان توجیه‌گری آنها فرق میکند، و مگر توقع غیر از این است؟ در شهری که شیخ الاسلام زاده‌ها نفیسی‌ها و امثال آنان از محازات نکت با بند و آخوندهای درباری در "دادگاه و پسرزه معصین" فقط محکوم به پوشیدن کت و شلوار شوند و احمد رضا کریمی‌های خاش و ویکروا و اکیهای با تجربه برای بازجویی انقلابیون بازسازی ما و اک جدید (با و اما) یکا گرفته شوند و حجات ریش‌زندان اوین آقای کجوشی البته هیچ تعبیری بر نمیان‌نکند، او وظیفه خود را در خدمت به بورژوازی انجام میدهد، همین بس!

وحشت از انقلاب و کمونیسم رژیم رامنیزان

در جنگ ارتجاعی و جانبگارانهای که بوسیله دورژیم ایران و عراق جریان دارد، مساله آوارگان اسعاف فرنگی به خود گرفتار شده است. سرما به داران که با یکدست در تنور جنگ می‌دند و مرده دست دیگر را برای اصطلاح حمایت از آوارگان و نگهداری اطفال سگانه آنان درآورده اند. سرم‌آور است که برخی همانند دوران برده‌داری قرون وسطی کودکانی را که ظاهرا برای نگهداری بیش خود می‌پرند انتخاب

شده در جنگ ۲۱

در شصت‌مین سالروز شهادت

میرزا کوچک خان

"سردار جنگل"

یاد او و مبارزاتش را

گرامی می‌داریم

میرزا کوچک خان بنیان‌گذار جنبش جنگل در سیزده آذرماه ۱۳۰۰ بدست مزدوران چکمه‌پوش رضا خان قلدربشادت رسید. کوچک خان و باران او در باگیری نهضت جنگل و برقراری جمهوری گیلان نقش اساسی داشت و بمثابه یک دموکرات انقلابی منعکس‌کننده تمامایات مترقیانه هفتان در مبارزه علیه فئودالها و رژیم استبدادی و دست‌نشانندگان استعمار بود و در انقلاب مشروطه و مبارزات با آنها نخست‌زما مداری "رضا خان" مبارزه بخش مهمی از زنده‌های گیلانی را رهبری میکرد. رژیم جمهوری اسلامی بسیار کوشش دارد که از نام او و از میرزا کوچک خان و نهضت جنگل به سود خود استفاده کند، در حالیکه "میرزا" علیرغم اشتباهاتی که اغلب آنها به پیش اجتماعی و طبقاتی او بر می‌گشتند، توانست با تبلیغ دموکراتیک و انقلابی و با برداشتنی انقلابی از مذهب، زحمتکشان گیلان را در یک مبارزه مسلحانه توده‌ای بسیج نماید. او معتقد به انقلاب بود و در این راه نیز قدم بر میداشت. کسانیکه در طوفانی ترین لحظات قیام بر شکوه بهمن ۵۷ با تمام نیرو به خلق سلاح مردمی پرداختند نمی‌توانند خود را با مردی که قدم در راه مبارزه مسلحانه توده‌ای گذاشته و از رهبران مدیون انقلاب بود مقایسه نمایند. بزرگداشت مبارزات جنگل و میرزا کوچک خان نباید مانع از یادآوری اشتباهات او گردد. برخوردهای نادرست "میرزا" بویژه در مسائل سیاسی کمونیست‌ها (که به شهادت حیدرخان عموا و غلی منحرفند)، تمایل به برخی مستشاران مشکوک و گرایش به سمت بازاریان و... و خدمات جدی بر یک جنبش فدا ارتجاعی - فداستعماری مردم ایران وارد کرد ما ضمن درسگیری از فرازونشیب‌های مبارزات میرزا کوچک خان، یاد او را گرامی می‌داریم. ■

رضا لیسیم سوسیا لیستی آثار ارزشمندی به کارگران و زحمتکشان شما جهان عرضه کرده است یک به یک این داستانها و رمانها و اشعار و... را ورق بزنید. سطر سطرشان سرشار از صدای بیروان زندگی است. رضا لیسیم سوسیا لیستی بصورت این معلمین مرتجع داستان نویسی تف می‌کنند و نشان خود اهدا ده‌ها تازه نمیدهد و دل‌فغان‌فروتنی نظیر احسان طبری بیش از این سرگرم مسدوم کردن ذهن بیرونی را با شند، بیرونی را بی که بحریم سرخ اغلاش در اهزار است. ■

و برآستی خاش، چگونه تفاله‌های بورژوازی را در صفحات تنگین نامه‌هایشان درج میکنند و علیه هنر بیرونی را به ستیزی خصمانه می‌پردازند البته احسان طبری رویزونیست پریبراه هم نمیگوید! اگر ما با دید تطبیقی به رویزونیست‌ها و بخصوص به این کارگزاران سوسیا ل امپریالیسم نگاه کنیم، فی الواقع اینان مانند تمام نیروهای ارتجاعی تاریخ، به دروغهای زیبا "و به تخیلهای واهی احتیاج مبرمی دارند. اینان میخواهند با دروغهایشان و با هنر دوراز واقعیتشان، واقعیات کنونی را وارونه جلوه داده و حاکمیت فدا انقلاب و ارتجاع را از چشم توده‌ها پنهان کنند و این طبیعی است که به هنرمند بگویند که باید "دروغ زیبا" بگویند و "هر چه دروغ تر بهتر". این کاملاً با هیت طبقه‌ای این کارگزاران سوسیا ل امپریالیسم جور در می‌آید که هنری را تبلیغ و ترویج نمایند که اساسش برواقع گریزی است. اینان به چنین هنری برای تبلیغ سازش طبقاتی و بردن طبقه کارگر به مسلخ بورژوازی احتیاج دارند. مثلاً اینان امروز نیا زاده را بنده کارگران بگویند: "کارگران ایران در جنگ کنونی شرکت کنید". بنا بر این باید در هنرشان مبلغ روحیات آشتی - جویانه، تسلیم‌پذیری و جاکرمنشی نسبت به بورژوازی خودی و دروغ بردازی و شیرنگ بازی باشند. اینان باید در همه حال رواج دهنده خرافات و ایده‌آلیسم باشند.

احسان طبری میگوید نویسنده جوانش را آنچنان تربیت کند که در داستانها و شعرها و خلاصه در تمام رشته‌های هنر، کمر همت بیند و در انقلابی ترین بخش جامعه یعنی طبقه کارگر، هر آنچه روح بیگانه رجویی و کین خواهی و بیداری است از میان بردارد. داستان نویسی که رویزونیست‌ها تربیت میکنند، با بیدارستانهایی بنویسد تا کینه‌های طبقاتی و هیجانهای یک کارگر را به سوی احساسات و هیجانات مبتذل بورژوازی کانالیزه کند: "... بخصوص با خواننده نوعی لج بازی کنند، چون خواننده مرتباً سعی میکند حدس بزند که نویسنده چکارخواهد کرد که مثلاً سرنوشت این خانم چطور میشود، آن آقا چطور میشود... شما لج کنید بروید برخلاف آن مسیری که او فکر میکند" (مجله جوانان حزب توده شماره ۲۱)

کمونیست‌ها هنر را نه در خدمت شکم سیران بورژوا و نه برای سرگرمی و انحراف توجه توده‌ها از اساسی ترین مسائلشان، بلکه در خدمت میلیونها کارگر "این گلیا، این عاقلان به توان و نیروی آینده" (لنین) قرار میدهند. کار و مبارزه هر آنچه که زندگی است در هنر بیرونی جاری میگردد.

همانگونه که مبارزه بر علیه استثمار و استعمار زیباست، همانگونه که عشق به خلق و آرمان والای طبقه کارگر زیباست، همانگونه که هنر بیرونی زیباست، چون آئینه مبارزه با زنا ب رنجها، مبارزه‌ها و کینه‌ها و عقاید توده‌های خلق است

ارتجاع حتی از آوردن نام "کار، درو"، نیشه و "نان" وحشت دارد

اخیرا طی سخنانه‌ای از ادارات بخش و ضبط رادیو-تلویزیون خواسته شده است که سرود "جهاد سازندگی" که در آن "کار، درو، نیشه" کویدن و نان مطرح گردیده بعلت نداشتن محتوای اسلامی از طرف نماینده امام در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، جهت اسلام محتشمی، از سروده‌های قابل بخش حذف گردیده است "را بهیچوجه مورد استفاده قرار ندهند".

ارتجاع از زبان آوردن کلماتی که برای فریب زحمتکشان در سروده‌های تبلیغاتی حای داده اند، هراس دارد. این خودنیک می داند که "کار"، "درو"، "نیشه" و "نان" نظایر آنها کلماتی هستند که با ازوان پرستوان زحمتکشان مبین مایستکی ناگشتنی دارند، ارتجاع "کار" و "کارگران، نیشه و زحمتکشان و خرمن هر" دای" برای "درو" و... ستم‌طیقتی را به بهترین شکلی برای کارگران و دهقانان زحمتکش ایران نسج میبندد. نخسیمی که اگر با آگاهی طبقه‌ای بیا میرد (که آ میخفتش محتوم است) مرک رژیم‌هایی چون جمهوری اسلامی را بیا خواهد آورد و امروز جتنی تصور چنین فردی سرخی برای سردمداران رژیم وحشتی مرکز می آفریند چه دلنشین است دیدن این وحشت سر چهره مرتجعین!

جنایات پاسداران مردم را بباد جنایات ساواک می اندازد!

سازي - در شب نهم ۱۷ آبان ماه اتومبیل حبیب‌ساداران همراه با اتومبیل بیگان سرعت بطرف دریا حرکت میگردند. پس از یک ساعت مردم آن ناحیه با چهره‌خوشی جوان دست سالهای مواجه شدند که پس از شکجه دریا سان رها شده بود. وی که یک دانشجوی انقلابی بود همراه با رفقا پس دستگیر شده بود و از سرروشت دیگران اطلاع نداشت. مردم زحمتکش جومباری با انزجار از جنایات پاسداران سرما بیکه، بیدا وای دانشجوی مجروح برداختند.

آری، پاسداران رژیم جمهوری اسلامی، روشهای ساواک را خیلی خوب آموخته اند.

میکنند. اعتراض مردم زیاده در میشود و پاسداران ارتش خشم مردم، پاسدار رژیم را در میان فریاد - تای "مرک برپا سادار" مردم زحمتکش، فراری میدهند.

یادداشت‌های سیاسی هفته

جمهوری نیز در نوشته‌ها و گفته‌ها نشان میگویند در جمهوری اسلامی باید "مکتبی" ها و "خطاباتی" حکومت کنند، و منظور از مکتبی ها هم مشخص است حزب جمهوری اسلامی و "روحانیت و نیروهای طرفدار این حزب". بهشتی در سخنرانی روزنابونا قدرت را در درجه اول در اختیار ولایت فقیه و فقهای شورای نگهبان (که طرفدار حزب جمهوری هستند) داده و در درجه دوم مجلس، شورای عالی قضائی - نخست وزیر و وزیران! (طرفداران حزب) و رئیس جمهور را عنوان کرده بود. مکتب بهشتی این! بهشتی در حکومت مکتبی ها معتقد است نه تنها مشاغل خاص با بددست حزب با شدیلنگه "مکتبی" ها "حق نظارت بر همه مشاغل خاص را ندارد و با قاطعیت میگوید:

"من این را در اینجا اینجا عرض میکنم روحانیت آگاه متعهد داخل در حد نظارت همه حاشیه تمام عیار به عنوان معتمدان ملت در جریان کارهای کشور برای همیشه نظارت خواهد کرد. (تکسیر دوم) کسانی در جمهوری اسلامی مسئولیت‌های خرد و کلان را قبول میکنند که با این نظارت مراجعان سازگار باشد. آنها شبکه این نظارت را نمیتوانند تحمل بکنند. لطفاً ایشان را به کسانیکه بدهند که از این نظارت صمیمانه استقبال میکنند." (جمهوری اسلامی، اول آذر).

جان با به حرف حزبی ها را بهشتی بخویش بیان میکنند: حکومت "جمهوری اسلامی" است و این حکومت هم چیزی نیست مگر حاکمیت کسانیکه واقعا مکتب اسلام را درک میکنند و اینها کسانیکه نیستند مگر طرفداران ولایت فقیه و فقهیها و روحانیون طرفدار حزب و اصولا حزبیه!

بفید در صفحه ۲۳

تخصص با مکتب پوششی برای جنگ قدرت

جنگ قدرت در میان هردو جناح رقیب هیات حاکمه شدت جریان دارد. ما در این باره بسیار سخن گفته ایم، اما یک میگویند نشان دهم که چگونه در پشت پرده "واژه" هائی که به جناح بکار میبرند مانع طبقاتی خود را بنیان میدارند و چگونه در هر کلامشان کوشش برای کسب بیشترین قدرت نهفته است. یکی از این واژه‌ها که بیلا هر از احوالی ترین مقوله‌های مورد اختلاف دو جناح است، دعوا بر سر تخصص یا مکتب میباشد. ما ثابت خواهم کرد که کدامین اهداف خائنه، در پشت این الفاظ نهفته است و در واقع این دعواها پوششی برای جدال اصلی یعنی "همه قدرت برای کدام جناح" است.

اولاً: حزب جمهوری اسلامی و مکتب‌اش

دعوی اصلی نیروی این است که بر مشاغل خاص حکومتی "مکتبی" ها باشند، یا "تخصص" بهشتی میگوید:

"نمی‌شود در جامعه اسلامی یک جوان درس خوانده مومن، متقی، سیکار برگرد و یک آدم بی‌نقوا و بی‌درس خوانده بجای او سرکار باشد". و با:

"در انتخاب افراد برای مشاغل و کارها سؤال اول از پائیندنی این افراد است مکتب! البی است سؤال دوم از تخصص و مهارت." (جمهوری اسلامی، ۳ آذر).

پس دعوا بر سر حکومت بوده و حکومت مستضعفان! و... نیست و بنا بر ما هست طبقه‌ای نو رزواشی یعنی مدرها و بهشتی ها، نمیتوانند هم باشد. دعوا بر سر این است که چه کسانی حکومت کنند، بهشتی در سخنرانی تخصص با مکتب و در دیگر سخنرانی‌هایش و بنا می سردمداران حزب

گل‌وله بجای بنزین

در تاریخ ۱۷ آبان ماه ساعت ۸/۳۰ صبح بین دوموتورسواران ساداران مستند در بنزین "شیربازنوریزه" (احاده قدیم کرج) - تحول بنزین به آنها مشا چرای بیش شد. مردم به بهشتی از خواست حق موتورسواران در می آید و این بر پاسداران کران می آید و طبق معمول همیشه دست به سراننداری میزنند که یک تیر به کتف یکی از پاسداران و گل‌وله دیگری به پهلوی یکی از موتورسواران اصابت

تسلیمت به کارگران و زحمتکشان ایتالیا

رئیس‌در ایتالیا چندین هزار نفر را کشت و هزاران نفر را آواره کرد. مانند همیشه با رمات و کشته‌ها بردوش کارگران و زحمتکشان قرار دارد. ما هم با نمای زحمتکشان جهان به وظیفه کارگران و زحمتکشان ایتالیا، تسلیمت می‌شویم.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست